

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

آموزش زبان کردی

لهجه کرمانجی وسطی (سۆرانی)

نسخه ۱.۲

قا

ئ

ژ

ۆ

سید محمد سینا احمدی (ریبوار)

این کتاب به صورت رایگان توسط شخص نویسنده به صورت اینترنتی در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است و در مراحل تکمیل می باشد.



«این صفحه مخصوصا سفید گذاشته شده است»

پیشکش بی به

هه موو ئه و که سانه ی که زمانیان به بوونی خو ده زانن.

تقدیم به

تمام آنانی که زبان را نه لب، دندان و گوشت می دانند

بلکه آن را به عنوان انتزاعی از بازتاب تفکرات یک ملت محترم می شمارند.

فهرست

۸----- مقدمه نویسنده

۱۲----- پیشگفتار این نسخه

فصل اول: مروری بر لهجه های زبان کردی

- ۱۴----- کرمانجی شمالی •
- ۱۵----- کرمانجی وسطی •
- ۱۶----- کرمانجی جنوبی •
- ۱۶----- هورامی •
- ۱۹----- نقشه هایی در مورد کردستان •

فصل دوم: الفبا و نظام آوایی زبان کردی

۲۱----- درس اول: الفبا و شیوه کتابت

۲۴----- درس دوم: آواها در زبان کردی، صامت ها

۲۶----- درس سوم: آواها در زبان کردی، مصوت ها

۲۸----- • تمرین ۱-۱

۳۰----- درس چهارم: رسم الخط لاتین زبان کردی

۳۰----- • مصوت ها در رسم الخط لاتین

۳۱----- • صامت ها در رسم الخط لاتین

۳۳----- • تشدید

۳۳----- • تمرین ۱-۲

فصل سوم: افعال و صرف آنها در زبان کردی

۳۷----- درس پنجم: آشنایی با افعال در زبان کردی

۳۷----- • متعدی یا لازم

۳۷----- • شناسه

۳۸----- • الگوی فعلی

- ضمائر ----- ۳۹
- تمرین ۲-۱ ----- ۴۱
- درس ششم: صرف زمان ماضی ساده ----- ۴۲
- تمرین ۲-۲ ----- ۴۳
- درس هفتم: صرف زمان حال ساده ----- ۴۴
- تمرین ۲-۳ ----- ۴۶
- درس هشتم: ماضی استمراری ----- ۴۷
- تمرین ۲-۴ ----- ۴۸
- درس نهم: حال التزامی و ماضی التزامی ----- ۴۹
- تمرین ۲-۵ ----- ۵۰
- درس دهم: فعل (بوون) را بشناسیم ----- ۵۱
- تمرین ۲-۶ ----- ۵۲
- درس یازدهم: ماضی بعید ----- ۵۴
- تمرین ۲-۷ ----- ۵۴
- درس دوازدهم: ماضی نقلی ----- ۵۵
- تمرین ۲-۸ ----- ۵۶
- درس سیزدهم: ماضی مستمر و مضارع مستمر ----- ۵۷
- تمرین ۲-۹ ----- ۵۸
- درس چهاردهم: منفی سازی افعال ماضی ----- ۵۹
- تمرین ۲-۱۰ ----- ۶۰
- درس پانزدهم: منفی افعال حال ----- ۶۱
- تمرین ۲-۱۱ ----- ۶۱
- درس شانزدهم: افعال امری ----- ۶۳

- ۶۴ ----- فعل (بوون) در معنای بایستن •
- ۶۵ ----- تمرین ۲-۱۲ •
- ۶۶ ----- درس هفدهم: افعال نهی

۶۷ ----- تمرین ۲-۱۳

۶۸ ----- درس هجدهم: فعل (بوون) در معنای داشتن

۷۰ ----- درس نوزدهم: جملات شرطی و بیان آرزو

۷۲ ----- درس بیستم: افعال مرکب

۷۴ ----- درس بیست و یکم: افعال بی قاعده- فعل (گوتن ، هاتن ، دان ، مان)

۷۶ ----- درس بیست و دوم: آینده نزدیک

فصل چهارم: نحو در زبان کردی

۷۸ ----- درس بیست و سوم: معرفه و نکره

۷۹ ----- تمرین ۳-۱ •

۸۰ ----- درس بیست و چهارم: جمع و مفرد

۸۱ ----- تمرین ۳-۲ •

۸۲ ----- درس بیست و پنجم: ترکیبات اضافی و وصفی

۸۲ ----- تمرین ۳-۳ •

۸۳ ----- درس بیست و ششم: صفات تفضیلی و عالی

۸۵ ----- درس بیست و هفتم: حروف اضافه

۸۶ ----- درس بیست و هشتم: اعداد

۸۸ ----- درس بیست و نهم: سوالی نمودن

۸۹ ----- درس سی ام، اسامی صوت

۹۲----- درس سی و یکم، اسم تصغیر

۹۴----- درس سی و دوم، اسم مصدر

۹۵----- فصل پنجم: **من ده‌توانم به کوردی قسه به‌کم**

۱۰۱----- فرهنگ لغت کتاب

۱۰۵----- منابع

مقدمه نویسنده

گاهی ترجیح می‌دهم از درگیری‌های همیشگی زندگی به گوشه‌ای خلوت پناه برم و قدری در خلوت خود، آرامش از ازل مفقود بشری را جويا شوم. به پارکی می‌روم تا شاید سمفونی طبیعت آلام مرا مرهم باشند. به هر آنچه ممکن است ذهن بشر متصورش باشد فکر می‌کنم؛ چه‌ها که در سر نمی‌پرورانم! به ناگاه توپی، منی که در افکارم غوطه‌ور هستم را هشیار می‌کند. کمی به اطرافم نگاه می‌کنم. پسر بچه‌ای که به ظاهر قدری ترسیده است دست مادرش را گرفته و به طرفم می‌آیند. در حالی که توپ را در دست داشتم حرف‌های پسر بچه را می‌شنیدیم: "مامان! مامان! من توپمو می‌خوام." از همان ابتدا متوجه شدم که با هم‌زبان خودم سرو کار ندارم؛ البته این عجیب نبود. چراکه در شهر کرد ما، به هر اداره‌ای که سر می‌زنیم، پرسنل، بجز آبدارچی که آن‌هم جزو پرسنل محسوب نمی‌شود، همه غیر کرد زبان‌اند. خودم را آماده کرده بودم که با ژست همیشگی که با غریبه‌های غیر هم‌زبان دارم توپ را بهشان باز گرداندم. نمی‌دانستم توپی که مرا از افکاری که هرگز نتیجه‌ای نداشتند بیدار کرده بود، هویت انسانی را در طرفه‌العینی خرد می‌کند. مادر جلو آمد: "ببخش. کراسه که تان پیس بوو. هرچه‌ندی پیی ئه یزم ئارام بیهاوئ به قه‌ولم ناکا! مه‌رداد جوون، از عمو عذر خواهی کن..."

اوایل با قبول این حقیقت که فقر فرهنگی ملت من تا به این حد رسیده است شدیداً مخالفت نشان می‌دادم. یاد می‌آمد زمانی دوستانم از وجود چنین موضوعی در دیگر شهرهای کرد بحث می‌کردند. ولی این بار می‌دیدم دیار من که چه حماسه‌هایی را به خود دیده است نیز خود دچار این بیماری شده است! سخت بود، سخت‌تر از آنچه می‌تواند تصور شود. کارم به جایی رسیده بود که دیگر زبانم، به بزرگترین دغدغه‌ام تبدیل شده بود.

از آنکه می‌دیدم هنوز کسانی به تکلم به زبان مادریمان عقیده داشتند عمیقاً امیدوارم می‌شدم. ولی دیری نپایید که آن امید نیز ساده لوحیم را به اثبات رساند. چراکه آنها تنها عقیده داشتند، ولی در عمل، حقیقتاً زبانمان را نابود می‌کردند. می‌دیدم حتی آن دسته از مردم نیز، چندان با دسته اول که به کلی زبان مادریشان را به فراموشی سپرده بودند فرقی نداشتند؛ اینها تفکرات غیر کردی را در قالب جملات، به زحمت، کردی می‌گنجاندند، آنها همان را به زبانی غیر کردی می‌گفتند که به نظرم فقر هویتی گروه دوم به نسبت گروه اول بیشتر است.

این صحنه‌ها تنها بخش کوچکی از زندگی روزمره من است. بحث موسیقی، سنن، آداب، لباس و ... به کنار. نمی‌خواستم هیچ شخصی را، چه حقیقی چه حقوقی، برای رخداد چنین فاجعه‌ای ذم‌کنم تا شاید خودم تبرئه شوم. اصلاً بررسی دلایل چنین موضوعی کار من نیست! اما نمی‌توانستم بی تفاوت هم باشم! نمی‌توانستم نظاره‌گر انحطاط زبانم، آن‌هم تا بدین حد باشم. نه من، هیچ انسانی توان مشاهده چنین مصیبتی را ندارد.

با پیش زمینه هایی که در مورد زبان مادریم داشتیم، به تدریج ایده هایی در این زمینه به ذهنم خطور می کرد. یکی از آنها که از دو سال پیش تا به امروز، با وصف گرفتاری های بی حد و حصرم، به یکی از بزرگترین دغدغه های زندگی تبدیل شده است نگارش کتابی در زمینه آموزش زبان مادریم بود. پروژه ای که از جانب برخی مورد استقبال واقع شد و از جانب برخی نیز به شدت عبث و بی فایده تلقی می شد.

حقیقتاً، من صرف اینکه از یادگیری چند زبان تجربیاتی، چه بسا، شخصی داشتم و نیز قدری در زمینه آموزش زبان کار کرده بودم به خود جرات دادم این ایده را عملی سازم. هر چند که از همان ابتدا به خوبی می دانستم که "هر کسی را بهر کاری ساختند" من که نه به صورت آکادمیکی در مورد زبان کردی مطالعه کرده ام و نه از زبان شناسی سر رشته ای دارم چه حرفی می توانم در این زمینه داشته باشم؟! اولی فاجعه ای که ویرانی هایش هر روز بیشتر از دیروز می شد مرا نسبت به این حقایق بی توجه می کرد.

از همان ابتدا سعی کردم با برخی از فعالان در این زمینه ارتباط داشته باشم تا شاید بتوانم حداقل هیئتی را برای تدوین و تالیف چنین کتابی گرد آورم. نظرات و انتقادات زیادی در این زمینه گفته شد. برخی می گفتند "چرا باید چنین کتابی به زبان فارسی نوشته شود؟ شما اول مردم را به زبانشان آشنا کن، گرد کردن دیگران پیشکش." یا گفته می شد "شما هم دلتان خوش است؟! به فرض اینکه چنین کتابی نوشته شد، بعدش چی؟ مگه کم کتاب در این رابطه نوشته شده؟" و...

خب، واقعاً اگر از این نقطه نظرها به این موضوع بنگریم از برخی لحاظ کاملاً حق با آن هاست. اما من برای همه آن سخنان توجیه خودم را داشتم. و نیز با تمام وجود به این اصل عقیده داشتم که همواره "بهترین ها" و "قوی ترین ها" می توانند در دنیا بقا داشته باشند. من که بی هیچ چشم داشتی می خواستم این کار را انجام دهم، اگر کار موفق نیز از آب در نیاید احساس خسران یا پشیمانی نخواهم کرد! به علاوه، صمیمانه امیدوار هم بودم و هستم که در این زمینه تا حدی فعالیت شود و اثرات فاخری تالیف گردد که اینچنین اثری، حتی به چشم هم نیاید. با این عقاید کارم را ادامه می دادم؛ هر چند که علی رغم جستجوهای فراوانم، حتی در دیگر شهرها نیز، نتوانستم شخص یا گروه مناسبی را برای پیشبرد کار بیابم. به ناچار این کار تماماً بر دوش خودم، هر چند گند، پیش می رفت.

اکنون آنچه در اختیار شماست حاصل زحمات بی وقفه بنده حقیر است؛ هیچ ادعایی نسبت به آن ندارم. اتفاقاً خودم نیز از وجود کاستی ها و مشکلات بی حد و حسابی که در آن وجود دارد کاملاً واقفم. اما حداقل با انتشار این اثر، دردهای من قدری تسکین خواهند یافت و خوشحال خواهیم بود که به نسبت زبانم، که تک تک متکلمان به آن همانند مسافران یک کشتی در مقابلش مسئولند، بی تفاوت نبوده ام. ضمناً نمی توانم به لفظ "کتاب" خیانت کنم و به چنین نوشته ای لفظ مقدس "کتاب" را نسبت دهم.

کمبود منابع علمی، انسانی و مادی از جمله مشکلات و موانعی است که موجب شد نتوانم کار را، حداقل در این نسخه، بهتر از این ارائه دهم. نیاز است با وجود چنین مشکلاتی راه حل مناسبی می یافتم. به نظرم اگر کتاب در نسخه هایی با فاصله زمانی به صورت الکترونیکی عرضه شود و خوانندگان و فرهیختگان عزیزی مانند شما، نظرات و انتقاداتشان را در مورد آن منعکس کنند بتوان در طولانی مدت اثر فآخری تحویل جامعه زبان دوستان دنیا داد.

هدف نهایی ما، دستیابی به "کتاب"ی است که با در نظر داشتن عوامل کلیدی در یادگیری هر زبان از جمله **صبر، حوصله و تمرین** بتوان خواننده را پس از دوره ای چند ماهه بر زبان کردی مسلط کرد. برای نیل به این هدف اگر ده پله فرض شود، به نظرم این نسخه در پله اول واقع شده است. تولید نسخه صوتی، بهبود وضعیت گرافیکی، ارتقای مفاهیم علمی و پوشش همه جانبه زبان همه از اهدافی است که امیدوارم در آینده ای نه چندان دور شاهد آن باشیم.

امیدوارم توانسته باشم این احساس مسئولیت در قبال یک زبان را به درستی به تمامی شما خوانندگان عزیز منتقل کرده باشم؛ در نظر داشته باشید که مخاطب مورد نظر ما، شخصی خاص نیست. مهم نیست شما چه زبانی دارید، اهل چه منطقه ای هستید؛ مهم این است که فرهنگ یادگیری، عمران و پیشرفت در شما وجود دارد و این یعنی همه چیز.

تشکر و قدردانی

برای نگارش سطر سطر اثری که در اختیار دارید، دوستان و فرهیختگان بسیاری بنده حقیر را یاری فرموده اند که جا دارد صمیمانه از تمامی آنها تشکر نمایم. از جمله :

از سرکار خانم فاطمه دانش پژوه، مولف محترم کتاب بی نظیر "ارگتیو در زبان کردی" نهایت تشکر و قدردانی خود را ابراز می دارم. کتاب ایشان در زمینه زبان کردی، از معدود کتبی است که به طور خاص بر موضوعی از این زبان تمرکز کرده است و نتایج بسیار ارزشمندی را ارائه فرموده اند. هر چند به طور حضوری افتخار زیارت ایشان نصیب بنده نشده است اما صمیمانه برای ایشان سلامتی و موفقیت را آرزو مندم.

از جناب آقای علی بلخکانلو بابت ترجمه های بسیار ارزشمندشان در زمینه کردی کرمانجی شمالی، خصوصا کتاب "دستور زبان کردی کرمانجی، ژویس بلو- ویسی باراک" که در تالیف این کتاب بی تاثیر نبوده است نیز بسیار سپاسگزار هستم.

همچنین از میان دوستان عزیزی که چه با راهنمایی ها و چه با انتقادات و نظرات خود مرا یاری فرموده اند نهایت تشکر را دارم؛ از جمله:

از جناب آقای اسماعیل مریوانی، استاد گرانقدر زبان فرانسه که ضمن آموزش این زبان، بنده را در یادگیری تفکرات آن نیز یاری فرموده اند بی نهایت سپاسگزارم. بی شک آموخته های ایشان در بهبود نقطه نظرهای بنده در مورد زبان کردی نیز بسیار تاثیر گذار بوده اند.

جناب آقای دکتر کمال الدین عابدی، برادر عزیز و فرهیخته ام که در مورد شناخت علمی زبان کردی ساعت ها از وقت گرانبهایشان را به بنده اختصاص داده اند و نیز در پیشبرد مطالب، کمک های شایان توجهی انجام داده اند، صمیمانه متشکرم.

از جناب آقای سید عدنان برزنجی، استاد دلسوز و عالم زبان کردی، بابت پیشنهادهای به جا و نیز تشویق هایشان در پیشبرد اولیه این کتاب بسیار سپاسگزارم. مسلما اگر زحمات ایشان نمی بود، مشکلات فراوانی که در تالیف این کتاب وجود داشت مرا از ادامه کار باز می گذاشت.

سرکار خانم شادی کاکه، که با زحمات بی دریغشان، در تدوین فرهنگ لغت انتهایی این اثر و تصحیح برخی مثال ها مرا یاری فرموده اند بسیار سپاسگزارم. یقینا بدون نظرات و ایده های ایشان در مورد بخش های مختلف، شاید این کتاب هرگز به مرحله انتشار نمی رسید.

ضمنا از سرکار خانم دلنیا علیپور که نسخه های پیشین را به دقت مورد بررسی قرار دادند، خانم بهار احمدی که زحمت تایپ پیشنویس های بد خطم را متحمل شدند و نیز جناب آقای سید جلال سجادی، مشوق دلسوز و راستینم، بی نهایت سپاسگزارم.

صمیمانه از خانواده عزیزم، خصوصا پدر و مادرم، که با فراهم آوردن شرایط مناسب مرا یاری فرموده اند و نیز هزینه های متعدد این کتاب را با آغوشی باز متقبل شده اند نهایت تشکر را دارم.

در انتها جا دارد پیشاپیش از سایت ارزشمند کتابناک (www.ketabnak.com) بابت اشاعه فرهنگ کتاب خوانی و نیز انتشار این اثر صمیمانه تشکر کنم. باشد که راهشان ادامه داده شود.

امیدوارم بتوانم زحمات تک تک این عزیزان را آنچنان که شایسته اند جبران نمایم و نیز برای آنها سلامتی و موفقیت را آرزومندم.
موفق و موید باشید. دوستدار شما

سیده محمدسینا احمدی (ریبوار) ۱۳۹۰/۱۲/۲۱

ایمیل: Rebwar_ahmady@yahoo.com

وبلاگ: www.langtang.blogfa.com

پیشگفتار این نسخه

همانطور که در مقدمه نیز خدمتتان عرض شد، هدف از ارائه این اثر در چندین نسخه طی فواصل زمانی، ارتقا مطالب و نیل به اهداف مورد نظر است. اینکه این پروژه تا چه حد پیش رود و دچار چه تحولاتی شود همه بستگی به استقبال شما خوانندگان محترم دارد. نظرات، انتقادات و راهنمایی های شما بی شک در تسریع و تسهیل موانع پیشرو تاثیر خواهند داشت.

در این نسخه، یعنی نسخه ۱.۲، متأسفانه بسیاری از مطالبی که برای یادگیری هر زبانی حائز اهمیت است بیان نشده است. آنچه در این نسخه قابل دسترسی است تمام آن چیزی نیست که می توانستم در آن بگنجانم. در حقیقت مطالب زیادی را، با وصف آماده بودن، در این نسخه لحاظ نکرده ام که برای این کار نیز توجیهاات خود را داشته ام.

به دلیل اینکه تمام مطالب این اثر در یک بازه زمانی مشخص نگارش نیافته اند، یک دست نبودن متون در پاره ای از مطالب دور از انتظار نیست. به علاوه وجود اصطلاحات غیر فنی نیز در بسیاری موارد دیده می شود. نکته دیگری نیز که باید اعتراف کنم این است که در تدوین قواعد این اثر، به دلیل مطالعاتی که در زمینه زبان عربی داشته ام، بسیاری از مسائل را با اسم هایی که در قواعد زبان عربی رایج اند بیان کرده ام.

صمیمانه بابت نارسائی های فراوانی که مطمئناً شایسته محضر شما عزیزان نیست پوزش می طلبم.

برخی اوقات از قیاس نکاتی خاص در زبان کردی با زبان هایی دیگر استفاده کرده ام. این شیوه به نظرم در برخی موارد بسیار می توان کارساز باشد؛ خصوصاً برای آن دسته از خوانندگانی که به یکی از آن زبان ها تسلط داشته باشند.

پیشاپیش از توجهات شما فرهیختگان عزیز، چه به صورت علمی و چه حتی در حد انتقاد یا پیشنهادی کوتاه، تشکر می کنم. به علاوه به سفارش برخی از دوستان برای آن دسته از عزیزانی که تمایل به تداوم این پروژه دارند، که به شدت به منابع مالی نیازمند است، حسابی در بانک سرمایه به شماره 1-812956-700-3101 افتتاح شده است که می توانند از این طریق از این طرح پشتیبانی مالی نمایند. (شبا: IR150580310170000812956001)

بسته به نظرات و دیدگاه های شما، می توان در آینده در مورد تدوین پاسخ نامه تمرینات نیز تصمیماتی اخذ شود.

با آرزوی موفقیت

سید محمد سینا احمدی (رئیسوار) ۱۳۹۰/۱۲/۲۲

کوه، دره، پدیده های طبیعی و وضعیت نامساعد جوی که همه وجود ارتباط را مختل می سازند از نخستین و مهم ترین عوامل تعدد لهجه به شمار می رود. متأسفانه و یا خوشبختانه عدم وجود ارتباط تنگاتنگ میان مناطق مختلف کردستان موجب دگرگونی های نسبتاً قابل توجهی در این زبان شده است؛ گفتیم خوشبختانه، از آن نظر که این زبان تا به این حد قابل انعطاف و سازگاری است و متأسفانه، بدین دلیل که در برخی موارد تغییراتی بر سر لهجه ای آمده است که آن لهجه را از لحاظ خلوص و اصالت دست خوش تغییرات ناپسندی کرده است.

طبق آنچه خود شخصاً مشاهده کرده ام، تفاوت لهجه در برخی موارد، حتی بین دو روستای نزدیک هم می تواند وجود داشته باشد!

تفکیک نه تفریق!!!

آنچه در ادامه در مورد لهجه های کردی بیان می شود به هیچ عنوان قصد متفاوت یا ارجح نشان دادن گونه ها و لهجه ها را به نسبت همدیگر ندارد. لذا خواهش نمودیم تنها با دید آشنایی این مطالب را مطالعه فرمائید و در نظر داشته باشید که بسیاری از نکاتی که ذکر خواهد شد بی تاثیر از سلیقه و نظرات شخصی خود نویسنده نبوده است.

به طور کلی در رابطه با لهجه های زبان کردی و نوع دسته بندی آن سخنان بسیاری گفته شده است که در بیشتر موارد اشتراکات بسیاری بین آنها دیده می شود. در اینجا متأسفانه مجال آن نیست که به بررسی تک تک این نظرات بپردازیم، اما آنچه بیان می شود قطعاً بی تاثیر از منابعی که در انتهای کتاب ذکر شده است نخواهد بود.

می توان لهجه های یک زبان را از نقطه نظرات بسیاری مورد بررسی قرار داد؛ از لحاظ تاریخی، جغرافیایی، ساختاری (رده شناسی)، اجتماعی و... . آنچه بنده سعی دارم، هرچند به صورت اجمالی، در اینجا ارائه دهم طبقه بندی لهجه های کردی به لحاظ ساختاری و نیز اشاره به تاریخ و جغرافیای آنها است.

به طور کلی در بررسی ساختاری یک لهجه، نکاتی نظیر ساختار جمله (و عناصر تشکیل دهنده آن) و وضعیت ارگتیو در آن لهجه مورد توجه قرار می گیرد که بر این اساس می توانیم لهجه های زبان کردی را در چهار دسته اصلی طبقه بندی کرد: (ارگتیو، اصطلاحی است که نخستین بار آدلف دیر در سال 1928 برای نامیدن حالت فاعل فعل متعدی در زبان های قفقازی به کار برد. زبان های ارگتیو زبان هایی هستند که در آنها فاعل لازم و مفعول متعدی از رفتار یکسانی در تقابل با فاعل متعدی برخوردارند. در چنین زبان هایی فعل با مفعول مطابقت دارد. [2]).

۱. کرمانجی شمالی (معمولا کرمانجی گفته می شود)

۲. کرمانجی وسطی (سهوا سورانی گفته می شود)

۳. کرمانجی جنوبی

۴. هورامی¹

بعضا گفته می شود لری نیز لهجه ای از زبان کردی است؛ باید در این مورد عرض کنم که بر اساس تحقیقاتی که اخیرا صورت پذیرفته است لری خود به عنوان زبانی مجزا از زبان های کردی و فارسی معرفی شده است؛ هرچند که این زبان تا حد بسیاری متأثر از زبان کردی بوده است.

۱- کرمانجی شمالی:

کرمانجی شمالی قربانی سیاست مقامات ترکیه در قبال مردم کرد شده و از اوایل دهه سی تا آغاز دهه نود میلادی، تکلم و کاربرد آن ممنوع گشته بود. این در حالی است که چنین وضعیتی هنوز در مورد کردهای غربی (واقع در سوریه) که لهجه کرمانجی شمالی دارند وجود دارد. در عوض، این زبان و ادبیاتش توانسته اند در سایه جوامع کرد در جمهوری شوروی ارمنستان از سال های دهه بیست میلادی، رشد و توسعه یابند. بد نیست بدانیم که از سال های دهه هفتاد میلادی، کردی کرمانجی شمالی شاهد رشد شگفت آوری در میان جامعه مهاجر کرد اروپا بوده است. [1]. این لهجه، که زبان بیش از دو سوم کردهاست، خود دارای گونه های زیر است: [2]

بوتانی، بایزیدی، جزیره ای، حکاری، شمدینانی، بادینانی، شکاک

حوزه جغرافیای این لهجه شامل کردستان شمالی و غربی (واقع در ترکیه و سوریه)، ناحیه دریاچه ارومیه (که معمولا به کردهای شکاک معروف اند)، کردهای خراسان (که در دوره صفویه کوچانده شده اند)، نواحی مرزی شمالی اقلیم کردستان عراق (که معمولا بادینانی گفته می شوند)، کردهای لبنان، بلوچستان، ارمنستان، روسیه و جمهوری آذربایجان می باشد. جالب است بدانیم استانبول، با بیش از سه میلیون کرد بیشترین جمعیت کردها را در خود جای داده است. اما این دیاربکر است که در جغرافیای کردستان، چه از لحاظ تکلم به لهجه کرمانجی شمالی و چه از لحاظ جمعیتی رتبه نخست را در میان شهرهای کردستان دارد.

لهجه کرمانجی شمالی تمامی ویژگی های زبان های ارگتیو را به لحاظ حالت و مطابقه در ساختار دستوری خود دارد [2]. هرچند این لهجه، مانند دیگر لهجه ها، در طول چندین قرن بی تاثیر از نزدیکی ترک زبان ها نبوده است؛ این لهجه یکی از اصیل ترین و دست نخورده ترین لهجه های زبان کردی به شمار می رود. لازم به ذکر است که برای

¹ - در غالب دسته بندی ها، هورامی به عنوان لهجه ای واحد معرفی نمی شود؛ لذا عقیده بر آن است که تنها سه لهجه در زبان کردی رایج است.

نگارش در این لهجه غالباً از رسم الخط لاتین استفاده می شود و همچنین جنسیت (مذکر و مونث بودن) هنوز در این لهجه باقی مانده است.

۲- کرمانجی وسطی:

این لهجه که در این کتاب به آموزش آن پرداخته می شود، به عنوان گویش استاندارد زبان کردی کاربرد دارد. به جرات می توان گفت، پیشینه قوی تاریخی، ادبی و علمی این لهجه را به محبوب ترین لهجه کردی مبدل ساخته است.

کرمانجی وسطی خود شامل چندین گونه دیگر می شود؛ از مهم ترین گونه های موجود می توان به **موکریانی، اردلانی، بابانی، جافی و سورانی** اشاره کرد.

حوزه جغرافیایی این لهجه به کردستان غربی (واقع در ایران) و کردستان جنوبی (واقع در عراق) محدود می شود که در ادامه به تشریح آن پرداخته شده است:

- **گونه موکریانی:** کردهای واقع شده در استان آذربایجان غربی و شمال استان کردستان مختصات: حد فاصل شهرستان های اشنویه، بوکان، سقز، بانه، از مهم ترین شهرهای این ناحیه شهرستان مهاباد (سابلاغ) می باشد که به نحوی یاد آور اتوپیای کردی در میان کردها می باشد. به علاوه این شهر خاستگاه بسیاری از ادبا، هنرمندان و دانشمندان بوده است. لهجه موکریانی بی تاثیر از کردی کرمانجی شمالی و آوای ترکی نبوده است. آنچه پرواضح است، این لهجه توانسته است شکل اصلی و اصیل بسیاری از لغات و ساختارها را حفظ کند و به لحاظ علمی از ارزش فوق العاده ای برخوردار است.
- **گونه اردلانی:** کردهای واقع در استان کردستان و برخی نواحی از استان آذربایجان غربی مختصات: حد فاصل منطقه سارال دیواندره، مریوان، کامیاران و دهگلان (لیلاخ). همچنین منطقه تکاب نیز به این لهجه صحبت می کنند. از مهم ترین شهرهای این ناحیه شهرستان سنندج (سنه) می باشد که از دیرباز مرکز استان بوده است و برای کردها یادآور بسیاری از حوادث تلخ و شیرین دهه ۱۰ میلادی است. این لهجه را می توان به نحوی، تلفیقی از لهجه های هورامی و موکریانی دانست؛ هرچند که رد پاهایی از کردی کرمانجی شمالی و جنوبی نیز در آن دیده می شود.
- **گونه بابانی:** کردهای استان سلیمانیه عراق، صرف نظر از چند ناحیه، همه با این لهجه صحبت می کنند. به عقیده برخی، این لهجه سلیس ترین لهجه کرمانجی وسطی است. از مهم ترین شهرهای این ناحیه شهر سلیمانیه (سلیمانی) است که چه به لحاظ ادبی و چه به لحاظ تاریخی و سیاسی از مهم ترین شهرهای کردستان به شمار می رود؛ این شهر در میان کردها به شهر "هه لمهت و قوربانی (پورش و قربانی)" معروف است.

- **گونه سورانی:** این گونه خود یکی از گونه های لهجه کرمانجی وسطی به شمار می رود که متأسفانه بعضاً لهجه کرمانجی وسطی را به اشتباه تحت عنوان کردی سورانی می شناسانند. این لهجه که در نواحی سوران، اربیل (هولیر)، قه‌لا دزه و راه‌نندۆز کاربرد دارد از لحاظ ادبی و تاریخی حائز اهمیت است.
- **گونه جافی:** در کردستان شرقی شهرستان های جوانرود، روانسر، سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی، قسمتی از پاوه و نواحی اطراف آن ها و در کردستان جنوبی شهرزور، کرکوک، کلار و کفری از مهم ترین نواحی متکلم به این لهجه به شمار می روند. شاعران و ادیبان بسیاری در این مناطق رشد یافته اند.

تفاوت میان گونه های لهجه کرمانجی وسطی بسیار ناچیز است، به طوری که فرضا کسی که با لهجه بابانی تکلم می کند می تواند در مدت زمان بسیار کمی به لهجه اردلانی یا دیگر لهجه ها نیز مسلط شود.

به لحاظ آرگتیو، هرچند این لهجه در برخی موارد دستخوش تغییر شده است اما هنوز نمونه های فراوانی از این خاصیت در این لهجه باقی مانده است [2]. به طور کلی جنسیت در این لهجه مطرح نیست؛ هرچند که در لهجه موکریانی (به طور خاص لهجه مه‌بادی) هنوز در برخی موارد جنسیت مورد توجه قرار می گیرد.

۳- کرمانجی جنوبی:

کرمانجی جنوبی لهجه کردهای ساکن بخش جنوبی کردستان شرقی (واقع در ایران) می باشد. این ناحیه به لحاظ تاریخی آثار مهمی را در خود جا داده است. استان کرمانشاه (صرف نظر از مناطقی که لهجه جافی رایج است)، بیشتر استان ایلام و شهرستان های قروه و بیجار از استان کردستان از جمله مناطقی هستند که با این لهجه صحبت می کنند. این لهجه خود گونه های متفاوتی نیز دارد. (متأسفانه به دلیل اختلاف نظراتی که در گونه شناسی این لهجه مشاهده کرده ام و نیز ناآشنا بودن خود بنده با این لهجه، نمی توانم به خود اجازه دهم در این مورد اظهار نظری نمایم. امیدوارم در نسخه های بعدی در این زمینه مطالب بیشتری ارائه دهیم).

۴- لهجه هورامی:

گویش هورامی از گویش هایی است که ادبیات شفاهی و کتبی غنی دارد. آثار منظوم و منثور کردی در آغاز به این شیوه نگارش یافته است. هورامان از نظر تاریخی نسبت به دیگر مناطق کردستان از اهمیت بیشتری برخوردار است و این اهمیت با کشف قباله های هورامان به اوج خود رسید. سه قباله نوشته شده بر پوست که دو تای آنها به زبان یونانی و سومی به زبان پارتی بوده است. [2]

بررسی اسناد هورامان از دیدگاه زبان شناسی، تاریخ مناسبات اجتماعی و مطالعه ادیان و باورهای کهن در حوزه جغرافیایی خاورمیانه و بویژه هورامان کردستان حائز اهمیت است از نظر پژوهش های کردستان شناسی نیز کشف و شناسایی قباله های باستانی هورامان، اطلاعات و آگاهی های بسیار جالب و ارزنده ای از زبان، خط و آیین و اعتقادات و روابط اجتماعی و سرزمینی که در روند تاریخ هورامان کردستان نام گرفته بدست آورد.[2]

بخشی از هورامان در کردستان جنوبی واقع شده است و بخشی نیز در کردستان شرقی که خود به دو بخش هورامان لهون و هورامان تخت تقسیم می شوند.

خوب است بدانیم...قباله های هورامان[3]

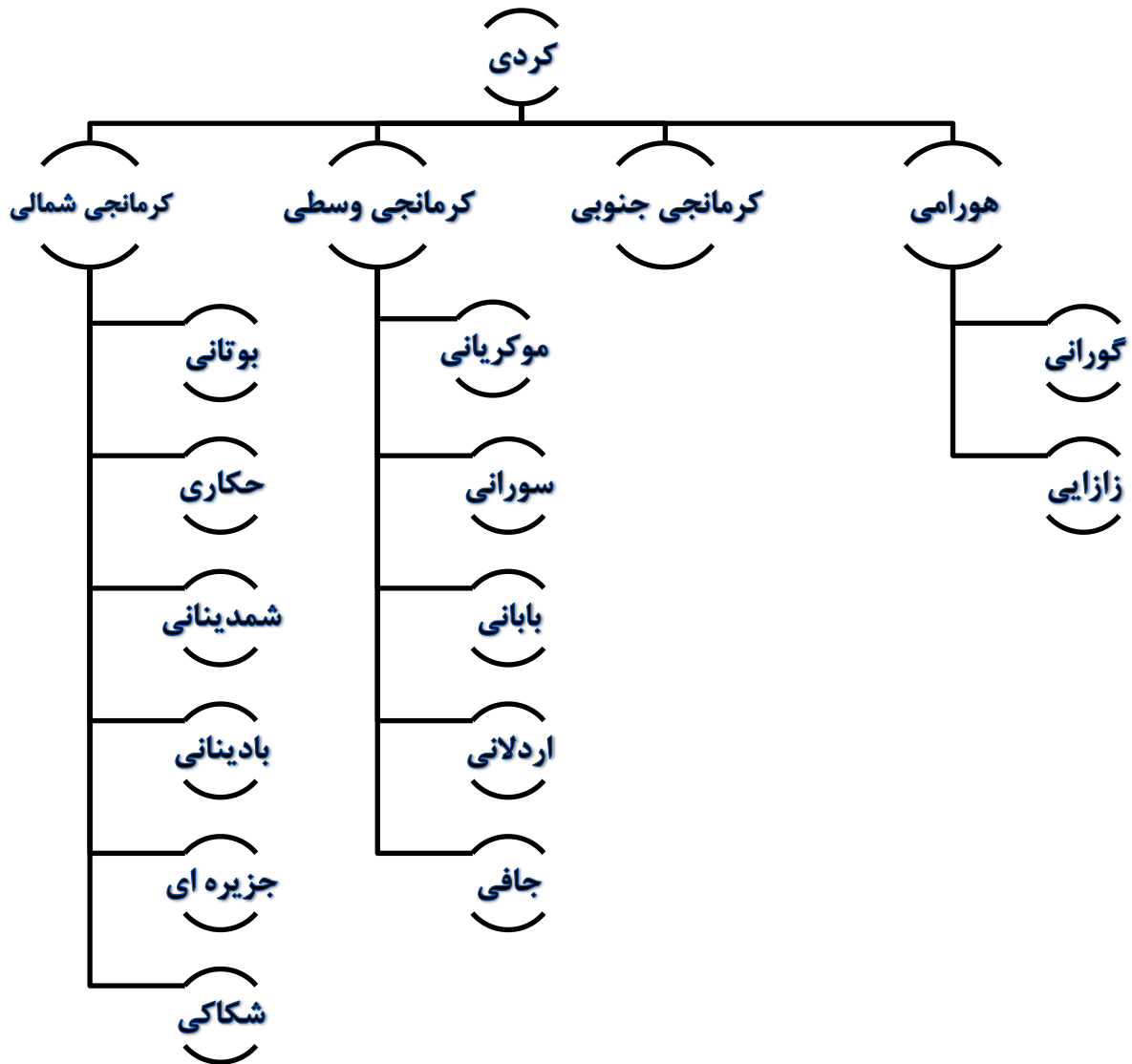
در سالهای (۱۹۱۹-۱۹۱۳) قباله هایی در نزدیکی "شاره زوور" کردستان جنوبی یافت شد که اطلاعات بسیار ارزنده ای را در مورد تاریخ کردستان در خود داشت؛ بر روی یکی از این قباله ها که از جنس پوست بوده است شعر زیر نوشته شده بود:

| | |
|----------------------------|---------------------------------|
| «هورمزگان رمان، آتران کژان | ویشان شارده وه، گهوره گهوره کان |
| زورکار ارب کردنه خاپوور | گنای پالسه هه تا شاره زوور |
| شن و کنیکان وه دیل بشینا | میرد ازانلی ژ رووی هوینا |
| رهوشت زردشتره مانووه بیکهس | بزیکا نیکا هورمز وه هیچکس» |

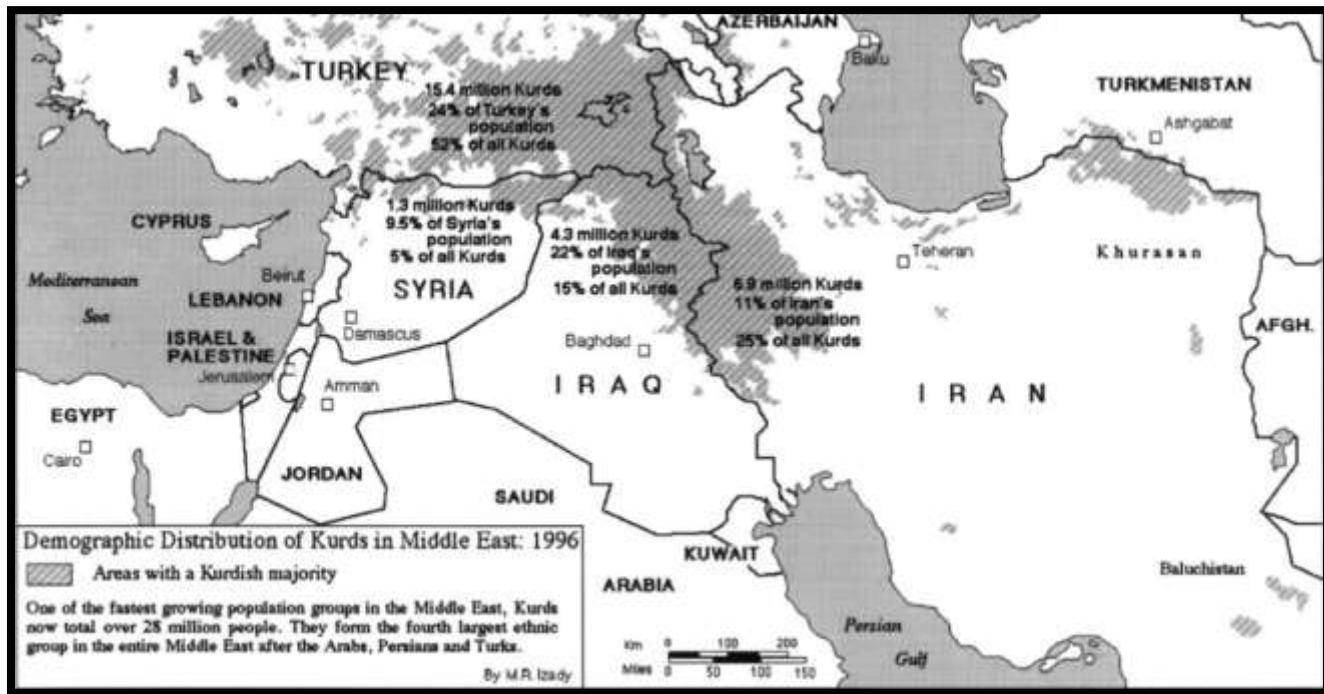
معنای شعر: مسجدها ویران شدند، آتشها خاموش گشتند؛ خودشان را مخفی کردند، بزرگ بزرگ ها، عرب ستمکار دهات و شهر را تا "شهرزور" ویران کردند. زنان و دختران به اسیری رفتند. دلیران از روی خون غلتیدند. روش زرتشت بی کس مانده. اهورامزدا به هیچکس رحم نکرد.

مطمئن باشید اگر به زبان کردی مسلط شوید می توانید بیش از ۷۰ درصد آن را به راحتی متوجه شوید.

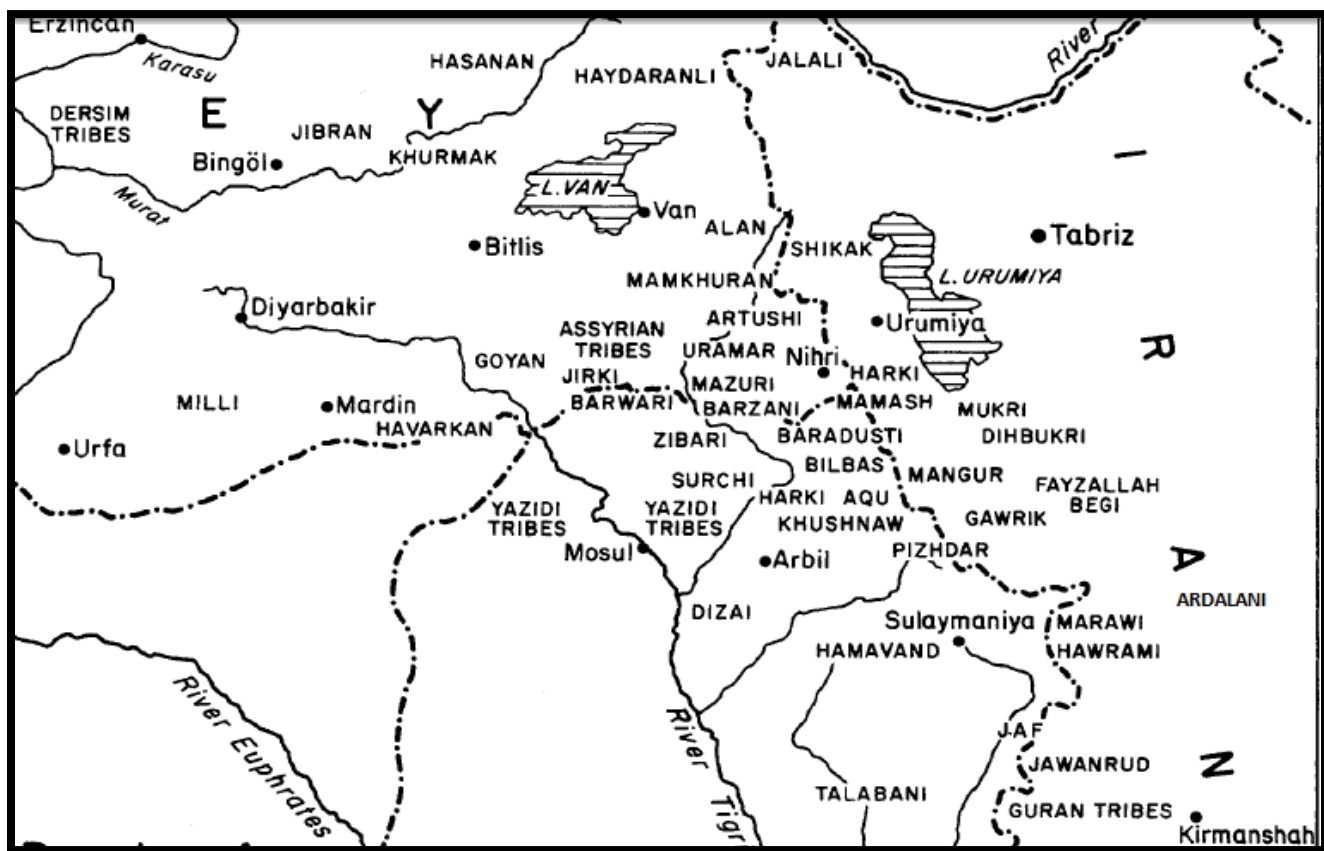
در ادامه می توانید نموداری در مورد لهجه های زبان کردی و نیز چند نقشه مفید را مشاهده کنید.



« جدول لهجه های زبان کردی »



The A to Z of the Kurds; Michael M. Gunter;The Scarecrow Press, Inc.;Lanham • Toronto • Plymouth, UK; 2009 منبع:



The Political Development of Kurds in Iran; Pastoral Nationalism; Farideh Koochi-Kamali; 2003; PALGRAVE MACMILLAN منبع:

الفبا و نظام آوایی زبان کردی

فصل دوم:

اهداف این فصل:

- یادگیری نگارش به زبان کردی با رسم الخط عربی
- یادگیری نگارش به زبان کردی با رسم الخط لاتین
- معرفی واحدهای آوایی زبان کردی، صامت ها، مصوت ها، تشدید

فراگیر محترم:

فصلی که پیش روی شماست، با توجه به اهداف مذکور، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چراکه یادگیری نگارش در هر زبانی دروازه ورود به دنیای آن زبان است.

مسئله مهمی که متأسفانه در شرایط کنونی راه حل مناسبی برای آن یافت نمی شود تلفظ صحیح آواهای کردی است که با آن ها آشنا خواهید شد؛ تنها پیشنهاد ما برای آن دسته از فراگیرانی که زبان مادریشان کردی نیست، استفاده از رسانه های کرد زبان و یا استفاده از خود کردزبانان برای ادای تلفظ ها است.

درس اول: الفبا و شیوهی کتابت

به دلیل چیرگی زبان عربی به دلایل مختلف بر زبان‌های موجود در خاورمیانه، ملاحظه می‌شود که طی قرن‌ها، انتقال علم و اطلاعات که تنها با کتابت امکان پذیر بوده است، با رسم الخط عربی صورت پذیرفته است. سعی در تطابق زبان‌هایی مانند کردی و فارسی با زبان عربی، زبانی که از شاخه‌ی سامی بوده و تفاوت بسیاری با هم دارند، موجب بروز مشکلات و اشتباهات متعددی شده است که متأسفانه امروزه نیز دامن‌گیر آنها هستیم. از دلایل عدم رفع مشکلات حاصله از این تطابق، محدودیت زبانی، عدم فراگیری آن زبان‌ها توسط ملت‌های دیگر و از همه مهم‌تر پیشینه‌ی آنها است.

زبان کردی نیز متأسفانه بدلیل مغلوب بودن، از دیرباز به ناچار رسم الخط زبان عربی را، هرچند به صورت غیر اصولی، برای نگارش خود به کار برده است. با وصف نارسائی‌های فراوانی که این رسم الخط برای زبان کردی ایجاد کرده است اما تاریخ و پیشینه استفاده از این رسم الخط توسط نویسندگان کرد، غالباً مانع از جایگزینی رسم الخطی مناسب‌تر می‌شود. این در حالی است که امروزه از رسم الخط لاتین نیز برای نگارش کردی، علی‌الخصوص برای لهجه کرمانجی شمالی، استفاده می‌شود که بسیار مناسب‌تر می‌باشد. این گونه مشکلات تنها در زمینه زبان کردی رخ نداده است؛ برای نمونه می‌توان به زبان ترکی آذربایجانی اشاره کرد که عموماً در ایران نیز از رسم الخط عربی برای نگارش آن استفاده شده است.

ما در این اثر علاوه بر سعی در ارائه ابداعات و مثال‌هایی برای تقلیل مشکلات محتمل، رسم الخط لاتین را نیز در کنار رسم الخط عربی آموزش می‌دهیم و در فصول بعدی تنها به منظور رفع شبهه از رسم الخط لاتین بهره می‌گیریم.

رسم الخط عربی زبان کردی

به الفبا و رسم الخط عربی دقت کنید:

ا - ب - ت - ث - ج - ح - خ - د - ذ - ر - ز - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - ل
 - م - ن - و - ه - ی - ء

حال تصور کنید که این رسم الخط با ویژگی‌های فوق برای زبانی مانند فارسی به کار برده شود. آیا این رسم الخط می‌تواند تمامی آواهای موجود در زبان فارسی را پوشش دهد؟ پس جای حروفی که امروزه به صورت {گ، چ، ژ، پ} در زبان فارسی می‌شناسیم کجاست؟

منظور از طرح این سوالات پی بردن به این موضوع است که درست است این رسم الخط پاسخگوی نیازهای این زبان نیست، اما می توان با ابداع و نوآوری، مشکلات را تا حدی کاهش داد؛ حروف مذکور از همین ابداعات هستند.

حتی از نظر تلفظی نیز حروف موجود در رسم الخط عربی، با آنچه که فارس زبانان به کار می برند، کاملا متفاوت است. مثلا در زبان فارسی هیچ تمایزی میان تلفظ حروف {ز، ظ، ض، ذ} یا {ت، ط} و یا {ص، س، ث} وجود ندارد؛ و یا تلفظ حروف {ح، ع، غ} با آنچه که در زبان عربی وجود دارد کاملا متفاوت است.

با این تفاسیر آنچه امروزه به عنوان الفبای فارسی مطرح است به صورت زیر می باشد:

ا - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق
 - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی -

اکنون به زبان کردی بپردازیم؛ همانند آنچه برای زبان فارسی بیان شد، در مورد زبان کردی نیز آوایی وجود دارند که با رسم الخط عربی قابل توصیف نیستند. لازم است در ابتدا بدانیم که حروف موجود در رسم الخط عربی در زبان کردی چه جایگاهی دارند.

چهار حرف {ز، ظ، ض، ذ} که در زبان عربی از تلفظ های متفاوتی برخوردارند در زبان کردی تنها یک تلفظ دارند. در واقع یک کرد زبان به ازای آن حروف تنها یک آوا می شناسد. لذا در الفبای کردی حرف (ز) برای این آوا انتخاب شده است و از سه حرف اضافه دیگر خبری نیست. این قاعده برای حروف {س، ث، ص} و {ت، ط} که در زبان کردی، برخلاف زبان عربی، دارای تلفظ یکسانی هستند نیز لحاظ شده است و تنها حروف (س) و (ت) از میان آن حروف در الفبای کردی جا دارند.

علی رغم عدم وجود حروف عربی فوق الذکر در الفبای کردی، آوایی در زبان کردی وجود دارند که در رسم الخط عربی وجود ندارند. نیاز به خلق آوهای جدید در قالب حروف برای زبان کردی، مسبب استفاده از نشانه ای خاص به نام بزوینه، یا حرکت دهنده شده است.

بزوینه (حرکت دهنده):

این علامت به شکل [~] یا [˘]، در بالا و یا زیر برخی از حروف وجود دارد که به آنها تلفظ متمایزی می بخشد؛ در واقع حرکت دهنده موجب خلق برخی دیگر از آوهای موجود در کردی می شود. در ادامه بیشتر با حرکت دهنده آشنا خواهیم شد.

وقت آن فرا رسیده است که الفبای کردی را بشناسیم:

الفبای کردی:

الفبای زبان کردی عبارت است از:

ا - ب - پ - ت - ج - چ - ح - خ - د - ر - پ - ز - ژ - س - ش - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ف - ل - ل - م - ن - و - ه - ی - ء

طبق آنچه که در بالا گفته شد، حروف زیر طبق نظام آوایی زبان کردی، تنها یک تلفظ دارند.

(ز - ذ - ض - ظ) = ز

(ث - س - ص) = س

(ت - ط) = ت

در ادامه با این حروف بیشتر آشنا خواهیم شد. [\(بازخورد\)](#)

درس دوم: آواها در زبان کردی، صامت ها

آوا چیست؟ در زبان‌شناسی به هرآنچه که در یک زبان قابل تلفظ باشد، اعم از صامت و مصوت، آوا گویند. از کنار هم قرارگیری آواهای یک زبان واحد صوتی بزرگتری به نام هجا به وجود می‌آید. سیستم صوتی انسان قادر به تولید آواهای بی شماری می‌باشد؛ اما در هر زبان تنها برخی از این آواها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آواها را به دو دسته تقسیم می‌کنیم: صامت‌ها (همخوان ها) و مصوت‌ها (واکه ها).

صامت‌ها:

صامت‌ها در زبان کردی عبارت اند از:

ب - پ - ت - ج - ح - چ - خ - ر - ر - پ - د - ز - ژ - س - ش - ف - ق - غ - ک - گ - ل - و - ث - م - ن - و - ه - ی - ء

تلفظ این صامت‌ها جز در موارد زیر، در بقیه حالت‌ها با تلفظ فارسیشان معادل هستند.

نکته ۱: تلفظ حروف حلقی {ح، ق، ع، غ، ء} دقیقاً به همان شیوه ایست که در زبان عربی تلفظ می‌شوند.

نکته ۲: علامت حرکت دهنده تنها در مورد حرف (ر) در پایین آن واقع می‌شود؛ در حالی که برای حروف دیگر در بالای آن‌ها واقع می‌گردد.

نکته ۳: به دو حرف (ر و ل) توجه کنید. چنانچه این دو حرف بدون علامت حرکت دهنده به کار برده شوند، یعنی "ر" و "ل"، دقیقاً مانند آنچه که در فارسی است تلفظ می‌شوند؛ اما در صورتی که با علامت حرکت دهنده به کار برده شوند، یعنی "ر" و "ل"، آواهایی بوجود می‌آیند که در فارسی موجود نیست.

- ر: بیانگر یک همخوان لرزشی با ضربه‌های منحصر به فرد (همان فارسی).
- ر: بیانگر یک همخوان لرزشی با چندین ضربه.
- ل: یک حرف صوتی کناری و کشیده (هم تلفظ "ل" موجود در فارسی).
- ل: حرفی صوتی که بیش از تلفظ "ل" زبان را به سقف دهان نزدیک می‌کنیم و صدا نیز تا حدودی به ناحیه عقبی دهان منتقل می‌شود.

نکته ۴: در زبان کردی حرف (ر) هیچ‌گاه در ابتدای کلمه با صدای (ر) تلفظ نمی‌شود. تمام (ر) های اول کلمات با صدای (ر) تلفظ می‌شوند. پس برای (ر)هایی که در ابتدای کلمات به کار برده می‌شوند، هیچ نیازی به استفاده از علامت حرکت دهنده نیست؛ چرا که به خودی خود صدای (ر) را می‌دهد.

نکته ۵: آوای دیگری که در لهجه کرمانجی وسطی زبان کردی کاربرد زیادی ندارد اما در لهجه کرمانجی شمال زبان کردی و همچنین زبان فارسی بسیار یافت می شود، حرف (ف) است. این حرف در عربی وجود ندارد و در انگلیسی با حرف V معادل است. برای تشخیص این حرف، به تلفظ فارسی حرف (و) در کلمه "وقت" دقت فرمائید.

خوب است بدانیم...

هر چند که گفته شد حروف (ز - ذ - ض - ظ) یا (ث - س - ص) در لهجه کرمانجی وسطی زبان کردی تنها به یک شکل تلفظ می شود، اما این تمام حقیقت نیست. متأسفانه سهل انگاری صاحب نظران سده اخیر که در رواج و اشاعه رسم الخط عربی امروزی نقش اصلی را داشته اند، در مورد آوای مختلف مسبب بروز چنین مشکلاتی است.

در لهجه کرمانجی وسطی، تقریباً در تمام لهجه ها، طبق بررسی های ما دو نوع (ز) و (س) وجود دارد؛ این در حالی است که تنها یک (ز) و یک (س) در الفبای کردی برای آنها لحاظ شده است. در متن اصلی این موضوع را بیان نکردیم تا خواننده محترم، در درک اصل موضوع دچار سردرگمی نشود.

معادل های دو نوع آوای (ز) و (س) در زبان عربی و فارسی را به همراه مثالها در جدول زیر می توانید مشاهده کنید:

| آوای کردی | معادل فارسی | | معادل عربی | | مثال کردی (مشترک گونه ها) |
|-----------|-------------|-----------------|------------|-------------------------|---------------------------|
| ز نوع اول | ز | مثال: بازی-زبان | ز | مثال: بزّاز - طازج | ههزار - هه وراز |
| ز نوع دوم | ندارد | ندارد | ظ | مثال: الظل - كظّام | بۆز - سۆزی - زانین |
| س نوع اول | س | مثال: سرما-سیر | س | مثال: السّماء - المسمار | ساوا - ساکار |
| س نوع دوم | ندارد | ندارد | ص | مثال: الصیدلیه - فحص | شییست - سهت |

هرچند در مورد حرف "ت" نیز در برخی گونه ها به نظر می رسد دو آوا وجود داشته باشد اما بدلیل عدم رواج در گونه های دیگر نمی توان با قاطعیت با آن برخورد کرد.

چون در نگارش کردی، چه لاتین و چه آرامی، هیچ تمایزی میان آوای جدول بالا وجود ندارد لذا در مرحله اول به هیچ وجه انتظار نداشته باشید تمام حروف را به درستی بیان کنید. یادتان باشد، **تمرین راه حل همه مشکل هاست.**

درس سوم: آواها در زبان کردی، مصوت‌ها:

زبان کردی دارای ۸ مصوت است که در رسم‌الخط عربی آن ۷ مصوت قابل بیان است؛ یعنی در رسم‌الخط عربی زبان کردی، تنها ۷ مصوت موجود است. علاوه بر این، در لهجه‌های متعدد زبان کردی مصوت‌ها و صامت‌های دیگری نیز وجود دارند که فعلا موضوع کار ما نیستند.

مصوت‌ها در زبان کردی عبارت اند از:

ه ← ـَ : معادل فتحه‌ی فارسی می‌باشد؛ در زبان کردی با حرف ه نمایش داده می‌شود.

ئ ← ـِ : معادل کسره‌ی فارسی بوده و در کردی با علامت ئ نمایش داده می‌شود.

ا ← ا : تقریبا با تلفظ فارسی مشابه است؛ با این تفاوت که این حرف در کردی "بازتر" ادا می‌شود. (مانند "ا" عربی)

و ← ـُ : تقریبا با ضمه‌ی فارسی معادل است؛ نکته‌ی قابل توجه این است که این (ـُ) کوتاه می‌باشد و حال اینکه حرف دیگری نیز برای ـُ کشیده وجود دارد.

ۆ ← ـُ : کشیده که در فارسی موجود نیست.

ی ← ی

وو ← مصوت (و) کشیده که در کلمه ی فارسی (بود) به وضوح دیده می‌شود که با گرد کردن لب تولید می‌شود.

مصوت هشتم: یکی از بزرگترین نواقص رسم‌الخط عربی، ناتوانی در ارائه این مصوت است. هر چند که در کردی با رسم‌الخط لاتین این مشکل برطرف شده است، اما تاکنون برای این مصوت حرف خاصی در رسم‌الخط عربی ارائه نشده است. به همین دلیل ما خود ناچاریم برای درک این مصوت به استفاده از نشانه * برای آن دست زنیم. این نشانه فقط و فقط در این کتاب معنی دارد و خارج از این کتاب، بی‌مفهوم است.

بد نیست بدانیم که به این مصوت در کردی "بزۆکه" می‌گوییم.

مصوت هشتم چیست؟

هنگام رسیدن دو صامت در یک هجا به هم، یک مصوت کوتاه بوجود می‌آید که باید در تلفظ آن حتما لحاظ شود.

تاکید می‌کنیم که واقع شدن صامت‌ها در یک هجا شرط لازم است. نشانه قراردادی ما برای این حرف × است.

این مصوت را در این کتاب، برای جلوگیری از بروز مغایرت با آثار کردی دیگر، تنها در تلفظ می گنجانیم. (تلفظ ها را در میان // قرار داده ایم). در آینده با پدیده زنجیرواری زبان آشنا می شویم و یکی دیگر از کاربردهای مصوت هشتم را فرا خواهیم گرفت.

مثال: برپار ← دو هجایی (پر) + (پار) ← /ب*ر/ + /پار/

برش ← یک هجایی (برش) ← /ب*ر*ش/

بیور ← دو هجایی (بی) + (ور) ← /بی/ + /و*ر/

توجه شود که می توان در یک هجا بیش از یک مصوت هشتم نیز داشت. مانند مثال (برش) در بالا

نکته مهم ۱: تمام مصوت‌ها اگر در ابتدای جمله بیانند، با حرف (ئ) آغاز می‌شوند. یعنی غیر ممکن است در نگارش زبان کردی حرفی در ابتدا با مصوت نوشته شود مگر با همزه همراه باشد؛ پس قبل از مصوت‌ها (ئ) فراموش نشود.

| | | | | | | | |
|-----|----|----|----|----|----|----|---------------------|
| ئوو | ئا | ئۆ | ئو | ئی | ئئ | ئه | مصوت در بقیه جاها |
| وو | ا | ۆ | و | ی | ئ | ه | مصوت در ابتدای کلمه |

یادتان باشد که مصوت هشتم هنگام برخورد دو صامت در یک هجا بوجود می آمد. آیا مصوت هشتم می تواند در ابتدای کلمه واقع شود؟!

نکته مهم ۲: هیچگاه مصوت (ه) به ابتدای کلمه ای نمی چسبد. در واقع وجه تمایز مصوت (ه) با صامت (ه) در همین است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

کلمه فارسی "بهره" با رسم الخط کردی به صورت ← « به‌هری » می باشد.

(ه) اولی مصوت و (ه) دومی صامت است. همان طور که می بینیم مصوت (ه) به حرف بعدیش نچسبیده است. در حالی که صامت (ه) به حرف بعدیش چسبیده است.

نکته ۳: همان طور که ملاحظه می فرمایید، حرف (ی) هم در بخش صامت ها و هم در بخش مصوت ها استفاده شده است. این بدان دلیل است که ما در زبان کردی دو نوع (ی) داریم؛ یکی مصوت و دیگری نیز صامت. برای پی بردن به تفاوت این دو بد نیست به تلفظ دو کلمه فارسی "یاری" و "ایران" دقت کنید: (ی) موجود در کلمه نخست صامت و در کلمه دوم مصوت است. از نظر نوشتاری تنها وجه تمایز (ی) صامت از مصوت این است که اگر (ی) مصوت در ابتدای

کلمه واقع گردد، مانند دیگر مصوت‌ها، با همزه می‌آید؛ یعنی به صورت (ئی)؛ این در حالی است که (ی) صامت مانند دیگر صامت‌ها بدون همزه می‌آید.

مثال: ئیمرؤ (امروز) ← (ی) مصوت است یان (یا) ← (ی) صامت است

این موضوع در مورد حرف (و) نیز مطرح است؛ حرف (و) در زبان کردی هم صامت است هم مصوت. اما به دلیل تفاوت تلفظ این دو و نیز تفاوت نوشتار در ابتدای کلمات، تشخیص صامت یا مصوت بودن این حرف بسیار آسان می‌باشد. "و" در حالت صامت همانند W انگلیسی و "و" عربی تلفظ می‌شود.

مثال: وینه (تصویر، مانند) ← (و) صامت است ئومید (امید) ← (و) مصوت است

بوار (راه، زمینه) ← (و) صامت است کول (کوتاه) ← (و) مصوت است

نکته ۴: دقت شود که استفاده از حرکت دهنده به معنای تولید مصوت نیست؛ بلکه ایجاد تمایز و برطرف ساختن نیازهای آوایی زبان دلیل اصلی می‌باشد. [\(بازخورد\)](#)

تمرین ۱-۱:

۱- در مقابل حروف نوشته شده معادل کردی آنها را بنویسید. سعی کنید تلفظ‌های کردی را به صدای بلند برای خود بخوانید.

أ - ض - ع - ء - ی - ئ (کشیده) - آ - ط - ای مثال: أ (کوتاه) ← ئو

۲- در مقابل حروف کردی زیر معادل‌های فارسی را در صورت وجود بنویسید.

ئئ - ح - س - ف - ل - ه (صامت) - ر - ت مثال: و = معادلی در فارسی ندارد.

۳- کلمات فارسی زیر را، همانطور که تلفظ می‌شوند، مطابق الفبای کردی بازنویسی کنید.

برادر - خانه - سراسری - سوز و گداز - أبر - ثانیه - جلاء - خاص - داور - انگیزه - عشق - ذائقه - دانشمند - یادگیری - مریض.

مثال: ممارست ← مومارِسته

۴- کلمات کردی زیر را به رسم الخط فارسی بنویسید و سعی کنید طبق (فهره‌نگۆک) موجود در انتهای کتاب، معنای آن‌ها را نیز به خاطر بسپارید.

وانه-تافگه - گول - ریژنه- ویران مثال بهرد = بَرِد

خوب است بدانیم...

اگر به اندازه کافی در مورد مصوت هشتم مسلط شده باشید ممکن است این سوال برایتان پیش آید که آیا ممکن است یک هجای یک حرف در انتهای خود مصوت هشتم بگیرد؟! به مثال‌های زیر توجه کنید:

ب ← یک هجایی /ب/

ت ← یک هجایی /ت/

ق ← یک هجایی /ق/

ژ ← یک هجایی /ژ/

جواب این سوال مثبت است. در خواندن صامت‌های یک هجایی بالا، صرف نظر از واقع شدن صامتی دیگر بعد از آنها در همان هجا، عملاً مصوت هشتم رعایت می‌شود. یعنی اگر از یک کرد زبان بخواهید صامت‌های بالا را بخواند مطمئن باشید مصوت هشتم را در انتهای آنان به کار می‌برد. یعنی:

ب ← یک هجایی (ب) ← /ب* /

ت ← یک هجایی (ت) ← /ت* /

ق ← یک هجایی (ق) ← /ق* /

ژ ← یک هجایی (ژ) ← /ژ* /

توجه کنید که حروف بالا در لهجه کرمانجی وسطی به خودی خود معنایی ندارند.

درس چهارم: رسم الخط لاتین زبان کردی

الفبای کردی با رسم الخط لاتین شامل سی و یک حرف می باشد که علاوه بر تمامی صامت ها، هر هشت حرف مصوت زبان کردی را نیز در برمی گیرد.

ترتیب حروف الفبا با این رسم الخط همانند زبان انگلیسی بوده و نیز حروف دارای نشانه اعرابی نیز بعد از حروف بدون نشانه یشان واقع می شوند.

حروف الفبای کردی با رسم الخط لاتین:

a b c ç d e ê f g h i î j k l m n o p q r s ş t u û v w x y z

در مباحث قبلی به طور کاملا مفصل در مورد مصوت ها و صامت ها بحث کردیم. لذا در اینجا تنها به بررسی صامت ها و مصوت ها و نیز برخی از نکات خواهیم پرداخت.

مصوت ها در رسم الخط لاتین:

در جدول زیر مصوت های کردی با رسم الخط لاتین با معادل هایشان در رسم الخط عربی دیده می شوند.

| مصوت های کردی به لاتین | معادل در رسم الخط عربی | مثال: (مصوت در هر جایی بغیر از ابتدای جمله) | مثال: (مصوت در ابتدای جمله) |
|------------------------|------------------------|--|--|
| a | ا - ئا | bawan=(باوان(عزیز) | aw=(آب) ئاو |
| e | ه - ئه | mawe=(ماوه(وقت) | eme=(ئهمه(این) |
| ê | ئ - ئئ | têr=(تیر(سیر) | êş=(ئیش(درد) |
| î | ئى - ى(مصوت) | bîr=(بیر(فکر، چاره) | îmrro=(ئیمرۆ(امروز) |
| o | ۆ | bon=(بون(بو) | ol=(ئۆل(دین) |
| u | و(مصوت) | gul=(گول(گل) | umêd=(ئومید(امید) |
| û | وو | Bûk=(بووک(عروس) | ûn |
| i | مصوت هشتم | Bira=(بیرا(برادر) Biryar=(بیریار(پیشنهاد) | حتما یادتان هست که مصوت هشتم در ابتدای جمله نمی آمد. |

نکته: مصوت ها در رسم الخط لاتین چنانچه در ابتدای جمله واقع شوند، برعکس رسم الخط عربی که با یک همزه همراه می شدند، بی هیچ حرف دیگری می آیند.

صامت ها در رسم الخط لاتین:

در مقابل هر یک از صامت ها معادلشان در رسم الخط عربی درج شده است.

| حروف لاتین و مثال ها | | |
|-------------------------------|--------------------------|---------------------------|
| B=ب : berok به روک | k=ک : kêw کیو | ş=ش : şıwan شوان |
| c=ج : cê جی | l=ل : lûs لووس | t=ت : tîn تین |
| ç=چ : çîrok چیروک | m=م : mal مال | v=ف : tavge تافگه |
| d=د : dil دل | n=ن : min من | w=و (صامت) : wêne وینه |
| f=ف : maf ماف | p=پ : pepûle په پووله | x=غ-خ : nax ناخ |
| g=گ : girfan گیرفان | q=ق : taqi تاقی | y=ی (صامت) : yek یه ک |
| h=ح (صامت)، ه حال ، هه تاو | r=ر : rêge ریگه | z=ز : zar زار |
| j=ژ : roj رؤژ | s=س : estêre ئه ستیره | |

به عنوان تمرین می توانید چند کلمه موجود در فرهنگ انتهایی کتاب را به رسم الخط لاتین نیز باز نویسی کنید و معنای کلمات جدول بالا را نیز جستجو کنید.

توجه: همان طور که ملاحظه می فرمائید در رسم الخط لاتین چندی از مشکلاتی که در رسم الخط عربی با آن ها مواجه بودیم برطرف شده اند؛ برای نمونه به حروف عربی و لاتین پایین نگاه کنید.

و مصوت: u

ی مصوت: î

و صامت: w

ی صامت: y

اما هنوز اگر دقت کرده باشید در این رسم الخط برای حروف "ل" و "ر" وجه تمایزی دیده نمی شود². بهر حال چون رسم الخط های مذکور از خود زبان کردی تراوش نیافته اند لذا بروز این گونه مشکلات طبیعی است. از فراگیر عزیز خواهشمندیم برای موضوع نگارش کردی تمام سعی خود را به کار ببند و نیز تا زمانی که در یکی از رسم الخط ها توانایی و تسلط کامل نیافته است به سراغ رسم الخط دیگر نرود.

خوب است بدانیم...

نحوه تلفظ دو حرف صامت (n, n) و (g, g) زمانی که به دنبال هم می آیند (nig=نگ)، تا حدی متفاوت از حالت عادی صورت می گیرد. در حالت عادی صامت (n) از چسباندن نوک زبان به دندان های بالایی تولید می شود؛ اما هنگامی که با (g) همراه می شود به صورت اصطلاحاً "غنه ای" ادا می شود. به این نوع آواها عموماً "تو دماغی" می گویند. تفاوت (n) تو دماغی با (n) عادی در این است که ادای (n) در حالت غنه ای بدون دخالت زبان و تنها با حنجره امکان پذیر است.

علی رغم اینکه در فارسی معادلی برای این نوع آواها وجود ندارد اما در زبان انگلیسی و فرانسه می توان معادل هایی یافت.

برای نمونه، تلفظ (n) غنه ای در زبان کردی دقیقاً معادل تلفظ حرف (n) موجود در کلمات انگلیسی زیر است:

String – playing – ring – think

همانطور که می بینید در انگلیسی هم مانند کردی، چنانچه (n) قبل از (g) واقع شود به صورت تو دماغی ادا می شود.

و اما چه به سر (g) می آید؟

این حرف یکی از تغییرپذیرترین حروف زبان کردی است؛ در اینجا می خواهیم تنها با نحوه تلفظ این حرف در (نگ) آشنا شویم. در نحوه تلفظ این حرف در زیر لهجه های لهجه کرمانجی وسطی اختلافاتی وجود دارد؛ اما به صورت استاندارد، (g) موجود در (نگ) بدون هیچ تفاوتی با حالت عادی، ادا می شود.

نکته ای که به کارگیری آن در زبان کردی نیز بسیار مفید می تواند باشد، علامت تلفظی است که در زبان انگلیسی برای (ng) به کار می برند، یعنی **ŋ**

String :/ strɪŋ /

Playing :/pleɪŋ/

از این پس در این کتاب، در کنار حروف لاتین تنها برای بیان تلفظ کلمات، از این علامت هم استفاده خواهیم کرد.

² هر چند که در برخی منابع توصیه می شود "ل" را با ll و "ر" را با rr نمایش داده شود اما چنین حرفی چون به صورت گسترده استفاده نمی شوند لذا ما نیز رسماً از چنین حرفی استفاده نمی کنیم.

مثال :

| کلمه کردی | تلفظ | معنا |
|-----------|---------|-----------|
| برینگ | /birîŋ/ | خشک |
| ده نگ | /den/ | صدا |
| سینگ | /sîŋ/ | سینه |
| ههنگ | /hen/ | زنبور عسل |

تشدید

در برخی از کلمات حروفی دیده می شود که دارای تاکید بیشتری هستند. به حروف دارای این ویژگی حروف تشدید دار گفته می شود. در زبان کردی لغات مشدد بسیار محدود و انگشت شمار اند، به این صورت که با قراردادن دو صامت مشابه پشت سر هم می توان آن صامتها را مشدد نمود. نکته بسیار مهمی که برای تشخیص تشدید باید بدان توجه نمود این است که برای مشدد نمودن یک حرف، باید دو حرف متوالی در یک هجا واقع نشده باشند. تنها راه تفکیک تشدید از مصوت هشتم، به بررسی هجاها برمی گردد. (بازخورد)

- گولله (به معنای گلوله) ← (گول) + (له) ← حرف (ل) تشدید می گیرد
- کوللیره (نوعی نان محلی) ← (کول) + (لی) + (ره) ← حرف (ل) مشدد است
- کهللاره (نوعی ظرف قدیمی) ← (کهل) + (لا) + (ره) ← حرف (ل) مشدد است
- بقیقه (حرف تنبیه کودکانه) ← (بف) + (قه) ← حرف (ف) مشدد است

تمرین ۱-۲ :

۱. لغاتی زیر را با رسم الخط دیگر بازنویسی کنید.

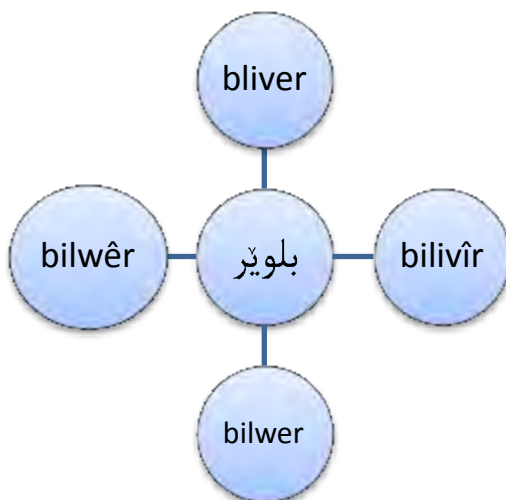
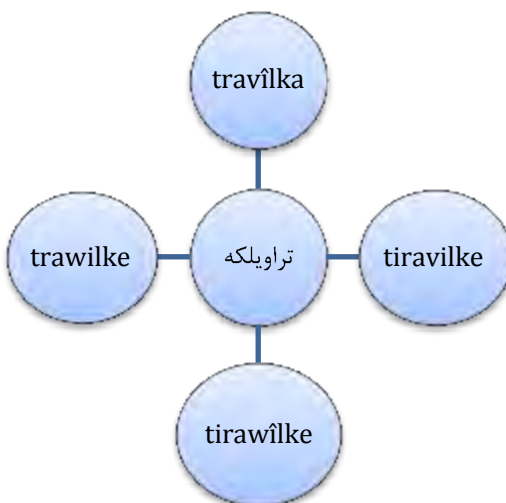
مانگ - ئاسمان - ژیار - ئۆخژن - *dîrok - kaban - bizav - rizgari*

2- در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد که در رسم الخط عربی آن درست نگارش شده است. سعی کنید با مطابقت دو رسم الخط اشتباه ها را بیابید. توصیه می شود چند بار این دو متن را به عنوان تمرین بخوانید.

"ewro lê jîhanda babety ziman zur girîng e. ziman wekû pirdec, peywendî lê nêw hozekan saz deka; zanîyary gelean pare dedat"

« ئه‌ورۆ له جیهاندا بابەتی زمان زۆر گرینگه. زمان وه کوو پر دیک، په یوه نندی له نیو هۆزه کان ساز ده کا؛ زانیاری گه له کان پهره ده دات»

3- برای لغات زیر در رسم الخط لاتین چند نمونه آورده شده است که تنها یکی از آن ها درست است. نگارش صحیح را انتخاب کنید.



فرهیخته عزیز:

از آنکه ما را تا به اینجا همراهی کرده اید بسیار سپاسگزاریم. فصل گذشته برای زبان کردی و به طور کلی هر زبانی، حاوی مفاهیمی بسیار بنیادی و مهم می باشد. لذا از شما تقاضا داریم تا زمانی که به تسلط **بالایی**، نه حتی نسبتاً بالایی، در زمینه فصل دوم نرسیده اید به فصول بعدی نروید! چرا که هرچه پیشتر می رویم حساسیت و دقت موضوع بالاتر می رود و نیاز به مهارت بالایی در زمینه نگارش خواهیم داشت. تنها در این صورت خواهد بود که در ادامه نیز چشمان شما را مهمان خود خواهیم بود.

افعال و صرف آنها در زبان کردی

فصل سوم:

اهداف این فصل:

- یادگیری زمان ها در لهجه کرمانجی وسطی زبان کردی
- یادگیری صرف افعال طبق الگویی ابداعی
- زمینه سازی برای درک ساختار جمله بدون توضیح مستقیم
- آشنایی با واحدهای جمله سازی در زبان کردی

فراگیر محترم:

تا کنون توانسته اید شالوده و بنیان محکم و استواری برای زبان کردی بنا کنید. فصلی که قصد داریم طی چندین هفته به یادگیری آن بپردازیم حکم آجر و مصالح را برای ساختمان این زبان دارد. لذا به هیچ عنوان در یادگیری این فصل تسریع نفرمائید و تا زمانی که در صرف یک زمان به اندازه کافی مهارت پیدا نکرده اید به صرف زمانی دیگر مراجعه نکنید.

پیشاپیش از لحن امری این بخش نیز صمیمانه پوزش می طلبیم. حقیقتا یادگیری زبان به حدی حساس است که اگر در جایی قدری نا درست عمل شود ممکن است از آن زبان زده شده و به کلی از یادگیری آن صرف نظر کنید.

درس پنجم: آشنایی با افعال در زبان کردی

به طور کلی مصدرها در زبان کردی به حرف (ن) ختم می‌شوند. به عبارتی دیگر بارزترین نشانه‌ی مصدرها وجود حرف (ن) در انتهای فعل‌هاست. مثال: خواردن (خوردن)، بردن (بردن) چوون (رفتن) و...

خوب است بدانیم...

به تلفظ افعال و رعایت مصوت هشتم دقت کنید: مثلا فعل بردن یک فعل دو هجایی است. (بر)+(دن)؛ پس صامت‌های (ب) به (ر) و (د) به (ن) رسیده‌اند، لذا تلفظ آن‌ها به صورت (/ ب*ر//د*ن/) خواهد بود؛ و یا در فعل (مان) چون هیچ دو صامتی به هم نمی‌رسند، لذا تلفظ آن /مان/ خواهد بود.

برای اولین بار در زبان کردی در مورد افعال الگوبندی به این شیوه ارائه شده است؛ برای استفاده درست از این الگوبندی، باید به دیگر تمایزات فعلی از قبیل متعدی و لازم بودن افعال نیز توجه نمود. ضمنا هیچگاه انتظار نداشته باشید قاعده‌ای بدون استثنا باشد. لذا از آوردن برخی افعال استثنایی که معمولا کم استفاده نیز هستند، حداقل، در این نسخه پرهیز می‌شود.

متعدی یا لازم؟

افعال از نظر نیاز به مفعول به دو دسته تقسیم می‌شوند. آن‌هایی که به مفعول نیاز ندارند **لازم** و آن‌هایی که به مفعول نیاز دارند **متعدی** نامیده می‌شوند. برای درک بهتر متعدی و لازم بودن افعال به مثال‌های فارسی زیر توجه کنید:

- رفتن (لازم است) ← من رفتم (به مفعول نیاز ندارد)
 - بردن (متعدی است) ← من بردم (چه را بردم؟ به مفعول نیاز دارد)
- افعال متعدی و لازم از نظر قاعده تفاوت‌هایی دارند که باید به آن‌ها توجه نمود.

شناسه

شناسه‌ها وندهایی هستند که به انتهای افعال چسبیده و فعل مورد نظر را با ضمیرش متناسب می‌سازند. در زبان کردی شناسه موجودیست که همیشه علاقه دارد در افعال متعدی به اولین جز فعل متصل شود که در ادامه بیشتر با آن آشنا خواهیم شد.

شناسه‌ها را در طول یادگیری افعال فرا خواهید گرفت. بر شما لازم است که با تمرین مستمر و مداوم شناسه‌ها را به خاطر بسپارید.

الگوی فعلی

الگویی که در ادامه با آن آشنا خواهید شد، به جرات می توان گفت نخستین نوع الگوبندی در نوع خود برای زبان کردی است. در تهیه این الگوبندی که زمان بسیاری صرف آن شده است از نحوه دسته بندی افعال در زبان فرانسه الهام گرفته ایم. بر اساس این الگو، به صورت قراردادی افعال را براساس حروفی که به آنها ختم می شوند به چند دسته تقسیم کرده ایم؛ تعداد حروف دسته ها را نیز در نظر بگیرید.

| |
|---|
| <p>– اندن – اردن: افعالی که حداقل ۶ حرف دارند و به حروف مذکور ختم می شوند.</p> <p>مانند: سووتاندن – خاواندن – ستاندن – بواردن – رفاندن – نواندن – بژاردن – پژاندن – رژندان –</p> |
| <p>– دن: مانند: شاردن، کهندن</p> |
| <p>– ین:</p> <p>مانند: زایین – پیوین – کرین – برین – خوړین – نهوین – تهزین – بهزین – دوشین – بینین – زانین</p> |
| <p>– تن: مانند: کهوتن – کوشتن</p> |
| <p>– ردن: افعالی که حداکثر ۴ حرف هستند.</p> <p>مانند: کردن – بردن</p> |
| <p>– وون: مانند: چوون</p> |
| <p>– ان: افعالی که حداقل ۵ حرف دارند.</p> <p>مانند: کیلان – هینان</p> |
| <p>– یشتن: افعالی که حداقل ۶ حرف دارند.</p> <p>مانند: هاویشتن – گه یشتن</p> |

«الگوی فعلی»

نکته: طبق الگوهای فوق، افعالی که به -اردن، -اندن، -ین، -ان و -دن ختم می شوند بدون استثنا همگی متعدی هستند.

از یک فعل در زبان کردی هم ریشه حال و هم ریشه ماضی قابل استخراج است که باید بتوانیم برای به کارگیری دیگر افعال بدان‌ها پی ببریم.

ریشه ماضی: برای یافتن ریشه ماضی افعال، کافیس (ن) انتهایی افعال را حذف کنیم تا به بن ماضی آن برسیم.

مثال: بردن ← برد چوون ← چوو سووتاندن ← سووتاند خواردن ← خوارد

در تشخیص متعدی یا لازم بودن برخی افعال به دانستن معنای آن‌ها نیاز خواهیم داشت؛ لذا توصیه می شود از فرهنگ پایانی کتاب جهت یادگیری معنای افعال استفاده شود.

ریشه حال: یافتن بن حال به آسانی بن ماضی نیست. در واقع هر کدام از الگوهای فعلی به نوعی تغییر می کنند.

قبل از اینکه به بررسی ریشه حال در زبان کردی بپردازیم بد نیست به ریشه حال در زبان فارسی نگاهی داشته باشیم:

| بن حال | مصدر فارسی |
|--------|------------|
| رو | رفتن |
| بر | بردن |
| خواب | خوابیدن |

مطمئنم با دیدن جدول مقابل می توانید روابطی را میان بن حال و مصدر در فارسی بیابید. ما هم در زبان کردی طبق الگوبندی خود، سعی کرده ایم قواعد و روابطی ارائه دهیم که در جدول صفحه بعد قابل رؤیت است.

ضمایر: قبل از ادامه بحث، هر چند به صورت بسیار مختصر و اجمالی جا دارد با ضمایر در زبان کردی آشنا شویم.

| ضمایر مفرد | تلفظ | معادل فارسی | ضمایر جمع | تلفظ | معادل فارسی |
|------------|------|-------------|-----------|------|-------------|
| من | min | مَن | ئیمه | ême | ما |
| تۆ | to | تو | ئیه | êwe | شما |
| ئهو | ew | او | ئهوان | ewan | آنها |

نکته: در کردی موکریانی، گونه مهبادی، به جای ضمیر (ئیه)، (ئهنگۆ) و نیز به جای (ئیمه)، (ئمه) گفته می شود و این شکل ضمایر بدین گونه رایج است.

بن حال در الگوهای فعلی در زبان کردی:

| حروف انتهایی فعل | قاعده ساخت بن حال | مثال |
|--|--|--------------------------------|
| - اندن، اردن (این دسته حداقل ۶ حرف دارند): | حذف (دن) پایان و تبدیل ا به ئ | سووتاندن ← سووتان ← سوتین |
| - ن: | حذف (دن) | شاردن ← شار |
| - ین: | حذف (ین) | پیوین ← پیو |
| - تن: | حذف (تن) | کهوتن ← کهو |
| - ردن: (این دسته افعال حداکثر ۴ حرفی هستند.) | حذف (ردن) و اضافه نمودن مصوت (ه) به آخر آن | کردن ← ک ← که بردن ← ب ← به |
| - وون: | حذف (وون) | چوون ← چ |
| - ان: حذف (ان) | (حداقل 5 حرفی ها) | کیلان ← کیل |
| - یشتن: (حداقل ۶ حرفی ها) | حذف (یشتن) | هاویشتن ← هاو |

استثنا: فعل (مردن) علی رغم اینکه ویژگی دسته ردن را دارد اما در دسته دن جا دارد.

توجه: صرف فعل (بوون) را در ادامه به طور مجزا فرا خواهید گرفت. به علاوه چندین فعل استثنای پرکاربرد نیز وجود دارد که در ادامه مفصلا در موردشان بحث خواهیم کرد.

نکته: توجه فرمائید که در بن حال فعل (کوشتن)، درست است که طبق قواعد (کوش) بن فعل است؛ اما آنچه در میان کردزبانان رایج است (کوژ) است. پس از این پس بن حال فعل کوشتن را به صورت (کوژ) بشناسید.

کوشتن ← کوش ← کوژ (بن حال)

در بن ماضی این فعل، هیچ تغییری صورت نمی گیرد؛ یعنی همان (کوشت) بن ماضی است. [\(بازخورد\)](#)

تمرین ۱-۲:

۱- بن ماضی و بن حال افعال زیر را بیابید.
 که نین - ژماردن - مردن - نیشتن - ناردن - کوشتن

مثال: برین ← بن ماضی : بری ، بن حال: بر

۲- مصوت هشتم را در صورت وجود در افعال زیر مشخص نمائید.

کرین - هاتن - بوون - ستاندن - کهوتن - کردن

مثال: بژاردن ← سه هجا دارد: (بژ) + (ار) + (دن) ← اب/ز/ا-ار/ا/د*ن/

۳- از متعدی بودن کدامیک از افعال زیر، بدون دانستن معنایشان، مطمئن هستید؟

نواندن - گرتن - هینان - بردن - دوشین - چوون

«بسیاری از کسانی که به یادگیری زبانی مشغول می شوند عقیده دارند "قواعد دستوری" ناخوشایندترین بخش زبان است. البته این عقیده خود ما نیست؛ چرا که فلسفه وجود قواعد دستوری، رام کردن یک زبان برای فراگیر است. درست است در ابتدا قواعد ممکن است خشک و دست و پاگیر جلوه دهد اما پس از قدری تسلط مطمئناً آسان و شیرین خواهد شد. دادن حکمی قاطع و یا بررسی تمام قالب های جمله و استثناها در یک زبان هدف اصلی قواعد نیست. به نظر ما:

سبک بار بودن و به مقصد رسیدن بهتر از سنگین بار بودن و به مقصد نرسیدن است. «

درس ششم: صرف زمان ماضی ساده

اکنون نوبت آن است که به ساخت فعل‌ها در زمان گذشته ساده بپردازیم.

ماضی ساده: ماضی ساده یا همان گذشته ساده به فعلی گفته می‌شود که بر وقوع امری در گذشته دلالت دارد که لزوماً در گذشته نیز پایان یافته است. در زبان فارسی می‌توان فعل‌هایی مانند: (بردم، رفتند، خوردیم) را مثال زد.

برای ساختن افعال ماضی به ترتیب زیر عمل می‌کنیم. در ساخت افعال ماضی ساده، متعدی یا لازم بودن افعال **اهمیت ویژه ای دارد.** در واقع برای افعال متعدی و لازم شناسه‌های متفاوتی به کار برده می‌شود.

قاعده ماضی ساده: بن ماضی + شناسه

در صورتی که فعل متعدی باشد شناسه به صورت:

| ضمیر مفرد | شناسه متعدی | ضمایر جمع | شناسه متعدی |
|-----------|-------------|-----------|-------------|
| من | - م | ئیمه | مان |
| تو | - ت | ئیوه | تان |
| ئهو | - ی | ئهوان | یان |

مثال: سووتاندن (سوزاندن، متعدی) ← سووتاند (بن ماضی) ←

| | | |
|--------------------------|-------|-------------|
| من سووتاندم (من سوزاندم) | ئیمه | سووتاندمان |
| تو سووتاندد | ئیوه | سووتاندتان |
| ئهو سووتانددی | ئهوان | سووتانددیان |

دقت داشته باشید که شناسه را از لحاظ نوشتاری به عنوان یک جز اصلی از فعل، به صورت متصل مط نویسیم.

اما اگر فعل لازم باشد شناسه به صورت مقابل خواهد بود:

| ضمیر مفرد | شناسه لازم | ضمایر جمع | شناسه لازم |
|-----------|------------|-----------|------------|
| من | - م | ئیمه | ین |
| تو | - ی | ئیوه | ن |
| ئهو | — | ئهوان | ن |

| | | |
|-------------------|-------|-------|
| من چووم (من رفتم) | ئیمه | چووین |
| تۆ | ئپوه | چوون |
| ئهو | ئهوان | چوون |

مثال: چوون (رفتن، لازم) ← چوو (بن ماضی) ←

نکته: به صرف افعالی که به شناسه **بین** ختم می شوند دقت کنید. برای نمونه:

| | | |
|----------------------|-------|---------|
| من نهویم (بلند کردم) | ئیمه | نهویمان |
| تۆ | ئپوه | نهویتان |
| ئهو | ئهوان | نهویان |

نهوین (بلند کردن، متعدی) ← نهوی (بن ماضی) ←

همان طور که ملاحظه می فرمائید در سوم شخص مفرد و جمع دو حرف (ی) به هم رسیده اند. تلفظ دو مصوت در کنار هم در نظام آوایی زبان کردی جایی ندارد و اصولاً قابل تلفظ نیستند. لذا در ضمائری که این گونه اتصال ها رخ می دهد، یکی از (ی)ها حذف می شود. (بازخورد)

| | | |
|----------------------|-------|---------|
| من نهویم (بلند کردم) | ئیمه | نهویمان |
| تۆ | ئپوه | نهویتان |
| ئهو | ئهوان | نهویان |

نهوین (بلند کردن، متعدی) ← نهوی (بن ماضی) ←

تمرین ۲-۲:

- ۱- متعدی یا لازم بودن افعال زیر را تشخیص دهید.
 - پپوین (پیمودن) - شاردن (پنهان کردن) - کیلان (شخم زدن) - کهوتن (افتادن)
- ۲- با استفاده از شناسه، ضمائر افعال ماضی ساده زیر را مشخص کنید. مثال: شاردیان ← ئهوان شاردیان
 - بهزیم - رفاندیان - کهندی - کوشتیان - بوون - بریت - مردین
- ۳- افعال زیر را برای ماضی ساده اول شخص مفرد صرف کنید. آیا به دانستن متعدی یا لازم بودن افعال برای این ضمیر نیازی هست؟
 - تواندن - چوون - بینین - کردن - بیستن - ژماردن
- ۴- افعال زیر را همانند مثال های طول درس، برای تمامی ضمائر صرف کنید.
 - سپاردن (سپردن، محول کردن) - خواردن (خوردن) - زانین (دانستن)

درس هفتم: صرف زمان حال ساده

حال ساده: حال ساده به وقوع فعلی دلالت دارد که در حال حاضر در حال وقوع است و یا یک حقیقت را بیان می کند. در زبان کردی، برخلاف زبان انگلیسی، حال استمراری و حال ساده یکی است و بسته به شرایط هر دو معنا را می توانند داشته باشند.

برای ساخت زمان حال افعال، برخلاف زمان ماضی نیازی به دانستن متعدی یا لازم بودن آنها نداریم؛ چراکه برای هر دو دسته فعل متعدی و لازم یک نوع شناسه وجود دارد. تنها نکته جدیدی که در این میان وجود دارد، پیشوند استمراری (ده) است؛ می توان این پیشوند را با (می) در فارسی معادل دانست.

قاعده ساخت زمان حال ساده: (ده) + بن حال + شناسه

| ضمیر مفرد | شناسه متعدی و لازم | ضمایر جمع | شناسه متعدی و لازم |
|-----------|--------------------|-----------|--------------------|
| من | م - | ئیمه | ین |
| تۆ | ی - | ئپوه | ن |
| ئهو | ئ - | ئهوان | ن |

«جدول شناسه های زمان حال»

بدلیل استفاده از شناسه های یکسان در افعال متعدی و لازم در زمان حال ساده، ساخت این فعل آسان می باشد.

| | |
|-------------|---------------|
| من ده بیسم | ئیمه ده بیسین |
| تۆ ده بیسی | ئپوه ده بیسن |
| ئهو ده بیسی | ئهوان ده بیسن |

مثال: بیستن (شنیدن) ← بن حال: (بیس) ←

نکته ۱: به صرف افعالی که بن حالشان به مصوت (ه) ختم می شوند توجه کنید:

| | |
|-------------|---------------|
| من ده به م | ئیمه ده به ین |
| تۆ ده به ی | ئپوه ده به ن |
| ئهو ده به ئ | ئهوان ده به ن |

مثال: فعل بردن ← بن حال: (به) ←

همانطور که در نکته درس قبل بیان شد، در زبان کردی دو مصوت نمی توانند به دنبال هم خوانده شوند. لذا در چنین حالاتی، مانند مثال بالا، در حال ساده سوم شخص مفرد (ئهو ده به ئ)، چنانچه بن فعل به مصوت (ه) ختم شود، (ه + ئ) به (ا) تبدیل می شوند. به عبارتی: ئهو ده به ئ ❌ ← ئهو ده به ا ❌

نکته ۲: به صرف فعل (خواردن) طبق قاعده کلی توجه کنید:

| | |
|--|--------------|
| من ده خۆم | ئیمه ده خۆین |
| تۆ ده خۆی | ئیه ده خۆن |
| ئهو ده خۆی <input checked="" type="checkbox"/> | ئهوان ده خۆن |

همانطور که می دانید دو مصوتی که در سوم شخص مفرد در کنار هم قرار گرفته اند با نظام آوایی زبان کردی مطابقت ندارد

بدلیل تلفظ سخت دو مصوت بلند (ۆ) و (ئ)، ترکیب این دو مصوت به مصوت (وا) تبدیل می شود.

واقعیت این است که تغییراتی از این دست را نمی توان قاعده وار نمود. در ساختار تمامی زبان های دنیا، برخی تلفظ ها قابل ادا نیستند. در زبان کردی نیز تغییراتی از این نوع وجود دارد. در آینده با تمامی این تغییرات آشنا خواهیم شد.

پس در این مثال خواهیم داشت : «ۆ + ئ ← وا» :: ئهو ده خۆی ← ئهو ده خوا

نکته ۳: گفتیم شناسه تمایل دارد که به اولین جز فعل متصل شود. شاید از خود پرسیده باشید "پس چرا در زمان حال ساده شناسه را به اولین جز یعنی (ده) نچسبانندیم؟" در پاسخ در اینجا تا این حد می توان گفت که دلیل این است که در افعال حال ساده متعدی یا لازم بودن تاثیری در صرف این زمان ندارد. در واقع این وجود مفعول است که شناسه فاعلی را به متصل شدن به جز اول فعل سوق می دهد. با این موضوع به طور کامل در آینده آشنا خواهیم شد. ([بازخورد](#))

خوب است بدانیم...

در بیشتر مناطقی از کردستان که لهجه کرمانجی وسطی در آن تکلم می شود، پیشوند استمراری (ده) به صورت (ئه) به کار برده می شود. یعنی مثلا به جای (ده چم) گفته می شود (ئه چم).

| | |
|-----------|-------------|
| من ئه چم | ئیمه ئه چین |
| تۆ ئه چی | ئیه ئه چن |
| ئهو ئه چی | ئهوان ئه چن |

شاید برخی بپرسند بالاخره کدام پیشوند را به کار بریم؟ در پاسخ می توانیم بگوییم، شما مختارید!! چرا که این دو پیشوند از لحاظ دستوری و معنایی هیچ تفاوتی با هم ندارند؛ تنها دقت داشته باشید که این امر تمرکز شما بر اصل موضوع را کاهش ندهد.

تمرین ۳-۲:

۱- زمان حال ساده افعال زیر را برای ضمائر مفرد صرف کنید.
 کهندن - رفاندن - بیستن - زانین - ژماردن - چوون

مثال: ستاندن ← من ده‌ستینم ، تو ده‌ستینی ، نهو ده‌ستینی

۲- هر یک از ضمائر ستون اول را به افعال متناسبشان متصل کنید.

| ضمیر | فعل |
|--------|----------|
| من | ده‌با |
| تو | ده‌کیلین |
| نهو | ده‌کوژن |
| ئی‌مه | ده‌گری |
| ئی‌وه | ده‌بینم |
| ئه‌وان | ده‌که‌نن |

۳- مصوت هشتم را در صورت وجود در افعال زیر بیابید؛ پس از صرف افعال در زمان حال، وجود این مصوت را در ضمائر مختلف نیز بررسی کنید.

کردن (انجام دادن) - که‌نین (خندیدن) - شکاندن (شکستن)

۴- فعل گه‌یشتن (رسیدن) را برای تمامی ضمیرها در زمان حال ساده صرف کنید. در زمان صرف به نکته ۱ این درس دقت فرمایید.

۵- فعل مردن (مُردن) را در دو زمان حال ساده و ماضی ساده برای تمامی ضمائر صرف کنید. دقت کنید که فعل مردن طبق نکته ای که بیان شد، به کدام دسته تعلق می‌گیرد.

درس هشتم: ماضی استمراری

ماضی استمراری به فعلی گفته می‌شود که در زمان گذشته صورت گرفته‌است و امر استمرار و تداوم در آن وجود داشته‌است. در زبان فارسی می‌توان نمونه‌هایی مانند (می‌خواندم، می‌رفتم، می‌نوشتم) را بیان کرد.

در زبان کردی برای ساختن ماضی استمراری از قاعده کلی زیر استفاده می‌کنیم:

ماضی استمراری ← (ده + ماضی ساده + شناسه)

قضیه به همین سادگی نیست. اگر یادتان باشد گفتیم شناسه‌ها در افعال متعدی همیشه دوست دارند به اولین جز متصل شوند. پس اولین قدم برای ساختن این افعال پی بردن به متعدی یا لازم بودن فعل است. اگر فعل متعدی باشد، یعنی به مفعول نیاز داشته‌باشد، شناسه از انتهای بن ماضی گرفته شده و به (ده) می‌چسبد. (باز خورد)

به مثال‌ها توجه کنید:

| |
|---|
| سووتاندن (متعدی) ← ده + سووتاند + م ← ده م سووتاند (می‌سوزاندم) |
| کیلان (متعدی) ← ده + کیلاند + ی ← ده ی کیلاند (شخم می‌زد) |

اما اگر فعل لازم باشد، یعنی به مفعول نیاز نداشته‌باشد، شناسه به صورت عادی، به صورت متصل به فعل ماضی باقی خواهد ماند. مثال:

| |
|---|
| چوون (لازم) ← ده + چوو + م ← ده چوووم (می‌رفتم) |
| کهوتن (لازم) ← ده + کهوت + ن ← ده کهوتن (می‌افتادم) |

تمرین ۴-۲:

۱- مصدر هر یک از افعال زیر را بیابید و نیز با تشخیص ضمیر آن افعال، ماضی استمراری بسازید.
 ده‌به‌م - بیستیان - زانیمان - ده‌کا(برای صرف این فعل به نکته ۱ درس هفتم مراجعه شود) - ده‌خوین

مثلا: به‌زی ← از مصدر : به‌زین ← ضمیر : نهو ← ماضی استمراری: ده‌به‌زی

۲- افعال جدید زیر را برای ضمائر دوم و سوم شخص جمع در زمان ماضی استمراری بنویسید.
 هیئان(قرار دادن، آوردن) - فرین (پرواز کردن) - ژه‌کاندن(تکان دادن، به لرزش در آوردن) - گرتن(گرفتن)

مثال: سووتاندن ← ئیوه ده + سووتاند + تان ← ئیوه ده تانسووتاند

سووتاندن ← ئه‌وان ده + سووتاند + یان ← ئه‌وان ده یانسووتاند

۳- جدول زیر را برای فعل نیشن(فرود آمدن، پایین آمدن) تکمیل نمائید. در تعداد حروف این فعل و آنچه در الگوبندی آمده است دقت شود.

| فعل | زمان ماضی ساده | زمان حال ساده | ماضی استمراری |
|------|----------------|---------------|---------------|
| نیشن | تۆ | من | من |
| | ئیمه | ئهو | ئهو |
| | ئه‌وان | ئیوه | ئیمه |

خوب است بدانیم...

وند (هوه): این وند که به انتهای افعال وصل می‌شود، معنای تکرار و دوباره صورت گرفتن را به فعل می‌بخشد.

خویندم (خواندم) ← خویندمهوه (دوباره خواندم) ؛ چووی (رفتی) ← چوویهوه (بازگشتی، دوباره رفتی)

برای استفاده از این پسوند فعلی، کفایت آن را به انتهای افعالی که می‌توانند معنای بازگشتی و تکراری داشته باشند، متصل کرد به طوری که همیشه آخرین جز فعل باشد.

نکته: برخی از افعال نیز وجود دارند که با داشتن این پسوند، معنایی جدید، و نه لزوماً بیان تکرار، پیدا می‌کنند.

مانند (بینین): دیدن و (بینینهوه): پیدا کردن

لذا توصیه می‌شود مگر در افعالی که معنای بسیار بدیهی دارند از این پسوند استفاده کرد.

درس نهم، حال التزامی و ماضی التزامی:

حال التزامی به وجود التزام و بایستن در زمان حال اشاره دارد؛ برای ساختن حال التزامی به این صورت عمل می کنیم که نشانه استمراری (ده) را در فعل حال ساده حذف می نماییم و به جای آن وند (ب) را به کار می بریم.

قاعده حال التزامی: (ده + بن حال + شناسه) ← جایگزینی (ب) با (ده) ← (ب + بن حال + شناسه)

مثال:

| |
|-------------------------------|
| ده چم ← بچم (بروم) |
| ده گهی ← بگهی (برسی) |
| ده کیلین ← بکیلین (شخم بزنید) |

لازم است متذکر شویم که تنها با یادگیری فعل حال ساده در تمامی افعال، می توان بسیار آسوده به این زمان پرداخت. حال فعل های «کهوتن، بردن، کوشتن» را برای خود ابتدا در زمان حال ساده، سپس در زمان حال التزامی صرف کنید.

تذکره: اشتباه نکنید! در افعال حال ساده متعدی یا لازم بودن افعال تغییری در شناسه بوجود نمی آورد.

ماضی التزامی: این فعل دلالت به وجود التزام در زمان گذشته دارد. به عنوان مثال در فارسی گفته می شود "رفته باشم، برده باشی، گفته باشند". همان طور که می بینید نوعی التزام و انقیاد در افعال مذکور دیده می شود.

قاعده ساخت این گونه افعال به این صورت است:

قاعده فعل ماضی التزامی ← ب + بن ماضی + با + شناسه

شاید از خود بپرسید که این "با" در این میان چیست؟ در واقع این "با" در ابتدا "بوو" (به معنای بود) بوده است که چون در حالت التزام واقع شده است به "با" تبدیل شده است.

به نظر شما برای استفاده از این قاعده، توجه به متعدی یا لازم بودن افعال لازم است؟ درست است، بدلیل استفاده از بن ماضی، بنا به آنچه که در فعل ماضی ساده یاد گرفتیم، توجه به متعدی یا لازم بودن افعال مهم است. طبق خاصیت، شناسه در افعال متعدی به نخستین جزء فعل ینی در اینجا حرف (ب) آغازین متصل می شود. [\(بازخورد\)](#)

| | |
|--------------|-------------------|
| من بمهینابا | ئیمه بمانهینابا |
| تۆ بتهینابا | ئیوه بتانهینابا |
| ئهو بیهینابا | ئهوان بیانیهینابا |

← مثال:هینان ← ب + هینا + با + م مان ←

ت تان

ی یان

اما اگر فعل لازم باشد،دیگر نیازی به جابه جایی شناسه نیست و در همان انتهای فعل باقی می ماند.

| | |
|------------|---------------|
| من بچووبام | ئیمه بچووباین |
| تۆ بچووبای | ئیوه بچووبان |
| ئهو بچووبا | ئهوان بچووبان |

← مثال: چوون ← ب + چوو + با + م ین ←

ی ن

- ن

تمرین ۵-۲:

۱- ماضی ساده و حال ساده افعال زیر را برای ضمائر مفرد بدست آورید:

مردن - هینان - بردن - فرین

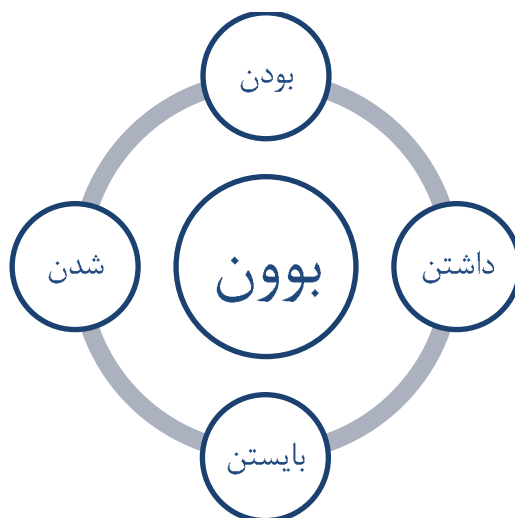
۲- آنچه را که در تمرین اول بدست آوردید در زمان های حال التزامی و گذشته التزامی برای ضمائر جمع باز نویسی کنید.

۳- پس از مشخص نمودن مصدر هر یک از افعال، اشتباهات موجود در جملات را تصحیح کنید.

ئهو بهینابای - ئیمه بچووبان - ئیوه بسووتاندتانبا - من بمگه - ئهوان بفرین - تۆ بکیلی

مثال: من بمبه ← مصدر: بردن ← من بیهم (جاگیری نادرست شناسه)

در این جا نیاز است برای آشنایی با دیگر افعال، فعل بوون را در ابتدا بشناسیم. به طور کلی چهار معنا برای فعل (بوون) وجود دارد:



ما در این درس قصد داریم نحوه صرف فعل (بوون) در دو معنای (شدن) و (بودن) را فرا گیریم. تفاوت این دو، تنها در نحوه صرف کردنشان مشخص می‌شود.

توجه کنید که فعل بوون در زمان ماضی ساده، طبق الگوبندی، از دسته **وون** پیروی می‌کند، هرچند تغییراتی کوچک در معنای (شدن) برای آن رخ می‌دهد. اما در زمان حال بی‌قاعده است.

۱- (بوون) در معنای بودن:

| گذشته (بوون) در معنای بودن: (طبق الگو) | | | |
|--|--------------|-------|-------|
| من | بووم | تیمه | بووین |
| تو | بووی | ئیوه | بوون |
| نهو | بوو (او بود) | ئهوان | بوون |

| حال (بوون) در معنای بودن (بی قاعده) | | | |
|-------------------------------------|---------------|-------|------|
| من | ههم (من هستم) | ئیمه | ههین |
| تو | ههی | ئیوه | ههن |
| ئهو | ههیه | ئهوان | ههن |

۲- (بوون) در معنای شدن:

| حال (بوون) در معنای شدن: | |
|--------------------------|-------------------------|
| من دهبم | ئیمه دهبین |
| تۆ دهبی | ئپوه دهبن (شما می شوید) |
| ئهو دهبی | ئهوان دهبن |

| گذشته (بوون) در معنای شدن: | |
|----------------------------|------------------------|
| من بووم | ئیمه بووین |
| تۆ بووی | ئپوه بوون |
| ئهو بوو | ئهوان بوون (انها شدند) |

نکته: حالت التزامی فعل بوون (بی) می باشد. مثال: ههپه(هست) ← بی(باشد)

تمرین ۶-۲:

۱- فعل (بوون) را در معنای بودن برای زمان ماضی استمراری صرف کنید.

۲- ساختار جملاتی که فعل بوون در معنای شدن در آنها وجود دارد در متداول ترین شکل به این صورت است:

قاعده ← {اسم یا ضمیر + فعل بوون + حرف اضافه (به) + حالت تغییر یافته(اسم یا ضمیر یا صفت)}

در واقع در زبان کردی ترکیب {فعل (بوون) + به} معنای (تبدیل شدن به) را در فارسی می دهد. به این مثال ها دقت فرمائید:

ئهو(ضمیر)+بوو(فعل، مطابق با ضمیر در معنای بودن) + به + پیاو(یعنی مرد، حالت تغییر یافته) ← ئهو بوو به پیاو(او به مرد تبدیل شد).

من(ضمیر)+بووم(فعل) + کورد(حالت تغییر یافته) ← من بووم به کورد (من کرد شدم)

هدف از طرح این موضوع، درک این قالب جمله ای است. یادمان باشد که برای یادگیری زبان، به یاد سپردن قالب های دستوری و جمله ای بزرگترین کمک را در ابتدا به ما می کند. اگر قالب فوق را یاد بگیرید، می توانید تنها با تغییر ضوابط موجود در آن جمله های بی شماری را بسازید. در اینجا فعلا سعی کنید بیشتر بر روی نکات دستوری آن متمرکز شوید. [\(بازخورد\)](#)

نکته: در زبان محاوره ای، عبارت (بوون + به) بدین صورت استفاده نمی شود. بلکه حرف اضافه (به) با فعل ادغام

شده و به شکل مصوت (ه) به انتهای فعل (بوون) متصل می شود. یعنی گفته می شود: (من بوومه)

جدول زیر را مانند نمونه ها تکمیل نمائید.

| ضمیر | فعل | حالت تغییر یافته | معنی |
|-------|---------------------|------------------|----------------|
| من | بوون به (بوونه) | زانا(دانا) | |
| ئهوان | بووین به (بووین به) | ژیر(عافل) | |
| تۆ | بووم به (بووم به) | کورد(کرد) | آنها کرد شدند. |
| ئیوه | بووی به (بوویه) | لیزان(کاردان) | |
| ئهو | بوون به (بوونه) | خزم(قوم،اشنا) | |
| ئیمه | بوو به (بوو به) | هاوولاتی(هممیهن) | |

۳- فعل بوون در معنای شدن را برای زمان حال التزامی تمامی ضمایر صرف کنید.

مثال: من دهبم ← من ببم

۴- ماضی استمراری فعل بوون در معنای بودن را برای ضمایر جمع صرف کنید.

مثال: ئهوان بوون ← ئهوان دهبوون

5- معنای هر یک از افعال (بوون) را در جملات زیر بیابید.

ئیمه دهبووین: ئیوه بوونه:

تۆ بیی: ئهو بووه:

ئهو ببویا: تۆ ببووبای:

من دهبم: ئهوان دهبوونه:

ئهو ههیه:

درس یازدهم، ماضی بعید:

ماضی بعید: ماضی بعید به وقوع امری در گذشته‌ی گذشته دلالت دارد؛ به عبارتی ما در گذشته‌ای صحبت می‌کنیم که امری قبل از آن گذشته، صورت گرفته است. در زبان فارسی می‌توان با ترکیب صفت مفعولی و فعل (بودن) به این فعل دست یافت: مثل: رفته بودم - کرده بودم و

در زبان کردی از ترکیب بن ماضی و گذشته ساده فعل (بوون) در معنای بودن، ماضی بعید بوجود می‌آید.

قاعده ماضی بعید: بن ماضی + گذشته ساده فعل بوون (در معنای بودن)

توجه کنید که تنها فعل (بوون) صرف می‌شود و بن ماضی تغییری نمی‌کند.

مثال: من چوو بووم (من رفته بودم) - تو سووتاند بووت (تو سوزانده بودی)

ئیمه کردبوومان (ما انجام داده بودیم) - ئه و هینا بووی (او آورده بود)

توجه: در این گروه افعال، از اتفاق صامت انتهایی بن ماضی و حرف (ب) فعل (بوون) مصوت هشتم بوجود می‌آید که باید حتماً در تلفظ لحاظ گردد. درست است که حروف (د) و (ب) در یک هجا واقع نمی‌شوند؛ اما هنگام صحبت کردن مثلاً در فعل (کردبووم)، در میان (کرد) و (بووم) هیچ مکثی صورت نمی‌گیرد؛ لذا وجود مصوت هشتم لازم می‌باشد.

عدم ایجاد بریدگی میان کلمات و زنجیروار خواندن جملات را زنجیرواری زبان می‌نامند. سعی کنید با تمرین مداوم مکث‌های بین کلمه‌ایی خود را به حداقل برسانید. (پدیده زنجیرواری، enchaînement، نیز در زبان فرانسه وجود دارد و اصلاً ایده آن را از همین زبان گرفته‌ام؛ منتهی فلسفه این پدیده در این دو زبان کاملاً متفاوت است). [\(باز خورد\)](#)

تمرین ۲-۷:

۱- ماضی بعید افعال زیر را بنویسید.

هینان - چوون - گه‌یشتن - هاتن (امدن)

۲- با یافتن مصدر افعال زیر، ماضی بعید آن‌ها بسازید؛ آن‌ها را با صدای بلند برای خود بخوانید و سعی کنید مصوت هشتم را برای آن‌ها رعایت کنید.

ده‌که‌م - ده‌یانبری - بسووتینین - بتانهینا

درس دوازدهم، ماضی نقلی:

ماضی نقلی: افعالی مانند (رفته ام)، (کاشته ام)، (دیده ام) و... در زبان فارسی در زمان نقلی هستند. به نحوی می توان گفت این زمان مبین فعلی است که در گذشته آغاز شده و هنوز هم می تواند ادامه داشته باشد.

برای ساختن افعال ماضی نقلی در زبان کردی به این شیوه عمل می کنیم.

قاعده: بن ماضی + وو + شناسه + مصوت (ه)

توجه داشته باشید که شناسه بنا به متعدی یا لازم بودن فعل تغییر می کند.

| | |
|----------------|--------------------|
| من ستان دوومه | ئیمه ستان دوومانه |
| تۆ ستان دووته | ئیه ستان دووتانه |
| ئهو ستان دوویه | ئهوان ستان دوویانه |

مثال: ستاندن (متعدی) ← ستاند + وو + م مان + ه ←

ت تان

ی یان

| | |
|---------------|-----------------|
| من که وتوومه | ئیمه که وتووینه |
| تۆ که وتوویه | ئیه که وتوونه |
| ئهو که وتوووه | ئهوان که وتوونه |

که وتن (لازم) ← کهوت + وو + م ین + ه ←

ی ن

— ن

نکته: به افعالی که در الگوی فعلی به - وون ختم می شوند، توجه کنید:

| | |
|-----------|-------------|
| من چووومه | ئیمه چوووین |
| تۆ چووویه | ئیه چووون |
| ئهو چوووه | ئهوان چووون |

مثال: چوون ← چوو + وو + م ین + ه ←

ی ن

— ن

در واقع تلفظ دو مصوت (وو) و (وو) در کنار هم هیچ تفاوتی با یک مصوت تنهای (وو) ندارد. لذا در الگوی فعلی، افعالی که به - وون ختم می شوند، در حالت ماضی نقلی یکی از مصوت های (وو) شان حذف می گردد. (وو+وو ← وو)

لذا صرف صحیح فعل (چوون) در زمان ماضی نقلی بدین صورت خواهد بود:

| | |
|----------|------------|
| من چوومه | ئیمه چووین |
| تۆ چوویه | ئیه چوون |
| ئهو چووه | ئهان چوون |

نکته ۲: در افعالی که در الگوی فعلی به ان ختم می‌شوند، هنگامی که (ا) به (وو) می‌رسد، به دلیل تکلف در تلفظ، (وو) تبدیل به صامت (و) می‌شود: **ا + وو ← و (صامت)**

مثال: فعل کیلان :

| | |
|-------------|----------------|
| من کیلامه | ئیمه کیلامانه |
| تۆ کیلاوته | ئیه کیلاوتانه |
| ئهو کیلاویه | ئهان کیلاویانه |

کیلا + وو (مصوت) + م مان + ه ← کیلا + و (صامت) ←

ت تان

ی یان

[\(بازخورد\)](#)

تمرین ۱-۲: جدول مقابل را تکمیل کنید.

| نوع فعل | ماضی استمراری نهوین | ماضی نقلی بیستن | ماضی التزامی رفاندن | ماضی بعید هیتنان | حال التزامی کردن |
|---------|---------------------|-----------------|---------------------|------------------|------------------|
| ضمیر | | | | | |
| من | | | | | |
| تۆ | | | | | |
| ئیمه | | | | | |

درس سیزدهم، ماضی مستمر، مضارع مستمر:

ماضی مستمر (ملموس یا درجریان): این فعل بیانگر انجام کاری است در گذشته به صورت استمرار، تاکید و تکرار. در فارسی می توان این فعل ها را مثال زد: داشتم می رفتم، داشت می نوشت و ...

قاعده ساخت این نوع افعال در کردی:: **قاعده ← خه ریک بوون (در زمان ماضی ساده) + ماضی استمراری**

(خه ریک) خود صفتی است به معنای مشغول؛ و هنگامی که با فعل (بوون) در معنای بودن همراه می شود، معنای (مشغول بودن) را می دهد. مطمئنا با فعل هایی که تاکنون یاد گرفته اید، بدون یادآوری نیز می دانید که برای فعل ماضی، متعدی یا لازم بودن فعل در تعیین شناسه اهمیت دارد یا خیر!؟

یادتان باشد، برای صرف قاعده بالا، تنها صرف فعل (بوون) و فعل ماضی استمراری کافیسست و صفت (خه ریک) تغییری نمی کند.

مثال: من + خه ریک + بووم (صرف فعل بوون معنای بودن در زمان ماضی ساده) + **ده چووم** (ماضی استمراری) ←

| | |
|---|-------------------------|
| من خه ریک بووم ده چووم (من داشتم می رفتم) | ئیمه خه ریک بووین چووین |
| تۆ خه ریک بووی ده چووی | ئپوه خه ریک بوون چوون |
| ئهو خه ریک بوو ده چوو | ئهوان خه ریک بوون چوون |

ئهو + خه ریک + بوو → + ده سووتاند + ی ← ئهو + خه ریک + بوو → + ده یسووتاند ←

| | |
|--|---------------------------------|
| من خه ریک بووم ده مسووتاند (من داشتم می سوزاندم) | ئیمه خه ریک بووین ده مانسووتاند |
| تۆ خه ریک بووی ده تسووتاند | ئپوه خه ریک بوون ده تانسووتاند |
| ئهو خه ریک بوو ده یسووتاند | ئهوان خه ریک بوون ده یانسووتاند |

دقت داشته باشید که فعل (بوون) در این زمان، فعلی است لازم؛ لذا برای تمام افعال در زمان ماضی مستمر تنها به یک صورت صرف می شود. این در حالی است که برای صرف فعل دوم، ملزم به دانستن متعدی یا لازم بودن فعل هستیم. در دو مثال بالا این موضوع به خوبی مشخص است. در مثال اول، فعل (چوون) چون لازم است، با شناسه های مخصوص صرف شده است و فعل (سووتاندن) نیز فعلی متعدی است؛ با به یاد داشتن این موضوع که شناسه در افعال متعدی تمایل به متصل شدن به اولین جز فعل دارند (یعنی در اینجا ده)، این فعل صرف شده است. [\(بازخورد\)](#)

مضارع مستمر: مضارع مستمر نیز به نوعی ماضی مستمر است اما در زمان حال.

قاعده ← خه‌ریک بوون (در حالت حال ساده و در معنای بودن) + حال ساده

قبل از بررسی مثال به نکته مهم زیر توجه کنید.

نکته مهم: درست است که طبق قواعد، فعل (بوون) در معنای بودن به شیوه زیر صرف می‌شد:

| | |
|-------------------|--------------------|
| من خه‌ریک هه‌م | ئیمه خه‌ریک هه‌ین |
| تۆ خه‌ریک هه‌ی | ئپوه خه‌ریک هه‌ن |
| ئه‌و خه‌ریک هه‌یه | ئه‌وان خه‌ریک هه‌ن |

اما آنچه رایج است قدری متفاوت است. صرف این فعل، خه‌ریک بوون، طبق نمونه بالا درست است، اما رایج نیست.

برای آسان‌تر تلفظ نمودن و روانی کلام، چند حرف از صورت صرف شده فعل بوون حذف می‌شود. در سوم شخص مفرد حروف (ه‌یه) را حذف می‌کنند و در سایر ضمائر نیز حروف (هه) حذف می‌شود. در واقع می‌توانیم بگوییم تنها شناسه فعل (بوون) را باقی می‌گذاریم. لذا این فعل را به این صورت به خاطر بسپارید:

| | |
|---------------|-----------------|
| من خه‌ریک‌م | ئیمه خه‌ریک‌ین |
| تۆ خه‌ریک‌ی | ئپوه خه‌ریک‌ن |
| ئه‌و خه‌ریک‌ه | ئه‌وان خه‌ریک‌ن |

مثال: من خه‌ریکم ده‌چم (من دارم می‌روم)
ئه‌وان خه‌ریکن ده‌بین (آن‌ها دارند می‌بینند)

(بازخورد)

تمرین ۹-۲:

۱- ضمائر مفرد را با ماضی مستمر فعل (بردن) و ضمائر جمع را با حال مستمر فعل (کیتلان) تکمیل کنید.

ئپوه - من - ئیمه - تۆ - ئه‌وان - ئه‌و

۲- جملات فارسی زیر را به کردی بازگردانید.

داشتم می‌خواندم - دارد می‌برد - داری می‌رسی - دارند شخم می‌زنند - دارید حمل می‌کنید

درس چهاردهم، منفی سازی افعال ماضی:

به طور کلی در زبان کردی دو پیشوند (مه) و (نه) منفی ساز هستند. اما کاربرد این دو منفی ساز مانند هم نیست. آنچه امروزه در مورد منفی سازی افعال غیر امری بسیار معمول است، استفاده از پیشوند (نه) است و از پیشوند (مه) تنها در افعال نهی کننده استفاده می شود. لذا تا زمانی که به صراحت از (مه) اسمی به میان نیامده است، مجاز به استفاده از آن نیستیم. ضمناً هر دو این پیشوند ها در افعال یک بخشی (افعالی که تا بحال خوانده ایم) به ابتدای فعل متصل می شوند.

منفی افعال ماضی: اگر خاصیت شناسه ها را بیاد داشته باشید، گفتیم که شناسه ها موجوداتی هستند که همیشه علاقه دارند در افعال متعدی و برخی زمان ها، به اولین جز فعل متصل شوند. برای ساختن منفی افعال ماضی کافیست در ابتدا به متعدی یا لازم بودن فعل توجه کنیم؛ اگر فعل متعدی باشد شناسه به جز اول، یعنی پیشوند منفی ساز (نه)، می چسبد. اما اگر فعل لازم باشد شناسه در مکان خود می ماند. در ادامه طی چند نکته ساخت افعال منفی را فرا خواهیم گرفت. ([باز خورد](#))

نکته ۱: افعال مستمر صورت منفی ندارند.

نکته ۲: در منفی کردن افعال التزامی، حرف (ب) آغازین حذف شده و پیشوند منفی ساز (نه) جایگزین آن می شود. چه در زمان های حال و چه در ماضی ها.

| نوع فعل | منفی فعل |
|----------------|---|
| ماضی ساده: | نه + سووتاندم ← نه + سووتانده + م ← نه مسووتانده |
| | نه + چوووم ← نه چوووم (لازم است؛ پس شناسه حرکت نمی کند) |
| ماضی استمراری: | نه + ده مسووتانده ← نه مده مسووتانده |
| | نه + ده که وتهم ← نه ده که وتهم |
| ماضی بعید: | نه + کیلا بووم → نه م کیلابوو |
| | نه + که وتبووم ← نه که وتبووم |
| ماضی نقلی: | نه + ستاندووومه → نه مستاندوووه |
| | نه + که وتووومه ← نه که وتووومه |

| | |
|--------------------|--------------------------------|
| منفی ماضی التزامی: | نه + بمستاندبا → نه مستاندبا ← |
| | نه + که وتبام ← نه که وتبام |

تمرین ۱۰-۲:

فعل گوتن (گفتن) یکی از استثناهایست که در ادامه به طور کامل با آن آشنا خواهیم شد. این فعل فقط در زمان- های حال بی قاعده است. سعی کنید تمام زمان های ماضی، چه مثبت و چه منفی، را برای خود در جدولی مانند جدول زیر صرف کنید.

| ضمیر | صورت مثبت ماضی ساده فعل گوتن | صورت منفی ماضی فعل گوتن |
|-------|------------------------------|-------------------------|
| من | | |
| تو | | |
| نه و | | |
| ئیمه | | |
| ئیوه | | |
| ئهوان | | |

درس پانزدهم، منفی افعال حال:

طبق قاعده کلی که بیان شد، برای منفی نمودن افعال حال نیز از پیشوند (نه) استفاده می شود. اما برای فعل حال ساده تغییری در (نه) بوجود می آید و آن تبدیل (نه) به (نا) است. به عنوان قاعده کلی به یاد داشته باشید که برای افعال **حال ساده**، پیشوند استمراری (ده) را حذف نموده و پیشوند (نا) را جایگزین آن می کنیم.

نکته ۱: در مورد فعل حال التزامی نیز همین قاعده صورت می گیرد؛ با این تفاوت که پیشوند منفی ساز (نه) جایگزین پیشوند (ب) می شود.

نکته ۲: زمان حال مستمر حالت منفی ندارد.

| منفی فعل | نوع فعل |
|---|---|
| ده چم ← ناچم ده کیلم ← ناکیلیم ده سووتینین ← ناسووتینین | حال ساده: قاعده: به کارگیری (نا) به جای (نه) برای منفی کردن |
| بچم ← نه چم بکه م ← نه که م | حال التزامی: قاعده: جایگزینی (نه) به جای (ب) |

همانطور که دوستان عزیز می دانند متعدی یا لازم بودن افعال در تغییر شناسه زمان های حال تاثیری نداشت. ([بازخورد](#))

تمرین II-۲:

تا بحال توانسته اید با بیشتر قواعد فعلی آشنا شوید. سعی کنید به مرور و تمرین پیوسته خود بیفزائید تا تمامی مطالب به ضمیر ناخود آگاه شما منتقل شود.

به عنوان تمرین، سعی کنید افعالی که تا بحال شناخته ایم را در حالت منفی نیز به کار ببرید. این کار را با صدای بلند و همراه با ضمیر انجام دهید.

خوب است بدانیم...

اگر یادتان باشد در درسی که با فعل حال ساده آشنا شدیم، در بخش بد نیست بدانیم گفتیم در برخی مناطق به جای وند استمراری (ده) از (ئه) استفاده می شود. حقیقت این است که نمی توان به قاطعیت گفت کدام یک از این دو وند اصیل تر از دیگری است و کدام یک تغییر شکل یافته است؟! در زبان کردی در گونه های موکریانی و سورانی لهجه کرمانجی وسطی و در تمام گونه های لهجه کرمانجی شمالی از (ده) به عنوان وند استمراری استفاده می شود. در لهجه هورامی نیز از عموما از وند (م) بدین منظور استفاده می شود. امیدوارم در این رابطه تحقیقات مدونی صورت پذیرد.

آنچه بیان شد مقدمه ای بود برای بیان اینکه چرا در زمان های حال لهجه کرمانجی وسطی به جای وند منفی ساز (نه) از (نا) استفاده می شود! بنده توانستم در این زمینه، پس از بررسی بسیار، به نوعی دلیل تراشی کنم.

در ابتدا به مثال مقابل توجه کنید: **(من نه ده چم) یا (من نه ده چم)**

فرض کرده ایم در ابتدا همان وند (نه) به عنوان وند منفی ساز در زمان حال نیز استفاده شده باشد.

چندبار با صدای بلند این فعل را برای خود بخوانید و به مرور از تاکید بر وند (ئه یا ده) بکاهید. آیا احساس نمی کنید تلفظ (نه+ئه یا نه+ده) به طرف وند (نا) میل می کند. یعنی در واقع دلیل اینکه به جای پیشوند منفی ساز (نه) از (نا) استفاده می شود دقیقا به همین موضوع برمی گردد. به نظر من، مرور زمان باعث شده است که به تدریج تاکید بر این وند کاهش یابد تا نهایتا به شکل امروزیش (نا) رسیده است. از این نوع تغییرات در کلمات کردی بسیار دیده می شود.

دوستان توجه داشته باشید که این تنها اظهار نظر شخص خودم است؛ خوشحال خواهم شد از نظرات دیگران نیز در این رابطه مطلع شوم.

درس شانزدهم، افعال امری:

افعال امری به افعالی گفته می شود که به منظور امر کردن یا دستور دادن استفاده می شوند. مانند بگو، برو و...

در زبان کردی، افعال امری (ده) نشانه استمرار، به (ب) تبدیل می شود و تغییر خاص دیگری در فعل رخ نمی دهد. درست است که در افعال امری و زمان های التزامی از وند (ب) استفاده می شود، اما تغییر معنایی که این دو در افعال ایجاد می کنند کاملاً مشخص و غیر قابل انکار است. در نظر داشته باشید که وند های خود به تنهایی معنایی ندارند.

برای ساخت افعال امری، صرف نظر از استثناها از اطن قاعده پیروی می کنیم:

قاعده: ب + بن حال + شناسه

نکته مهم: فعل امر تنها برای سه ضمیر (تۆ، ئیْمه، ئیْوه) صرف می شود. برای دیگر ضمائر در ادامه آشنا خواهیم شد.

| شناسه امری | ضمیر |
|------------|-------|
| هـ (مصوت) | تۆ |
| ین | ئیْمه |
| ن | ئیْوه |

ضمنا، در افعال امری بدلیل اینکه فعل امری از افعال حال ساخته می شود و در افعال حال شناسه برای فعل های چه متعدی و چه لازم همواره در انتهای فعل قرار داشت و به نخستین جز فعل (ده) متصل نمی شد، لذا شناسه نیز در افعال امری در جای خود ثابت بوده و به هیچ عنوان به وند امری کننده (ب) تغییر مکان نخواهند داد! (نکته ۳ درس حال ساده)

مثال: فعل (سووتاندن) ←

| |
|-----------------|
| تۆ بسووتینه |
| ئیْمه بسووتینین |
| ئیْوه بسووتینن |

نکته مهم ۲: فعل هایی که به وون و ردن (حداکثر 4 حرفی ها) ختم می شوند، در حالت امری دستخوش تغییراتی می شوند که باید به دقت به آنها توجه نمود.

• **افعالی که به وون ختم می شوند:** این افعال در شناسه با افعال دیگر تفاوتی دارند، آن هم این است که شناسه دوم شخص مفرد (تۆ) به جای مصوت (ه) به مصوت (ۆ) تبدیل می شود.

| شناسه امری افعال منتهی به وون | ضمیر |
|-------------------------------|-------|
| ۆ | تۆ |
| ین | ئیْمه |
| ن | ئیْوه |

مثال: فعل چوون ← تو بچو (یعنی: برو)

ئیمه بچین

ئیهه بچن

- افعالی که به ردن منتهی می شوند: این افعال نیز همانند دسته بالا در شناسه با سایر فعل های امر متفاوت هستند. شناسه ها در امر این دسته به صورت مقابل خواهند بود:

| شناسه امری افعال منتهی به -وون | ضمیر |
|--------------------------------|------|
| - ندارد | تو |
| -ین | ئیمه |
| -ن | ئیهه |

مثال: فعل بردن ← تو ببه (یعنی: ببر)

ئیمه ببهین

ئیهه ببهن

فعل (بوون) در معنای بایستن: یکی دیگر از شیوه های امری کردن استفاده از فعل (بوون) در معنای بایستن است؛ فعل (بوون) در معنای بایستن در زمان حال و گذشته تنها یک شکل دارد که آن هم (دهبی) در زمان حال و (دهبویه) در زمان گذشته است. هیچکدام از این دو صورت، چه در حال چه در گذشته، نیازی به اتصال هیچ شناسه ای ندارند و برای تمام ضمائر به یک صورت به کار برده می شود. می توان فعل (دهبی) را با فعل (باید) و (دهبویه) را با فعل (می بایست) فارسی معادل دانست.

برای مثال در فارسی "باید بروم"، امری حال و "باید می رفتم" نیز امری گذشته است.

در زبان کردی با صورت امری فعل (بوون) می توان طبق قاعده های زیر افعال امری گذشته یا حال ساخت.

قاعده: **دهبی + حال التزامی** ← امری حال

دهبویه + ماضی التزامی ← امری گذشته

دهبی بزمیرن

دهبی بکهوی (باید بیفتد)

مثال: دهبی بچم

دهبویه بزمیربان (می بایست می شمردند)

دهبویه بکهوتبا

دهبویه بچووبام

توجه: صورت گذشته فعل (بوون) یعنی ده‌بوايه ، در واقع حالت التزامی فعل (ده‌بی) می باشد. (بازخورد)

تمرین ۱۲-۲: فعل امر افعال داده شده را برای ضمائر بنویسید.

| فعل | خواردن | گه‌یشتن | زانین | کردن |
|------|--------|---------|-------|------|
| تۆ | | | | |
| ئیمه | | | | |
| ئیوه | | | | |

خوب است بدانیم...

در لهجه اردلانی فعل (بوون) به معنای بایستن متفاوت از قاعده ای که گفته شد صرف می شود. در لهجه اردلانی به جای (ده‌بی) گفته می شود (ئه‌شی) و نیز به جای (ده‌بوايه) گفته می شود (ئه‌شیا).

مثال: ده‌بی بچم ← ئه‌شی بچم

نه تنها این فعل، بلکه اکثر زمان‌ها نیز با تغییری بعضاً جزئی یا کلی در این گونه همراه اند. همانطور که می دانید به طور کلی هدف اصلی ما تمرکز بر روی لهجه ای خاص نیست و بررسی تمام تغییرات در تمامی گونه های لهجه کرمانجی وسطی ، حداقل در این نسخه، جزو اهداف اصلی ما نمی باشد.

به امید آنکه بتوان در آینده به صورت مدون تری تمام گونه های این لهجه را مورد بررسی قرار داد.

درس هفدهم، افعال نهی:

به افعالی که قصد بازداشتن و نهی کردن داشته باشند، افعال نهی کننده گفته می شود. بعبارت دیگر منفی فعل امر، فعل نهی خواهد بود. برای ساختن افعال نهی کننده یک قاعده کلی به این شکل وجود دارد که پیشوند منفی کننده (مه) را با پیشوند امری (ب) جایگزین می کنیم. اما این پیشوند تنها در نهی ضمائر (تو) و (ئیوه) کاربرد داشته و برای ضمیر (ئیمه) از پیشوند (نه) استفاده می کنیم. ضمناً، شناسه ها به همان شیوه که در بخش افعال امری بحث شد به کار برده می شوند.

قاعده: (مه) یا (نه) + فعل امر بدون وند (ب)

| ضمیر | فعل نهی |
|------|--------------|
| تو | مه + فعل امر |
| ئیمه | نه + فعل امر |
| ئیوه | مه + فعل امر |

مثال: فعل (سووتاندن) ←

| |
|---------------------------|
| تو مه سووتینه (تو نسوزان) |
| ئیمه مه سووتینین |
| ئیوه مه سووتینین |

(چوون) ←

| |
|----------------------|
| تو مه چو (یعنی: نرو) |
| ئیمه نه چین |
| ئیوه مه چن |

نکته: صورت نهی افعالی که با فعل (بوون) در معنای بایستن امری شده اند تنها با منفی کردن فعل (دهبی) بوجود می آید. همان طور که شما دوستان عزیز می دانید منفی فعل (دهبی) به شکل (نابی) و فعل (دهبوایه) به صورت (نه دهبوایه) خواهد بود. در قواعدی که برای این نوع امری کردن ذکر شد، تنها کافیس (دهبی) را به (نابی) یا (دهبوایه) را به (نه دهبوایه) تبدیل کرد تا فعل معنای نهی دهد. [\(بازخورد\)](#)

مثال: دهبی بچم (باید بروم) ← نابی بچم (نباید بروم)

دهبی بکهوی ← نابی بکهوی (نباید بیفتد)

دهبی بژمیرن ← نابی بژمیرن (نباید بشمارند)

تمرین ۱۳-۲:

۱- افعال امری زیر را با فعل (بوون) در معنای بایستن امری کنید.

بهن - بشکیه - بکیلین - بهینن - بگه

مثال: بکه ← ده بی بکه ی

۲- صورت نهی افعال زیر را بنویسید. در هر کدام از افعال سعی کنید در صورت وجود، مصوت هشتم را بیابید. (به عنوان راهنمایی شناسه ها را مشخص کرده ایم تا تشخیص ضمیر آسان تر شود).

ده تیست - بمانبینیا - کیلابووتان - ده هینی - خه ریک بووم ده مگوت

مثال: بتهینابا ← از مصدر (هینان) و ضمیر تو ← بهینه

درس هجدهم:
فعل (بوون) در معنای داشتن

در اینجا قصد داریم نحوه صرف فعل (بوون) در معنای داشتن را یاد بگیریم. به طور کلی فعل (بوون) در اصل (هه‌بوون) بوده است که غالباً امروزه از گفتن بخش (هه) آن در بسیاری از زمان‌ها صرف نظر می‌شود. هر چند که همانطور که دیدیم این (هه) در برخی از زمان‌ها باز هم خود را نشان می‌دهد.

فعل (بوون) در معنای "داشتن و مالک بودن"، چه در زمان ماضی و چه در زمان حال بی‌قاعده صرف می‌شود. برای اینکه در صرف این فعل مشکلات کمتری داشته باشیم بگذارید با این فرض جلو برویم که (بوون) در معنای داشتن همان (هه‌بوون) است و از این پس فعل (هه‌بوون) را صرف کنیم.

فعل (هه‌بوون) در واقع از دو جز ساخته شده است؛ **هه + بوون**

زمان حال: اکنون نوبت زمان حال این فعل است. زمان حال این فعل کاملاً بی‌قاعده است. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمائید هیچ ردی از پیشوند استمراری (ده) دیده نمی‌شود.

| صرف زمان حال ساده | فعل (هه‌بوون) |
|-------------------|----------------|
| من هه‌مه | ئیمه هه‌مانه |
| تۆ هه‌ته | ئپوه هه‌تانه |
| ئه‌و هه‌یه | ئه‌وان هه‌یانه |

زمان گذشته ساده: همانطور که مشخص است این فعل متعدی می‌باشد و شناسه در افعال متعدی به جز اول می‌چسبد. بنابراین صرف این فعل در معنای ماضی به این صورت خواهد بود:

| صرف زمان ماضی ساده فعل | هه‌بوون |
|------------------------------|------------------------------------|
| من هه‌بوو + م ← من هه‌مبوو | ئیمه هه‌بوو + مان ← ئیمه هه‌مانبوو |
| تۆ هه‌بوو + ت ← من هه‌تبوو | ئپوه هه‌بوو + تان ← من هه‌تانبوو |
| ئه‌و هه‌بوو + ی ← من هه‌یبوو | ئه‌وان هه‌بوو + یان ← من هه‌یانبوو |

ماضی استمراری: برای ساختن زمان ماضی استمراری، پیشوند (هه) را از فعل حذف کرده و پیشوند استمراری (ده) را جایگزین آن می کنیم. یادتان باشد که شناسه به (ده) می چسبد.

| فعل هه بوون | صرف زمان ماضی استمراری |
|-------------------------------------|------------------------------|
| ئیمه ده بوو + مان ← ئیمه ده مان بوو | من ده بوو + م ← من ده م بوو |
| ئیوه ده بوو + تان ← من ده تان بوو | تو ده بوو + ت ← من ده ت بوو |
| ئهوان ده بوو + یان ← من ده یان بوو | ئهو ده بوو + ی ← من ده ی بوو |

حال التزامی: این زمان هم بی قاعده است.

| فعل هه بوون | صرف زمان ماضی استمراری |
|-----------------------------------|----------------------------|
| ئیمه ده بی + مان ← ئیمه ده مان بی | من ده بی + م ← من ده م بی |
| ئیوه ده بی + تان ← من ده تان بی | تو ده بی + ت ← من ده ت بی |
| ئهوان ده بی + یان ← من ده یان بی | ئهو ده بی + ی ← من ده ی بی |

[\(بازخورد\)](#)

فراگیر عزیز:

این فعل یکی از مشکل ترین افعال زبان کردی به لحاظ صرفی است. ما به هیچ عنوان انتظار نداریم نکاتی که در این درس و درس های قبلی در رابطه با فعل (بوون) خدمتتان عرض شد را بتوانید از همان بدو یادگیری به درستی به کار ببرید. چرا که متاسفانه در صرف این فعل در اطن کتاب به نحوی، مرجع گونه برخورد کرده ایم که در شرایط فعلی طبیعی است.

تنها توصیه ای که ما در مورد این فعل و دیگر افعال بی قاعده می توانیم داشته باشیم این است که بگذارید به تدریج و پس از چندین هفته تمرین مستمر و یادگیری زمان های مختلف آن، به آرامی در ضمیر ناخودآگاه شما جا بگیرند.

درس نوزدهم، جملات شرطی و بیان آرزو:

جملات شرطی: به جملاتی که در آن بیان شرطی صورت گرفته باشد جملات شرطی گویند. در جملات شرطی غالباً از کلمه «نه‌گه» (اگر) استفاده می‌شود.

دو زمان شرطی داریم: شرط گذشته و شرطی حال.

| |
|---|
| <p>شرطی گذشته ← کلمه شرطی + ماضی التزامی + فعل ماضی استمراری</p> <p>مثلاً: نه‌گه بمبینیا پیم ده‌گوت (اگر می دیدمش، بهش می گفتم)</p> <p>منفی شرطی حال: نه‌گه نه‌لیم، خۆت ئالۆز ده‌که‌ی (اگر نگویم، نگران می شوی)</p> |
| <p>شرطی حال ← کلمه شرطی + حال التزامی + حال ساده</p> <p>مثال: نه‌گه ببه‌ی، ده‌چم (اگر ببری، می روم)</p> <p>نه‌گه نه‌چووبام ، نه‌ده‌هاتی (اگر نمی رفتم، نمی امدی)</p> |

نکته: هنگامی که جزء دوم جمله یعنی (فعل ماضی استمراری در جملات شرطی گذشته) و (حال ساده در جملات شرطی حال) محذوف شوند، بیشتر معنای آرزو و امید را به دنبال دارد. لحن در ایجاد این معنا بسیار موثر است.

مثال: نه‌گه **بخوینی** (اگر بخوانی،.....)

نه‌گه **داسه‌پینه‌ر بی‌زانیبا...** (اگر ظالم می دانست،....)

جملات بیان آرزو: در جملاتی که برای بیان آرزو استفاده می‌شود از کلماتی چون: **بریا** (کاش)، **خۆزگا** (کاش)، **داخولا** (احتمالاً)، **به‌شکه‌م** (شاید)، **به‌لکه‌م** (تا بلکه) و... دیده می‌شوند.

مثال: **بریا مروّف بی‌زانیبا ژیان کورته** (ای کاش انسان می دانست زندگی کوتاه است)

کلمات بیان شرط در جملات شرطی به هیچ عنوان تغییر نمی‌کنند و هیچ‌و ندی را نمی‌توان به آنها متصل نمود.

خوب است بدانیم...

ادبیات به خصوص در حوزه شعر از دیرباز یکی از زمینه های مورد توجه و پر طرفدار کردها به شمار می رفته است. هر چند که متاسفانه آثار منظوم یا منثور چندانی از گذشتگان دور در دست نداریم اما آثار هنری و ادبی که در سده اخیر در حوزه ادبیات کردی خلق شده اند، حیاتی نو و آینده ای روشن را برای زبان کردی به لحاظ ادبی به ارمغان آورده اند.

در اینجا قصد داریم از شعری متناسب با موضوع درس نوزدهم استفاده کنیم. از آنجایی که آنچه ذکر خواهد شد از اشعار ناب ادبیات کردی به شمار می رود لذا جسارت ترجمه کردن را به خود نمی دهیم. امیدواریم تا بدین جا به حدی رسیده باشید که متون کردی را درک کنید.

«تیریژ که به رۆژ و پیل به ده‌ریا دریا

لهو رۆژهوه گول پیکه‌نی، بولبول گریا

خوا نووسی له چاره‌ی ره‌شی ئیمه‌ش به‌شمان

ژینیکی هه‌ژاری، پر له خوژیا و بریا»

«گریا گولئ ، بۆ گولاو سه‌ر ئاگر نریا

ئهم بۆن و به‌رامه‌یه‌م نه‌بووبا بریا

نرخ‌ی هونه‌ر و جوانییه‌ ده‌یا گه‌ردوون

کئ پیکه‌نی جارئکی، هه‌زار جار گریا»

درس بیستم، افعال مرکب:

تا بحال هر آنچه را در مورد افعال بیان کرده ایم مربوط به افعال ساده بوده است. افعالی که غالباً تک جزئی بودند. برای افزایش فعل ها و به طبع معانی، از پیشوند هایی استفاده می شود که معنای جدیدی به افعال می بخشند. به افعالی که بیشتر از یک جز باشند افعال مرکب یا چند جزئی گویند.

صرف این افعال به هیچ وجه با آنچه تا بحال بیان شده است متفاوت نیست؛ تنها به دو نکته توجه داشته باشید.

اولاً: اینکه پیشوند های فعلی بر تمام پیشوندهای دیگر مقدم هستند و همیشه در ابتدای فعل قرار می گیرند. سایر پیشوندها، مانند (ده) یا (نه) بعد از آن ها و طبق قواعد مخصوصشان به کار برده می شوند.

ثانیاً: همان طور که می دانید مکان شناسه در برخی زمان های افعال متعدی به اولین جز فعل منتقل می شد؛ بنابراین در افعال مرکب، اگر قرار باشد شناسه به اولین جز منتقل شود، به پیشوند فعلی متصل خواهد شد.

| پیشوندها | معناهایی که غالباً به فعل می دهند. |
|----------|---|
| را - | بلند کردن، بالا بردن |
| هه - | بلند کردن، به جهت بالا کشیدن، انجام فعل در جهت پایین |
| دا - | به سمت پایین کشیدن، قرار دادن، انجام فعل در جهت پایین |
| دهر - | بیرون کردن، خارج نمودن، انجام فعل به جهت بیرون |
| وهر - | باز گرداندن، گرفتن |
| بهر - | جلوگیری کردن، انجام فعل به جهت جلو |
| تی - | داخل، درون، انجام فعل در جهت داخل |

پیشوندهای معمول فعل در زبان کردی عبارتند از:

وئ، پی، سهر، بهر، راه، هه، دا، دهر، وهر، تی، وهر

باید توجه داشت که استفاده از این پیشوندها برای تمام افعال به کار برده نمی شود و هیچ قاعده ای نیز برای استفاده از آنها موجود نیست. تنها برای پی بردن به معنای برخی از افعال، دانستن معناهایی که در جدول ذکر شده است، می تواند راه گشا باشد. در ادامه چند فعل پرکاربرد را نیز به عنوان نمونه آورده ایم.

نکته: به لحاظ املائی پیشوند فعلی با اصل فعل متصل می شود و جز اصلی آن به شمار می رود.

[\(بازخورد\)](#)

| پیشوندها | فعل گرفتن (گرفتن) | معنا |
|----------|-------------------|----------------------|
| را- | راگرتن | شامل شدن، پوشاندن |
| هه‌ل- | هه‌لگرتن | بلند کردن |
| دا- | داگرتن | پایین آوردن |
| وهر- | وهرگرتن | دریافت نمودن |
| بهر- | به‌رگرتن | جلوگیری کردن |
| تی- | تیگرتن | تیراندازی و هدف گیری |
| سه‌ر- | سه‌رگرتن | انجام شدن |

| پیشوندها | فعل کهوتن (افتادن) | معنا |
|----------|--------------------|---------------------|
| دا- | داکهوتن | افتادن به پایین |
| هه‌ل- | هه‌لکهوتن | سرآمد شدن |
| دهر- | دهرکهوتن | بارز شدن، هویدا شدن |
| تی- | تیکهوتن | داخل چیزی افتادن |
| سه‌ر- | سه‌کهوتن | پیروز و موفق شدن |
| وی- | ویکهوتن | به چیزی خوردن |

| پیشوندها | فعل کردن (انجام دادن) | معنا |
|----------|-----------------------|-----------------------------------|
| را- | راکردن | فرار کردن |
| هه‌ل- | هه‌لکردن | افروختن، روشن کردن، گذراندن زندگی |
| دا- | داکردن | ریختن (مایعات، حبوبات) |
| دهر- | دهرکردن | بیرون راندن |
| به‌ر- | به‌رکردن | حفظ نمودن |
| تی- | تیکردن | داخل چیزی ریختن ، داخل چیزی کردن |

درس بیست و یکم:

افعال بی قاعده

افعال بی قاعده همه در زمان حال بی قاعده هستند و در زمان های گذشته طبق قواعد صرف می شوند. با بیشتر آنها در تمرین آشنا شده ایم. به متعدی یا لازم بودن این افعال دقت بفرمائید.

• فعل گوتن (به معنای گفتن):

| حال ساده گوتن | |
|---------------|-------|
| من | دهلیم |
| تو | دهلی |
| ئهو | دهلی |
| امر گوتن | |
| تو بلی | ئیمه |
| | ئیوه |

• فعل هاتن (به معنای آمدن):

| حال ساده هاتن | |
|---------------|----------|
| من دیم | ئیمه دین |
| تو دی | ئیوه دین |
| ئهو دی | ئهو دین |
| امر هاتن | |
| تو وهره | ئیمه بین |
| | ئیوه ورن |

• فعل دان (به معنای دادن):

| حال ساده دان | |
|--------------|-------|
| من | دهدهم |
| تو | دهدهی |
| ئهو | دهدا |

به عنوان تمرین می توانید خودتان طبق قاعده این فعل را نیز امری کنید. [\(بازخورد\)](#)

- فعل مان: به معنای (ماندن).

| حال ساده مان | |
|--------------|---------|
| من | دهمینم |
| تو | دهمی |
| ئهو | دهمی |
| ئیمه | دهمینین |
| ئیوه | دهمین |
| ئهوان | دهمینن |

خوب است بدانیم...

مصدر (گوتن) در بیشتر مناطقی که به لهجه کرمانجی وسطی صحبت می کنند به صورت (وتن) صرف می شود. به علاوه این فعل در گونه اردلانی در زمان حال، متفاوت با آنچه گفته شد صرف می شود:

| حال ساده گوتن | |
|---------------|------------|
| من | ئه یژم |
| تو | ئه یژی |
| ئهو | ئه یژی |
| امر گوتن | |
| تو بیژه | ئیمه بیژین |
| | ئیوه بیژن |

نکته ای که به نظر خودم بسیار جالب بود این است که در لهجه کرمانجی شمالی، که هیچ ارتباط جغرافیایی با منطقه اردلان نشین در حال حاضر ندارد، این فعل نیز تقریباً به همین صورت صرف می شود. در گونه اردلانی از این دست لغات که عیناً در لهجه کرمانجی شمالی نیز وجود دارد به نسبت دیگر گونه ها، بسیار دیده می شود؛ صرف نظر از اینکه تمام لهجه ها هم ریشه اند. همین امر موجب تقویت فرضیه ای می شود که بنا به آن ساکنان منطقه اردلان نشین را به عنوان کردهایی می شناساند که در چندین قرن گذشته از شمال کردستان به آن منطقه کوچ کرده اند.

درس بیست و دوم، آینده نزدیک:

اگر تا بحال دقت کرده باشید در مورد زمان آینده در لهجه کرمانجی وسطی صحبتی به میان نیاورده ایم. این بدان دلیل است که بر خلاف لهجه کرمانجی شمالی، در لهجه کرمانجی وسطی عموماً زمانی خاص دال بر زمان آینده وجود ندارد. با این وجود می توان از دو طریق مفهوم آینده بودن را به افعال بخشید:

• استفاده از قیود زمان و فعل حال ساده:

مثال: به یانی ده چم (صبح خواهیم رفت): فعل این جمله به دلیل وجود قید زمان، مفهوم آینده را دارد.

هاوین ده خوینم (تابستان خواهیم خواند)

• صرف فعل در زمان آینده نزدیک:

علاوه بر استفاده از قیود مربوط به زمان آینده، می توانیم در زبان کردی زمان آینده نزدیک را نیز داشته باشیم. این فعل در زبان فارسی به طور دقیق معادلی ندارد؛ هرچند که در زبان فرانسه برای این زمان معادل دقیقی وجود دارد (در زبان فرانسه به این فعل *Le futur proche* گفته می شود).

برای ساخت این زمان از افعال به این صورت عمل می کنیم که فعل (خهریک بوون) در زمان حال را با زمان حال التزامی فعل اصلی، متناسب با ضمیر داده شده صرف می کنیم. به مثال های زیر دقت کنید:

ئه و خهریکه بیسووتینی ← چیزی نمانده است بسوزاند

من خهریکم بکهوم! ← همین حالا است که بیفتم!

قاعده ← فعل خهریک بوون + فعل حال التزامی

خوب است بدانیم...

در صورتی که در قاعده بالا به جای حال التزامی از گذشته التزامی استفاده کنیم زمانی جدید به وجود می آید. در واقع ترکیب (خهریک بوون + ماضی التزامی) معنای تقریب در رخداد فعلی در گذشته را دارد. مثال:

من خهریک بووم بکهوم ← چیزی نمانده بود بیفتم

ئه وان خهریک بوون بیلین ← نزدیک بود بگویند

این فعل معادل افعال (کاد . اوشک و ...) در زبان عربی است.

نحو در زبان کردی

فصل چهارم:

اهداف درازمدت این فصل:

- آشنایی با اجزا و ساختار جملات کردی
- تشخیص تغییراتی که بر سر ضمایر می آید
- تمییز نقش اجزا
- مهیا نمودن بستری برای سلیس سخن گفتن به زبان کردی

فراگیر محترم:

در ابتدا عزم بر آن بود که این فصل از کتاب را به دلیل نارسائی های زیادی که دارد همانند بسیاری دیگر از مطالب، در این نسخه درج نکرد. چراکه برای نیل به اهداف دراز مدتی که بیان شده است، به مطالب وسیع تر و مستندتری نیاز است. با این وجود هر هدفی، نقطه شروعی نیز دارد. لذا تصمیم گرفتیم این بخش را نیز در کتاب لحاظ کنیم تا بلکه خوانندگان عزیز و صاحب نظران محترم نسبت به نحوه شکل بندی کلی کتاب آشنا باشند.

درس بیست و سوم، معرفه و نکره:

به طور کلی در لهجه‌ی کرمانجی وسطی زبان کردی، بر خلاف لهجه‌ی کرمانجی شمال، جنسیت مطرح نیست و برای جنسیت‌های مؤنث و مذکر یک قاعده واحد وجود دارد. ما در این درس قصد داریم مقوله اسم در لهجه کرمانجی وسطی را از دو نقطه نظر متفاوت اما مهم مورد بررسی قرار دهیم:

- نکره و معرفه بودن
- جمع و مفرد بودن

معرفه و نکره بودن (معین/نامعین):

اسم "معرفه یا معین" به اسمی گفته می‌شود که برای اجزا جمله آشنا و شناخته شده باشد. به طور مثال در جمله فارسی "من کتاب را خریدم"، کلمه "کتاب" برای ما آشنا است و منظور کتابی خاص است. لذا کتاب در اینجا معرفه است.

در زبان کردی برای اینکه صورت معرفه یا نکره اسمی را داشته باشیم، می‌توان با الحاق وندهای ویژه‌ای به انتهای اسامی، خاصیت معرفه یا نکره بودن را در اسامی بوجود آورد. به مثال‌های زیر دقت فرمائید.

| معرفه | نکره |
|-----------------|----------------|
| پیاوه‌که (مرد) | پیاویک (مردی) |
| ژنه‌که (زن) | ژنیک (زنی) |
| ولاته‌که (کشور) | ولاتیک (کشوری) |

به نظر شما وجه مشترک اسامی معرفه یا نکره چیست؟!

برای معرفه نمودن یک اسم می‌توان وند (ه‌که) را به انتهای اسامی افزود. در صورتی که آن اسم خود به مصوت (ا) ختم شود تنها (که) به آن متصل می‌شود و نخستین مصوت (ه) وند (ه‌که) محذوف و به (که) تبدیل می‌گردد.

مثال:

| اسامی منتهی به صامت | اسامی منتهی به مصوت |
|-----------------------------|-------------------------------|
| مال + ه‌که ← ماله‌که (خانه) | زه‌ریا + که ← زه‌ریاکه (دریا) |
| ژن + ه‌که ← ژنه‌که (زن) | ئاسۆ + که ← ئاسۆکه (افق) |

همانطور که می‌دانید صورت معرفه اسم در زبان فارسی، برخلاف زبان کردی، بدون نشانه است.

و اما برای ساخت صورت نکره اسامی باید به حرف پایانی اسم دقت نمود. اگر اسمی به صامت ختم شده باشد، برای ساختن نکره آن، وند (یک) را به انتهای آن می افزائیم. در غیر این صورت از اتصال وند (یهک) به انتهای آنها، برای ساختن نکره استفاده می کنیم.

مثال:

| اسامی منتهی به صامت | اسامی منتهی به مصوت |
|----------------------------|---------------------------------|
| مال + یک ← مالیک (خانه ای) | زهریا + یهک ← زهریایهک (دریایی) |
| ژن + یک ← ژنیک (زنی) | ئاسۆ + یهک ← ئاسۆیهک (افقی) |

تمرین ۱-۳: کلمات جدول مقابل را به خاطر بسپارید؛

سپس حالت نکره و معرفه آنها را بنویسید.

| نکره | معرفه | فارسی | کردی |
|------|-------|-------------|-------|
| | | زن | ژن |
| | | مرد | پیاو |
| | | دریا | زهریا |
| | | افق | ئاسۆ |
| | | کوه | کیو |
| | | خانه | مال |
| | | کشور، منطقه | ولات |
| | | راه | ریگا |

خوب است بدانیم...

جالب است بدانیم در زبان های عربی، انگلیسی و فرانسه نیز اسامی معرفه و نکره همانند زبان کردی نشاندار هستند. به عبارتی برای ساخت اسم های معرفه در این زبان ها نیز از علائم و قواعد خاصی استفاده می شود. در جدول زیر معادل های اسم های معرفه و نکره کردی را با زبان های مذکور می توانید مشاهده نماید. این جدول برای آن دسته از فراگیرانی که به حداقل یکی از این زبان ها مسلط هستند می تواند بسیار مفید باشد.

| کردی | فرانسه | انگلیسی | فارسی | عربی |
|-----------|------------|------------|---------|--------|
| ماله که | la maison | the house | خانه | الدار |
| منداله که | l'enfant | the child | بچه | الطفل |
| گوله که | la fleur | the flower | گل | الوردة |
| مالیک | une maison | a house | خانه ای | دار |
| مندالیک | un enfant | a child | بچه ای | طفل |
| گولیک | une fleur | a flower | گلی | وردة |

درس بیست و چهارم، جمع و مفرد:

در درس قبلی با صورت معرفه و نکره اسم های کردی آشنا شدیم. در این درس قصد داریم در مورد بحث اصلی دیگر اسم، یعنی مفرد یا جمع بودن آن صحبت کنیم.

به طور کلی اسامی در حالت پایه، یعنی بدون هیچ وندی، به صورت مفرد بیان می شوند. یعنی آنچه ما به عنوان اسم و بدون هیچ علامتی می شناسیم مفرد است. لذا تشخیص اینکه اسمی مفرد است بسیار ساده می باشد. اما صورت جمع اسامی، از اتصال **وند (ان)** به انتهای آنها ساخته می شود.

مثال: مال (خانه، مفرد) ← مالان (خانه ها، جمع) ژن (زن، مفرد) ← ژنان (ژنان، جمع)

نکته مهم: اگر اسمی به مصوتی به جز (ی) ختم شود، میان آن مصوت و وند جمع ساز (ان) یک (ی) به عنوان میانجی ظاهر می گردد. یعنی در چنین اسم هایی وند جمع ساز **(یان)** خواهد بود. به مثال های زیر به دقت توجه فرمائید.

| |
|---|
| ئاسۆ ← منتهی به مصوتی به جز (ی) است پس ← ئاسۆ + ی + ان ← ئاسۆیان (افق ها) |
| ریگا ← منتهی به مصوتی به جز (ی) است پس ← ریگا + ی + ان ← ریگیان (راه ها) |
| پیاوته (مردانگی) منتهی به مصوت (ی) است پس ← پیاوته ————— یان (مردانگی ها) |

اما این قاعده برای زمانی است که اسم هیچ وند دیگری در انتهای خود نداشته باشد.

همان طور که یادمان هست، اسامی که معرفه بودند به وند **(ه که)** یا **(که)** ختم می شدند. حال اگر بخواهیم اسمی معرفه را جمع کنیم، از اتفاق این دو وند پایانی تغییراتی بوجود می آید. به نمونه های زیر توجه کنید.

مثال: ژن ← به صورت معرفه ← ژنه که ← برای ساختن جمع ← ژنه که + ان ← ژنه کهان

چند بار اسم معرفه جمع مثال بالا را برای خود تکرار کنید. به نظر شما تلفظ **(ژنه کهان)** چه تغییری می کند؟

همان طور که در مطالب قبلی بحث شد در زبان کردی، برخی از مصوت ها نمی توانند با هم تلفظ شوند. از این اتفاق مصوت ها، در بخش های قبل نیز چند نمونه داشتیم که برای هر کدام از آنها قاعده ای متفاوت ارائه شده است. به طور کلی در اسم ها، از به هم پیوستن مصوت (ه) در انتهای وند معرفه و مصوت (ا) در ابتدای وند جمع، مصوت (ه) حذف شده و تنها مصوت (ا) می ماند. پس می توان این قاعده را ارائه کرد:

قاعده جمع اسم های معرفه: **که (وند معرفه) + ان (وند جمع) ← کان**

لذا **(ژنه کهان)** به صورت **(ژنه کان)** صحیح می باشد.

حال نوبت اسم های نکره است؛ برای ساختن حالت جمع اسم های نکره کافیسیت ابتدا اسم را در حالت پایه و بدون هیچ نشانه ای با نشانه (ان) به حالت جمع در آورده و سپس نشانه نکره (یک) را به انتهای آن بچسبانیم.

قاعده جمع اسم های نکره: **اسم + ان(وند جمع) + یک(وند نکره) ← اسم + انیک**

مثال: کیو(کوه) ← کیو+ ان ← کیوان + یک ← کیوانیک

به لحاظ املائی نیز به یاد داشته باشید که تمام اجزای معرفه/نکره ساز و نشانه های جمع/مفرد سر هم و کنار هم نوشته می شوند.

توجه: تمام نکاتی که در مورد تغییرات وند (ان) در هنگام اتصال برخی از حروف بیان شد، در این جا نیز برقرار است.

مثال: ریگا + ان ← اسم ریگا در اصل منتهی است به مصوت ← ریگا + ی+ان + یک ← ریگیانیک

همانطور که می بینید نمی توانیم با قاطعیت تمام مکان مشخصی برای نشانه جمع (ان) بیابیم. لذا پیشنهاد می کنیم در استفاده از نشانه ها، در دیگر جاها نیز به همین صورت محتاط و با اطلاعات قبلی عمل کنید.

تمرین ۲-۳:

۱- اسم های نکره را به معرفه و اسم ها معرفه را به نکره تبدیل کنید:

زهریایان - ولاته کان - ریگه که - مالان - ناسویه ک

۲- جاهای خالی را در متن زیر با اسم های مناسب پر کنید:

کلمات قابل استفاده: زنان - پیوان - ژنه کان - مرؤفه کان - ژن - پیاو

«کومه لگای پیشکه و توو، کومه لگایه که که مافی ————— و پیاو که کان له یک ئاست ده پارئیزی. له م کومه لگایانه دا ————— ده توانن هر و ه کوو ————— له ته وای بواره کانی ئابووری، کولتووری، کومه له یاتی و... به شدار بن و دنگ و رای خوئیان به گوی دیکه ی ————— رابگه یینن. ئیمه ش به هیوای خولقاندنی جه ماوه ریگین که به ————— و ————— وه کوو یه ک چاو بگردری و هه مووان وه کوو مرؤف ریژ بگردری.»

درس بیست و پنجم، ترکیبات اضافی و وصفی:

ترکیب اضافی: معمولاً هنگامی که از بحث اضافه در اسم سخن به میان می‌آید، فوراً ذهنمان مضاف و مضاف‌الیه را به یاد می‌آورد. در واقع هنگامی که دو اسم با هم ترکیب می‌شوند، یک ترکیب اضافی را بوجود می‌آورند که به اسم اول مضاف و به اسم دوم مضاف الیه گفته می‌شود. برای ساخت ترکیب اضافی این گونه عمل می‌شود که، به انتهای مضاف مصوت (ی) را اضافه می‌کنیم و مضاف الیه را بدون تغییر باقی می‌گذاریم.

قاعده ترکیب اضافی: **اسم + ی + اسم**

مثال: ژنی + ی + رووناکبیر = ژنی رووناکبیر (زن روشنفکر)

رووناکبیری + ی + ژن = رووناکبیری ژن (روشنفکری زن)

نکته: اگر اسم اول یعنی مضاف خود به (ی) ختم شود، دیگر نیازی به استفاده از (ی) ترکیب اضافی نیست.

ترکیب وصفی: ابتدا بگذارید صفت را تعریف کنیم. صفت به کلمه‌ای گفته می‌شود که در بردارنده‌ی توضیح و وصفی باشد. در واقع صفت حالت یک شی یا شخص را بیان می‌کند و حال اینکه اسم تنها نشانی و آدرس چیزی را انتقال می‌دهد؛ دانستن معنای کلمات، برای تمییز صفت از اسم ضروری است. به اسمی که وصف می‌شود، موصوف گوئیم.

تفاوت ترکیب وصفی با ترکیب اضافی این است که در ترکیب وصفی به جای اسم دوم، از صفت استفاده می‌شود؛ به عبارتی اگر یک اسم را با یک صفت ترکیب کرد به یک ترکیب وصفی خواهیم رسید. لازم به ذکر است که در ترکیب وصفی، موصوف مقدم بر صفت است و تنها با اضافه کردن یک مصوت (ی) به انتهای اسم می‌توان به ترکیب وصفی رسید.

قاعده ترکیب وصفی: **اسم + ی + صفت**

مثال: ناوی خاوین (آب پاکیزه) ؛ ئاسوی رووناک (افق روشن) ؛ زهریای مه‌زن (دریای بزرگ)

تمرین ۳-۳:

معادل ترکیبات زیر را به فارسی/کوردی بنویسید:

زبان اصیل : ژیانیکی نوی: افق پیروزی:

(راهنمایی: اصیل: ره‌سهن ؛ پیروزی: سه‌رکه‌وتن)

درس بیست و ششم، صفات تفضیلی و عالی:

صفت تفضیلی: این صفت برای بیان برتری اسمی نسبت به اسمی دیگر به کاربرد برده می‌شود. در زبان کردی همانند زبان فارسی، برای ساختن صفت تفضیلی می‌توانوند (تر : **تـ** / **تـ** را) را به انتهای صفت‌ها افزود. به رعایت مصوت هشتم موجود در این وند دقت فرمائید. قاعده صفت تفضیلی: **صفت + تر**

مثال: جوان (زیبا) + **تر** ← جوانتر (زیبا تر)

روون (روشن) + **تر** ← روونتر (روشن تر)

صفت عالی: برای برتری دادن کلی یک اسم به نسبت تمام اسم‌های دیگر، از صفت عالی استفاده می‌شود که بوسیله وند (ترین : **تـ** / **تـ** را) و اتصال آن به انتهای صفات ساخته می‌شود. قاعده: **صفت + ترین**

مثال: جوان + **ترین** ← جوانترین (زیباترین)

روون + **ترین** ← روونترین (روشن ترین)

نکته ۱: در صورتی که موصوف نکره، معرفه، جمع و مفرد و هر خصوصیت دیگری داشته باشد، صفت باز هم ثابت است و همان حالت مفرد را دارد و تغییری نمی‌کند.

مثال: ژنی وریا (زن آگاه) ← ژنانی وریا (زنان آگاه)

نکته ۲: در ترکیب‌های اضافی، اسمی می‌توانند هم نکره و هم معرفه باشد؛ در واقع نکره یا معرفه بودن هیچ تغییری در قاعده‌ها بوجود نمی‌آورند.

مثال: مالی خزم (خانه‌ی فامیل) ← ماله‌که‌ی خزم (خانه‌ی معرفه‌ی فامیل) ← مالیکی خزم (خانه‌ی نکره‌ی فامیل)

نکته ۳: هنگامی که به یک اسم، هم صفت و هم اسم متصل می‌شود (بعبارتی دیگر، زمانی که یک ترکیب وصفی و اضافی را با هم داریم)، صفت بر اسم (مضاف الیه) مقدم است.

مثال: مالی من (خانه من) ← (خانه‌ی زیبای من) ←

مال (مضاف) + **ی** + جوان (صفت) + **ی** + من (مضاف الیه) ← مالی جوانی من

همان طور که در مثال بالا ملاحظه فرمودید، رعایت مصوت (ی) در بین صفت و اسم یا اسم و اسم، الزامی است.

خوب است بدانیم...

همانطور که می دانید، نشانه (ان) را به عنوان نشانه جمع در زبان کردی معرفی کردیم. این نشانه تقریباً در تمام گونه های کرمانجی وسطی به همین صورت استفاده می شود. اما همواره استثناهایی وجود دارد.

در لهجه اردلانی معمولاً در بیشتر مواقع، از نشانه دیگری به عنوان نشانه جمع استفاده می شود و آن نشانه (گهل) است. این نشانه در ترکیب با صامت ها و مصوت ها به همین شکل باقی می ماند و هیچ تغییری رخ نخواهد داد.

نکته بسیار جالبی که وجود دارد این است که این نشانه (گهل) در برخی مناطق موکریان نیز استفاده می شود؛ اما با دامنه استفاده بسیار کوچک تر. در این منطقه از نشانه (گهل) برای جمع بستن اسامی معدودی از حیوانات استفاده می شود.

در منطقه موکریان:

جمع (سهگ) ← سهگ + گهل ← سهگهل (یکی از "گ" ها حذف می شود)

جمع (گا) ← گا + گهل ← گاگهل

در منطقه اردلانی:

مال + گهل ← مالگهل

باخ + گهل ← باخگهل

به علاوه در لهجه کرمانجی شمالی نیز (گهل) به معنای (بسیار ، زیاد) وجود دارد.

درس بیست و هفتم، حروف اضافه:

حروف اضافه به حروفی گفته می‌شوند که موجب ارتباط کلمات با هم می‌شود و به تکمیل ساختار جمله کمک می‌کند.

حروف ربطی: مهم‌ترین حروف ربطی در زبان کردی عبارتند از:

له (در ، از) ، له‌گه‌ل (با، به همراه) ، بی (بدون) ، لی (از) ، وه (و) ، یان (یا) ، وه‌کوو (مانند، بعنوان) ، هه‌تا (تا)

این حروف همانطور که از معنایشان پیداست برای اتصال بخش‌های مختلف یک جمله به کار برده می‌شود.

مثال: من و بابم و دایکم چووین

من له‌گه‌ل باب و دایکم چووم

من بی باب و دایکم ناچم

نکته در مورد حرف ربط "و": در نوشتار حرف ربط « وه » را معمولاً به صورت «و» می‌نویسند؛ نکته‌ای که در مورد تلفظ آن موجود است این است که هنگامی که حرف ربط «وه» به کلمه‌ایی که به صامت ختم شده است می‌رسد به صورت «وو» تلفظ می‌شود؛ اما در صورتی که آن کلمه به مصوت ختم شده باشد، صامت (و) عادی تلفظ می‌شود.

مثال: ریک و پیک ← /ریکوو پیک / کازیوه و سروشت ← /کازیوه و سروشت /

درس بیست و هشتم، اعداد:

اعداد انواع مختلفی دارند که در این درس قصد داریم با آنها آشنا شویم.

- **اعداد طبیعی**، همان عددهایی هستند که در شمارش عادی به کار برده می شوند. در جدول زیر می توانید این اعداد را مشاهده فرمایید.

| حروفی | عدد | حروفی | عدد | حروفی | عدد | حروفی | عدد | حروفی | عدد |
|-------|-----|-----------|-----|------------|-----|-----------------|-----|-------------------|---------|
| سیفر | 0 | یازده | 11 | بیست و دو | 22 | هفتاد و یک | 71 | هزار | 1000 |
| یک | 1 | دوازده | 12 | بیست و سه | 23 | هشتاد | 80 | دو هزار | 2000 |
| دو | 2 | سیزده | 13 | سی | 30 | هشتاد و یک | 81 | هزار و یک | 1001 |
| سه | 3 | چهارده | 14 | سی و یک | 31 | نود | 90 | هزار و سه | 1100 |
| چهار | 4 | پانزده | 15 | چهل | 40 | نود و یک | 91 | هزار و پنجاه و سه | 1506 |
| پنج | 5 | شانزده | 16 | چهل و یک | 41 | سصد | 100 | سیصد هزار | 60000 |
| شش | 6 | هفده | 17 | پنجاه | 50 | سصد و یک | 100 | میلیون | 1000000 |
| هفت | 7 | هجده | 18 | پنجاه و یک | 51 | سصد و بیست | 120 | | |
| هشت | 8 | نوزده | 19 | شصت | 60 | سصد و بیست و یک | 121 | | |
| نُه | 9 | بیست | 20 | شصت و یک | 61 | دو سصد | 200 | | |
| ده | 10 | بیست و یک | 21 | هفتاد | 70 | سی و سه | 300 | | |

در زبان کردی اعداد همواره قبل از معدودشان به کار برده می شوند و نیازی نیست که معدود و عدد از نظر تعداد با هم مطابقت داشته باشند. بلکه معدود همواره مفرد است.

مثال: دوو مال (دو خانه) ؛ هزار ریگا (هزار راه)

اعداد ترتیبی: برای ساختن اعداد ترتیبی کافی است پسوند (هـ) را به انتهای اعداد طبیعی افزود. اگر عدد طبیعی خود به مصوت ختم شده باشد، لازم است صامت (ه) به عنوان میانجی میان مصوت انتهایی عدد و صامت (م) قرار گیرد، یعنی (هـهـم). به مثال‌های زیر توجه کنید:

| | |
|----------|---------------|
| سه‌تهـم | یه‌کهـم (یکم) |
| ههزارهـم | دووههـم (دوم) |
| پینجهـم | سیههـم (سوم) |
| حه‌وتهـم | شه‌شهـم (ششم) |
| نوههـم | هه‌شتهـم |
| یازدههـم | دهههـم |

اعداد کسری: در این نوع اعداد، صورت کسر به صورت عدد طبیعی و مخرج آن به صورت عدد ترتیبی بیان می‌شود.

$$\frac{1}{3} : \text{یه‌ک سیههـم} \quad , \quad \frac{4}{6} : \text{چوار شه‌شهـم}$$

نکته: به ازای برخی از واحدها، اسم‌های ویژه‌ای وجود دارد که بد نیست با آن‌ها نیز آشنا شوید.

$$\text{چاره‌ک} : \frac{1}{4} \quad \text{نیو} : \frac{1}{2}$$

$$\text{مثال: یه‌کونیو} \left(1 + \frac{1}{2}\right) ; \quad \text{چوارو چاره‌ک} \left(\frac{1}{4} + 4\right)$$

اعداد درصدی: همانطور که از خود کلمه‌ی درصد مشخص است، یعنی یک میزان در مقدار صد. معادل درصد در زبان کردی (له سته) است.

$$\text{مثال } 40\% \text{ چل له سته (چهل در صد)} \quad 36\% \text{ سی و شش له سته (سی و شش در صد)}$$

اصطلاحات توزیعی: برای ساختن اصطلاحات توزیعی کفایت یک عدد طبیعی را دوبار پشت سر هم آورد.

$$\text{مثال: یه‌ک یه‌ک} \leftarrow \text{یکی یکی} ; \quad \text{دوو دوو} \leftarrow \text{دو دو} ; \quad \text{چوار چوار} \leftarrow \text{چهار چهار}$$

$$\text{ههزار ههزار} \leftarrow \text{هزار هزار}$$

درس بیست و نهم، سوالی نمودن:

برای سوالی نمودن جملات از چند کلمه‌ی پرسشی کلیدی باید استفاده کرد.

| کلمه سوالی | معنا | مثال کردی | ترجمه مثال |
|---------------|-------|--|---------------------------------|
| که‌ی ، که‌نگی | کی | که‌نگی/که‌ی دیته‌وه؟ | گی برمیگردی؟ |
| چهند | چند | چهند جار پیت بلیم؟ | چندبار بهت بگویم؟ |
| کی | کی | کی له‌گه‌لت قسه ده‌کا؟ | کی باهات حرف می‌زنه؟ |
| کوی | کجا | بو کوی ده‌گهریته‌وه؟ | به کجا برمی‌گردی؟ |
| کیهه/کام | کدام | کیهه ریگابه‌ک بو‌ئه‌وییه ده‌چی؟ | کدام راه به آنجا می‌رود؟ |
| چون | چطور | چون به‌خته‌وه‌رانه بژیم؟ | چگونه با خوشبختی زندگی کنم؟ |
| آیا | آیا | آیا که‌سیک ده‌توانی ولامی من بداته‌وه؟ | آیا کسی می‌تواند پاسخ مرا بدهد؟ |
| چی | چی/چه | چی ده‌که‌ی؟ | (خوتان ترجمه کنید) |
| بوچی | چرا | بوچی لیم زیزی؟ | چرا از من ناراحتی؟ |

رعایت لحن سوالی در این گونه جملات بسیار مهم است. لحن سوالی در زبان کردی تقریباً با لحن سوالی زبان فارسی شبیه است.

نکته ۱: معمولاً در جملات سوالی (بوچی)، (چی) حذف می‌شود (بو)، خود با رعایت لحن سوالی معنای چرا را می‌دهد. توجه کنید که این (بو) استفهامیست و با کلمه (بو) در معنای (برای، به) متفاوت است.

مثال: بو نه‌هاتی؟ (چرا نیامدی؟)

درس سی ام، اسامی صوت:

بدون شک تا بحال برای وصف صداها از اسم هایی استفاده کرده اید؛ برای مثال در زبان فارسی گفته می شود "تق تق در". این گونه اسم ها را اسامی صوت می نامند که در زبان کردی جایگاه ویژه ای دارند.

اسامی صوت در حالت عادی از دو جز تشکیل می شوند: بن صوت + مصوت "ه".

مثال: قیژ + مصوت (ه) ← قیژه (صدای جیغ)

واقعیت این است که بن های صوت خود اجزایی معنی دار بوده اند که برخی از آن ها به مرور زمان کاربرد قبلیشان را از دست داده اند و تنها به صورت صوت در میان مردم شناخته شده اند. برای نمونه اسم صوت "خره" را در نظر بگیرید. طبق قاعده بن صوت این اسم "خرپ" است. اما امروزه در زبان کردی هیچ کاربرد دیگری برای بن صوت "خرپ" وجود ندارد؛ هرچند که اسم های صوتی هم وجود دارند که بن صوتشان هنوز کاربردهای دیگری نیز دارند. برای مثال اسم صوت "بۆره" که قاعدتا بن صوتش "بۆر" است، کاربرد فعلی نیز دارد و به صورت فعل "بۆران" مورد استفاده قرار می گیرد. پس در کل چنان تصویری نسبت به تمامی اسم های صوت نداشته باشید که حتما بن صوت باید کاربرد دیگری نیز داشته باشد.

اسم های صوت به صورت مرکب نیز به کار برده می شوند؛ تنها کافیست که بن صوت را به دنبال اسم صوت تکرار کنیم. به عبارتی:

«بن صوت + مصوت (ه) + بن صوت»

مثال: بۆر + ه + بۆر ← بۆره بۆر

خرپ + ه + خرپ ← خرپه خرپ

چند اسم صوت تنها برای آشنایی بیشتر:

- بۆره صدای گاو و گوساله
- بۆله صدای نامفهوم اعتراض آمیز
- پرته صدای متناوب شعله در حال روشنی و خاموشی
- پرژه/ پرشه صدای فروپاشی آب
- پلته صدای نامفهوم کسی که دندان ندارد یا صدای نامفهوم به طور عام
- تهپه صدای راه رفتن در حالی که پا بر زمین کوبیده شود
- تهقه صدای کوبیدن چیزی بر چیزی

- جرنگه صدای زیر و نامفهوم اعتراض آمیز
- جریکه صدای پرنده
- جیره صدای باز شدن در شکسته چوبی و غیر آن
- چۆره صدای فرو ریختن آب
- چریکه صدای رسا و خوش آواز خوانی
- حه‌په صدای عوعو سگ وقتی که در جای نشسته است (کنایه تحقیر آمیز از اعتراض بی‌اساس)
- خرپه صدای راه رفتن نامفهوم
- خرچه صدای خوردت میوه‌ی کال
- خرچنگه صدای زیور آلات یا ظروف
- خرپه صدای بهم خوردن چیزی چون گردو در درون کیسه یا خورجین
- درنگه صدای زدن به خمره یا کوزه‌ی تو خالی (مانند زرنگه)
- ره‌په صدای کوبیدن جسم نرم
- زرنگه صدای کوبیدن به خمره یا ظروف مقعر تو خالی
- زره صدای بهم خوردن سگه یا اشیائی از این قبیل
- زریکه صدای ناشی از احساس درد شدید
- زیرپه صدای خنده و داد فریاد اطفال
- سپره صدای شیهه‌ی اسبان
- شریخه صدای رعد و برق صدای شکستن شیشه
- شلقه صدای بهم خوردن مایعات درون ظرف یا صدای شکم پر از مایع
- شوّره صدای فرو ریختن آب باران یا غیر آن
- شیرپه صدای پاره شدن پارچه لباس بر اثر گیر کردن به چیزی
- فیکه صدای سوت کشیدن یا سوت زدن
- فینگه صدای گریه ی زیر لبی و تو دماغی
- قۆره صدای گاو یا گوساله یا صدای شکم
- قولته صدای جوشیدن آب یا بالا آمدن حبابهای هوا از درون آب
- قیژه صدای فریاد ناگهانی و پر طنین کسی پس از دیدن یا شنیدن خبری و اتفاقی ناگوار
- کۆکه صدای سرفه

- گفقه صدای پرتاب کردن سنگ از قُلما سنگ یا صدای گذشتن تیز از کنار گوش آدمی
- گرمه صدای غرّش ابر یا هر صدای مهیبی شبیه آن
- گیزه صدای آب سماور یا کتری در حال جوشیدن یا صدای حشراتی چون زنبور و مگس
- لرخه صدای خفه در گلو
- لووره صدای زوزه ی سگ
- لووشه صدای خوردن خوراکیهای آبکی با حرص و ولع
- مرخه صدای خور و پف
- میزه صدای نالیدن ضعیف
- نرکه صدای هِن هِن
- نووزه صدای ضعیف توله سگ و امثال آن
- هنه صدای هِن هِن
- هونه صدای گریه آهسته یا صدای گرداب

به مثال های زیر دقت فرمائید و به نحوه به کارگیری اسم های صوت در جملات توجه کنید:

مرخهی دیّ : مرخهمرخی دیّ : صدای خر و پفش می آید { "مرخه" و "مرخه مرخ" اسم های صوت اند }

قولته ده کا : قولتهقولت ده کا: (آن) صدای جوشیدن آب می آید { "قولته" و "قولته قولت" اسم های صوت اند }

درس سی و یکم، اسم تصغیر:

اسم مصغّر بر کوچکی دلالت می‌کند و در زبان کردی برای آن نشانه‌های متعددی وجود دارد که به صورت پسوند به آخر اسم و گاهی صفت اضافه می‌شوند. از مهم‌ترین این پسوندها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد (برای آشنایی بیشتر مثال‌هایی نیز ارائه شده است که برای در صورت تمایل می‌توان از فرهنگ انتهای کتاب برای معنا کردن آن‌ها کمک بگیرید).

• لانه:

- نه‌شمیل + انه = نه‌شمیلانه
- خنجیل + انه = خنجیلانه

• چه:

- باخ + چه = باخچه
- دۆل + چه = دۆلچه

• هک:

- تیر + هک = تیرهک

• ک:

- داس + ک = داسک
- دهس + ک = دهسک

• ۆک:

- گرد + ۆک = گردۆک

• ۆکه:

- منال + ۆکه = منالۆکه
- گرد + ۆکه: گردۆکه

• ۆل:

- خرت + ۆل = خرتۆل
- ئاسک + ۆل = ئاسکۆل

• ۆله:

- خرت + ۆله = خرتۆله
- مه‌شک + ۆله = مه‌شکۆله

• هله:

▪ گرد + هله = گردهله

▪ ریز + هله = ریزهله

• هلوولکه:

▪ بهفر + هلووکه = بهفرهلووکه

• یهکۆله:

▪ شووتی + ییهکۆله = شووتییه کۆله

▪ بی + ییهکۆله = بییهکۆله

• ییلانه:

▪ خرپ + ییلانه = خرپیلانه

▪ خنج + ییلانه = خنجیلانه

• ییلکه:

▪ کیو + ییلکه = کیویلکه

▪ سیو + ییلکه = سیویلکه

• ییله:

▪ خرپ + ییله = خرپیله

▪ خشپ + ییله = خشپیله

• ووله:

▪ میس + ووله = میشووله

▪ کیچ + ووله = کیچووله

• له:

▪ گری + له = گریله

• هل:

▪ گرد + هل = گردهل

درس سی و دوم، اسم مصدر:

اسم مصدر کلمات یا ترکیب‌هایی هستند با معنی مصدری ولی بدون داشتن نشانه‌های مصدر؛ مانند:

هات و چوو(آمد و رفت)، وته(گفته)،چاکی(خوبی،خوب بودن).

انواع اسم مصدر :

- ریشه‌ی فعل + ست :

مانند: زان + ست ← زانست (دانش)

- بن ماضی + ار :

مانند: وت + ار ← گوتار (گفتن)

- صفت + ی ، اسم + ی :

مانند: خراب + ی = خرابی (بد بودن)

- صفت یا اسم + ایه‌تی :

مانند: کهس + ایه‌تی = کهسایه‌تی (شخصیت)

نکته: صفاتی که به مصوت (ا) مختوم شده اند، هنگامی که به وند قیدساز) -ایه‌تی (می رسند، بر اثر اتفاق دو مصوت (ا)، یکی از (ا) ها حذف می شود.

مثلا: نازا(چابک) + ایه‌تی ← نازا^ایه‌تی ← نازایه‌تی(چابک بودن)

- صفت + ه(مصوت) :

مانند: خراب + ه ← خرابه (بد بودن)

- اسم + و (حرف ربط در وسط) + اسم :

مانند: عیراق و ئیران (عراق و ایران)

نکته: در واقع ترکیب بالا مصدر (کردن) را نیز به همراه داشته است که به مرور حذف شده است. به عبارتی فعل "عیراق و ئیران کردن" به معنای رفت و آمد مکرر میان عراق و ایران است. چنین ترکیب‌هایی بیانگر مفهوم تکرار و تداوم در کاری هستند که به تدریج با حذف فعل "کردن"، تغییر یافته است.

فصل پنجم:

من ده‌توانم به کوردی قسه به‌که‌م!

فراگیر محترم:

از اینکه تا بدین مرحله ما را همراهی نموده اید بسیار سپاسگزاریم. شما تا کنون توانسته اید اطلاعات قابل توجهی را در مورد زبان کردی فراگیرید. از این مرحله به بعد رسالت اصلی شما آغاز خواهد شد: به کارگیری آنچه یاد گرفته اید. در مجموعه دروس آتی سعی خواهد شد با تبیین برخی نکات ریز شما را به هدفتان نزدیک و نزدیک تر کرد.

در این اثر لفظ "متاسفانه" بسیار به چشم می‌خورد؛ برای نمونه در همین فصل هم، متاسفانه مطالب بسیار ناقص تر از آنند که بتوان یک فصل را برای آن اختصاص داد. با این وجود با توضیحاتی که در مقدمه فصل پیش و نیز در مقدمه نویسنده خدمتتان عرض شد این فصل را نیز درج کرده ایم.

وشه‌کان بناسین:



تهوقه کردن



ماچ کردن



باهوش کردن

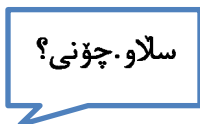
پیش له خویندن:

- به پروای ئیوه کاتی که دوو کهس به یهک ده‌گهن له سه‌ره‌تاچ ده‌لین؟
- چ کاتی دوو کهس تهوقه‌ده‌کهن؟ بۆ؟

به‌خیربین بۆ کوردستان

کوردستان ناوچه‌یه‌کی میژووویه که جگه له زمانی تایبه‌تی، داب و نه‌ریتی جیاوازیسی هه‌یه. ئه‌ورۆ ده‌مانه‌وئ برپیک له‌و داب و نه‌ریتانه‌ی نیو خه‌لکی کوردستان فی‌ر بین.

ره‌نگه کاتی که دوو کهس، چ ناس چه نه‌ناس، پیک ده‌گهن یه‌که‌م وشه‌یه‌ک که لیان بیسریت سلاو بی. سلاو کردن به‌شیکی گرینگ له وت و وێژه‌کانه.



ئه‌گه‌ر بتانه‌وئ هه‌والی که‌سیک بزنان، چۆن بوونی لی ده‌پرسن.

بۆ ولام دان بهو پرسیاره، زۆرتر وشه گه لیک وه کوو: «باشم»، «چاکم»، «خاسم» ده گوتری.

ئه گهر دوو هاوړی که یه کتر دهناسن به یه ک بگهن، پیکه وه تهوقه ده کهن، یه کتر ماچ ده کهنه وه و یان یه کتر باوهش ده کهن.

خه لکی کوردستان زۆر ریژگری میوانن و به وهش به نیوبانگن. سا ئیمه یش ههر لیره وه به خیر هاتنتان ده کهن.

وتو ویژی ۱:

ههوار: سلاو

هانا: سلاو، چونی؟

ههوار: من باشم، تۆ چونی؟

هانا: منیش چاکم.

وتو ویژی ۲:

نه بهز: سلاو سارا. به یانیت باش.

سارا: به یانی تۆش باش، هاوړیه که م.

نه بهز: سپاس، حالت چۆنه؟ چاکي؟

سارا: من زۆر باشم. به هیوام تۆش خاس بیت.

نه بهز: به لئ. منیش باشم. له دیتنت خوشحال بووم.

سارا: ههروه ها منیش. هیوا دارم روزیکي چاکت بیت.

نه بهز: سپاس.

خالی یه کهم: له پاشگری (یش) بۆ نیشان دانی «وهک بوون» کهلک وهرده گیرئ. بۆ نموونه ده گوترئ:

من ده چم، تۆش ده چی

ئهو ده لئج، منیش ده لئیم

ئیمه ده بهین، ئهوانیش ده بهین.

خالی دووههم: کرداری «به هیوا بوون» یان «هیوادارا بوون»؛ ئەم دوو کرداره بۆ نیشان دانی ئاوات و هیوا ده گوترین. بۆ کهلک وهر گوتن لهم کردارانه وه کوو کرداری «خهریک بوون» ده یانگۆرین.

من هیوا دارم ئیمه هیوادارین من به هیوام ئیمه به هیواین

تو هیوا داری ئیوه هیوا داران تۆ به هیوای

ئه و هیواداره ئهوان هیواداران ئهوان به هیوان

• وت وپۆزی نیوان رزگار و هاورپییه کهی بهم وشه یانه پرکه نه وه.

خۆشحال، منیش، خاسم، چاک، سپاس، خوداحافیز، باشه، چۆنه، چۆنی؟ (۲)، هیوادارم

رۆژیا: سلاو کاک رزگار.

رزگار: _____ .

رۆژیا: _____ ؟ حالت _____ ؟

رزگار: زۆر _____ . من _____ . ئه ی تۆ _____ ؟

رۆژیا: _____ چاکم. سپاست ده کهم.

رزگار: ده لئیم، تۆ رووناکت دیت؟ حالی _____ ؟

رۆژیا: به لئج دوینئ دیتم. _____ بوو.

رزگار: _____ هه روا بی. ئه وه ئیدی من ده چم. _____

رۆژیا: سه ر چاو.

وانه‌ی به کهم:

همان طور که می‌دانید ساختار جمله در ساده‌ترین شکل در زبان کردی متشکل از مولفه‌های (فاعل + فعل) است و با این دو جز می‌توان یک جمله‌ی کامل ساخت. اما آیا تنها این دو جز نیازهای زبانی را برطرف می‌سازند؟ قطعاً به عوامل دیگری نیز در جمله نیاز است که آن عوامل نیز به سهم خود مسبب بروز تغییرات و رعایت قواعدی خاص هستند.

حال می‌خواهیم علاوه بر مؤلفه‌های (فاعل + فعل) از مفعول نیز در جمله استفاده کنیم. جمله ساده کردی زیر را در نظر بگیرید. (یادتان باشد که افعال متعدی مفعول پذیراند):

▪ من بردم (من بُردم)

حال فرضاً اگر بخواهیم به جمله‌ی ساده بالا که فعل متعدی دارد، مفعولی مانند (کتاب) بیافزائیم، به عبارتی به کردی بگوییم (من کتاب را بردم) به این صورت عمل می‌کنیم که شناسه را از انتهای فعل به انتهای مفعول می‌چسبانیم. یعنی: (من بردم) + مفعول (په‌رتووک)

من په‌رتووک بردم ← من په‌رتووکم برد (من کتاب را بردم)

به چند مثال دیگر دقت کنید:

ئهو کهندی (او کند) + مفعول (گول): ئهو گول کهندی ← ئهو گولی کهند (او گل را کند)

تۆ سوتاندت (تو سوزاندی) + مفعول (دار): تۆ دار سوتاندت ← تۆ دارت سوتاند (تو درخت را سوزاندی)

ئیمه‌ستاندمان (ما گرفتیم) + مفعول (پاره): ئیمه پاره ستاندمان ← ئیمه پارهمان ستاند (ما پول را گرفتیم)

ذکر نکته‌ای مهم و ساده در این جا لازم است که اگر قرار باشد شناسه از فعل به مفعول جابه جا شود، شناسه تنها و تنها به خود مفعول و انتهای آن متصل می‌شود.

من کاک هه‌ورام برد ← من آقا هه‌وار را بردم.

در اینجا "کاک هه‌وار" مفعول است. همانطور که می‌بینیم، شناسه به انتهای آن متصل شده است.

وت و ویزی ۳:

فارس: سلاو کاکي کورد. چۆنی؟

کورد: سلاو کاکه. قوربانی تۆ. من باشم.

فارس: بمبووره، به کوندا ده توانم بچمه سابلاغي؟

کورد: نهنگۆ گهشتيارن؟

فارس: به لئى قوربان.

کورد: ههنگاوى ئيوه سه ر چاوى ئيمه. ئەم ريگايه ده چيته سابلاغي. ئەوهى ديگهش ده چيته سنهى.

فارس: زۆر سپاست لى ئەکه م.

کورد: يا خولا به خيربين. سه رچاومان. خه لکى کوپن؟

فارس: ئيمه خه لکى تارانين. ئەم هاوريانهم خه لکى ته وريز و ئيسفه هانن.

کورد: جيگاي شانازيه. زور زۆرم پى خوشه که ئاوا کوردى به ريگ وپيکى ده زانن.

فارس: زۆر سپاس؛ ئيمه زمانى کورديمان خوښ دهوى. زمانىکى رازاويه.

کورد: سپاس؛ من له خزمهتتاندام.

فارس: بژى کاکه. خواحافيز.

کورد: به خواتان ئەسپيڤرم.

سه بارهت به دهق:

- چاو له کردارى "بمبووره" بکهن. چاوكى ئەم کرداره چييه؟
- چاوكى کردارى "بژى" ببينهوه.

فهره‌نگۆك (فرهنگ لغت):

| فارسی | کوردی | فارسی | کوردی |
|-----------------------|-----------------|-------------------------|-------------|
| نی لبک | بلوێر | چابک، زیرک | ئازا |
| به منظور - برای - چرا | بۆ | آسمان | ئاسمان |
| زمینه | بوار | افق | ئاسۆ |
| گذشتن | بواردن | آب | ئاو |
| بخشیدن | بووردن | آرزو | ئاوات |
| عروس | بووک | اگر | ئه‌گه‌ر |
| کوچک | بووچک | این | ئه‌مه |
| بو | بۆن | امید | ئومید |
| خوش آمدن | به‌خێر هاتن | آن | ئه‌و |
| سنگ | به‌رد | امروز | ئه‌ورۆ |
| پریدن | به‌زین | آرامش | ئۆخزن |
| قسمت | به‌ش | درد | ئیش |
| بله | به‌لێ | امروز | ئیمرو |
| مشهور | به‌نیوبانگن | دیگر | ئیدی |
| صبح - فردا | به‌یانی | موضوع | بابه‌ت |
| بهم رسیدن | به‌یه‌ک گه‌یشتن | باغ | باخ |
| بدون | بێ | خوب | باش |
| فکر، چاره، اندیشه | بیر | عزیز | باوان |
| دیدن | بینین | در آغوش گرفتن | باوه‌ش کردن |
| یافتن - پیدا کردن | بینینه‌وه | برادر | برا |
| پیشرفت | پاش‌که‌وتن | برادر زاده | برازا |
| پسوند | پاشگر | بردن | بردن |
| پل | پرد | عقیده - نظر | بروا |
| سوال | پرسیار | قدری | برپک |
| پر کردن | پر کردنه‌وه | کاش | بریا |
| پاشیدن | پژاندن | حرکت دهنده | بزوینهر |
| پرده | په‌رده | بی آرام و همیشه در حرکت | بزۆز |
| ارتباط | په‌یه‌ندی | شمارش کردن | بژاردن |

| فارسی | کوردی | فارسی | کوردی |
|-------------------------|-----------------|---------------------------|-------------|
| فامیل،خویشاوند | خزم | مرد | پیاو |
| خدمت | خزمه‌ت | مردانگی | پیاوه‌تی |
| کوچک | خنجیلانه | پیمودن | پیوین |
| خدا | خوا/خولا / خودا | قبل - پیش | پیش |
| خوردن | خواردن | خوشحال بودن - تمایل داشتن | پی خوش بوون |
| خداحافظ | خوداحافیز | بهم رسیدن | پیک گه‌یشتن |
| دوست داشتن | خوش‌ویستن | آبشار | تاڤگه |
| نهیب زدن - رانندگی کردن | خورپن | مخصوص - ویژه | تایبه‌تی |
| ای کاش | خۆزگا | سراب | تراویلکه |
| مردم - اهل | خه‌لک | انقباض عضله پیدا کردن | ته‌زین |
| مشغول | خه‌ریک | دست دادن | ته‌وقه کردن |
| آداب و رسوم | داب‌ونه‌ریت | سیر | تیر |
| دو | دوو | غیر از - بجز | جگه‌له |
| دوشیدن | دۆشین | زیبا | جوان |
| دیروز | دوینئی | جا | جیگا |
| دره | دۆل | متفاوت | جیاواز |
| دست | دهست | جهان، دنیا | جیهان |
| متن | دهق | چه، چی | چ |
| دیدن | دیتن | ربع | چاره‌ک |
| آراسته - زیبا | رازاهه | خوب، نیک | چاک |
| آزاد - رها | رزگار | چشم | چاو |
| ریختن | رژاندن | مصدر | چاوک |
| ربودن | رفاندن | توجه داشتن - دقت کردن | چاولی کردن |
| خورشید - آفتاب | رۆژیا | چگونه - چطور | چۆن |
| روز | رۆژ | رفتن | چوون |
| روشن، مشخص | روون | حال | حال |
| روشن | رووناک | خوب | خاس |
| شاید - احتمالا | ره‌نگه | نکته | خال |
| احترام گذاشتن | ریز‌گرتن | پاکیزه، تمیز | خاوین |
| باران ناگهانی بهاری | ریژنه | گرد - مدور | خرت |

| فارسی | کوردی | فارسی | کوردی |
|-----------------|----------------|-----------------------|-----------|
| آقا - قربان | کاک(ه) | منظم | ریک وپیک |
| فعل | کردار | راه | ریگا |
| خریدن | کرپن | علم | زانست |
| پسر | کور | علم | زانپاری |
| کوتاه | کول | آگاهی یافتن | زانین |
| یک نوع نان محلی | کوللیزه | زاییدن | زایین |
| کشتن | کوشتن | زبان | زمان |
| کجا | کوی | زیاد، فراوان | زور |
| شخص - نفر | کهس | دریا | زه ریا |
| شخصیت | که سایه تی | شمردن | ژماردن |
| استفاده کردن | که لک وه رگرتن | زن | ژن |
| کندن | که نندن | میعاد گاه عشق | ژوان |
| خندیدن | که نین | زندگی شهروندان | ژیار |
| افتادن | کهوتن | زندگی | ژیان |
| کی، چه وقت | که ی | از این رو-لذا | سا |
| کاشتن | کینان | گرفتن، غصب کردن | ستاندن |
| کوه | کیو | سپردن | سپاردن |
| گرفتن | گرتن | تشکر | سپاس |
| کروی | گرد | طبیعت | سروشت |
| مهم - اساسی | گرینگ | سلام | سلاو |
| گفتار | گوتار | سوزاندن | سووتاندن |
| تغییر دادن | گوژان | در مورد - راجع به | سه باره ت |
| گلوله | گولله | ابتدا - بدایت | سهره تا |
| گل | گول | سیب | سیو |
| مسافر - توریست | گه شتیار | پنهان کردن، مخفی کردن | شاردن |
| گروه - ملت | گهل | افتخار | شانازی |
| رسیدن | گه یشتن | یاد گرفتن | فیو بوون |
| از | له/ده | جیغ | قیژه |
| با، به همراه | له گهل | زمان - وقت | کات |
| آنجا | لهوی | فجر کاذب | کازیوه |

| فارسی | کوردی | فارسی | کوردی |
|--------------------------|----------|--------------------------|------------|
| گفته | وته | از | لی |
| زرنگ، هوشیار | وریا | اینجا | لیره |
| کلمه | وشه | بوسیدن | ماچ کردن |
| کشور، سرزمین | ولات | خانه | مال |
| پاسخ دادن | ولام دان | عمو | مامه |
| مانند، مثل | وهک | ماه | مانگ |
| شجاعت - جرات کردن | ویران | گاو ماده | مانگا |
| تصویر، عکس | وینه | وقت، زمان | ماوه |
| آمد و رفت | هات وچوو | فرزند، کودک | مندال/منال |
| پناه - اسم دختر | هانا | رئیس، سردار | مهزن |
| دوست، همراه | هاورپی | تاریخی | میژوویی |
| انداختن، پرت کردن | هاویشتن | پشه | میشووله |
| عشیره - ملت | هۆز | مهمان | میوان |
| تا زمانی که - تا جایی که | ههتا | فرستادن | ناردن |
| همانطور | ههروا | آشنا | ناس |
| همچنین | ههروهها | منطقه | ناوچه |
| هزار | ههزار | نمونه - مثال | نموونه |
| قدم | ههنگاو | نشان دادن | نواندن |
| اقامتگاه ایل - اسم پسر | ههوار | شکست ناپذیر | نه به ز |
| خبر - احوال | ههوال | زن نازک اندام، نام زنانه | نه شمیل |
| آوردن | هینان | ناآشنا | نه ناس |
| انقدر | هینده | بلند کردن | نهوین |
| امید | هیوا | داخل، در | نیو |
| امیدوار | هیوادار | در میان - میانه ی | نیوان |
| یا | یان | نشان دادن | نیشان دان |
| همدیگر | یه کتر | نشستن | نیشن |
| | | نصف، نیم | نیو |
| | | درس | وانه |
| | | گفتار، سخن | وتار |
| | | گفتگو | وتووژ |

منابع:

[1]- قواعد کردی کرمانجی، ژویس بلو، ترجمه علی بلخکانلو، دانشکده ادبیات زبان کردی در پاریس - ۱۳۸۷

[2]- ارگتیو در زبان کردی-فاطمه دانش پژوه-نشر داستان - ۱۳۸۹

[3]- تاریخ کرد و کردستان و توابع، شیخ محمد مردوخ کردستانی، چاپ دوم، سنندج، ۱۳۵۱

ریژمانی ئاخوتنی زمانی کوردی به پپی لیکۆلینه وهی لیژنه، کۆری زانیاری کورد، به غدا ۱۹۷۶

قواعد زبان کردی، دکتر علی رخزادی، چاپ اول

بریده مقالاتی از مامۆستا شیخ محهمه دی خال، مامۆستا کوردییف، نوری علی امین، عبدالرحمان مارف، صرف و نحو

کردی: ماموستا سعید صدقی؛ دستووری زمانی کوردی: مامۆستا توفیقی وهه بی،

المنجد في اللغة و الأعلام، طبعة جديدة منقحة- دارالمشرق، بیروت ۲۰۰۷

جاذبه های گردشگری اورامانات-نویسنده: آقای محمد خالدی مکی

Destpêka zimanê me; Haydar Diljen & sabîha Otlu ; weşanên Diljen

Reflets ; method de français; Guy Capelle-Noëlle Gidon ; HACHETTE ; 1999

Larousse de Poche 2005; édition mise à jour ; Paris

The A to Z of the Kurds; Michael M. Gunter; the Scarecrow Press, Inc.; Lanham • Toronto • Plymouth, UK; 2009

The Political Development of Kurds in Iran; Pastoral Nasionism; Farideh Koochi-Kamali; 2003; PALGRAVE MACMILLAN

The Kurds in Turkey EU Accession and Human Rights-Kerim Yildiz -Foreword by Noam Chomsky-Pluto Press – 2005

Complete French Grammer; Annie Heminway; McGrawHill; 2008



آیا می دونستید لذت مطالعه و درصد یادگیری با کتاب های چاپی بیشتره؟
کارنیل (محبوب ترین شبکه موفقیت ایران) بهترین کتاب های موفقیت فردی
رو برای همه ایرانیان تهیه کرده

از طریق لینک زیر به کتاب ها دسترسی خواهید داشت

www.karnil.com

با کارنیل موفقیت سادست، منتظر شما هستیم

 Karnil  Karnil.com

